مجلهٔ علمی فرهنگی جهادی

حقیقت

۷۱

سال دوازدهم
شماره چهارم

رمضان الکریم و شوال المکرم ۱۴۴۶ هـ ق

ثور و جوزا ۱۴۰۴ هـ ش

می و جون ۲۰۲۵ م

موفقیت امارت اسلامی در برقراری توازن میان قدرت‌های شرق و غرب ● تعادل بین کار و زندگی؛ رمز موفقیت پایدار

قصاص بخشی از حقوق بشر است ● تحلیلی بر موانع ازدواج جوانان در افغانستان

پر امارتي مشرانو د جائزو ختمول، که د بریالی دیپلوماسی د پیل سریزه ● سبزیجات چطور به کاهش کلسترول کمک می‌کنند؟

Summary of the Contents of This Issue
of "Haqiqat" Magazine in English



شهر کابل، جایی که مردمش همیشه پرچم استقلال و رشادت اسلامی را برافراشته‌اند.

مجله علمی فرهنگی جهادی
حقیقت

د افغانستان اسلامي امارت

سال دوازدهم، شماره چهارم * رمضان‌الکریم و شوال‌المکرم ۱۴۴۶ هـ ق * ثور و جوزا ۱۴۰۴ هـ ش * می و جون ۲۰۲۵م

تماس:
Haqiqat.mag@gmail.com
ایمیل مجله تنها آدرس دریافت مقالات نویسندگان می‌باشد.

صفحه توئیتر مجله حقیقت:
@HaqiqatMagazine

فهرست مضامین



روابط ا.ا.افغانستان با جهان، بر اساس احترام متقابل استوار و در حال افزایش است

سیاست خارجی و ارتباطات بین کشورها، از مهم‌ترین بخش‌های سیاست‌های ملی هر مملکتی را به خود اختصاص می‌دهد که بر اساس منافع ملی و بین‌المللی و برگرفته از ارزش‌های ملی هر کشوری، به خود شکل می‌گیرد.

چون در جهان امروز، روابط بین کشورها از اهمیت حیاتی برخوردار می‌باشد، مقام‌ها و مسئولان هر کشوری، در نهادی بنام وزارت امور خارجه، تلاش می‌کنند تا این روابط با تمام کشورها، بر اساس قوانین و احکام داخلی و بین‌المللی، مستحکم باشد.

امارت اسلامی افغانستان نیز با درک چنین اهمیتی، در سیاست خارجی خود، روشی را پیش گرفته که تعامل با کشورها، براساس احترام متقابل و حفظ ارزش‌ها برقرار شده، استحکام یابد.

نظام حاکم در افغانستان توانسته با این روش، موفقیت نیز کسب کند که مردم ما روزانه شاهد گسترش روابط افغانستان با کشورهای جهان‌اند. چنان که در تاریخ ۱۷ آپریل ۲۰۲۵ میلادی، در یک اقدام تاریخی، فدراسیون روسیه با حکم دادگاه عالی خویش، نام امارت اسلامی افغانستان را از فهرست گروه‌های ممنوعه خارج نمود. این تصمیم که در تاریخ ۱۷ آپریل ۲۰۲۵ به صورت رسمی اعلام شد، بدون شک، چنین برخوردی، نشان از سیاست خارجی و برنامه‌های امارت اسلامی افغانستان در سیاست خارجی است که چنین عمل‌کردی را از سوی روسیه در قبال داشته است.

پیشرفت در روابط بین افغانستان و کشورهای شمالی آن، نشان از تلاش مسئولان امور برای برقراری روابط حسنه است که تا کشورهای دور و نزدیک نیز تاثیرگذار بوده است. بدون شک، چنین رویکردی، موفقیت‌های بیشتری را در پی خواهد داشت و چنان که ما شاهد حضور مقام‌های خارجی و سفرهای مقام‌های افغان به کشورهای خارجی هستیم، بیانگر و ثبوتی بر این گفته است.

مسئولان و مقام‌های امارت اسلامی در تلاش‌اند تا منافع ملی تامین، روابط خارجی حفظ و مردم افغانستان در داخل و خارج، شاهد سهولت‌ها باشند. اهدافی که در سیاست خارجی افغانستان دنبال می‌شود، بدون شک متضمن ادای حقوق شهروندان افغانستان است.

از آن جا که سیاست خارجی به کشورها کمک می‌کند تا منافع اقتصادی، سیاسی و امنیتی خود را در سطح جهانی حفظ کند، امارت اسلامی تلاش دارد تا این مزایا برای افغانستان تحقق یابند.

از طریق سیاست خارجی، با تلاش مسئولان، افغانستان می‌تواند روابط دیپلماتیک با توجه به ارزش‌های ملی و احترام متقابل، با دیگر کشورها برقرار کند که این روابط برای همکاری‌های اقتصادی و اجتماعی اهمیت دارد.

چون تعاملات بین‌المللی می‌تواند فرصت‌های جدیدی برای تجارت و سرمایه‌گذاری فراهم کند که به رشد اقتصادی کشورها کمک می‌کند، حکومت افغانستان در تلاش است تا این روابط استحکام بیشتری یافته، اهداف کوتاه مدت و بلندمدت اقتصادی تحقق یابند.

به طور کلی، سیاست خارجی ابزار کلیدی برای دستیابی به اهداف ملی و تأمین امنیت و رفاه کشورها محسوب می‌شود که باید براساس قوانین ملی و بین‌المللی، بین کشورها برقرار شده، منافع و ضروریات همه را برآورده سازد.

امارت اسلامی افغانستان نیز با توجه به اهمیت سیاست خارجی، در تلاش است تا روابط با جهان را گسترش و منافع ملی مردم افغانستان در داخل و خارج را تامین کند.



موفقیت امارت اسلامی در برقراری توازن میان قدرت‌های شرق و غرب

شفیقه امیری

افغانستان به دلیل موقعیت استراتژیک و منابع طبیعی غنی که دارد همواره کانون توجه قدرت‌های جهانی بوده است. پس از بازگشت امارت اسلامی به قدرت در اوت ۲۰۲۱، افغانستان بار دیگر به مرکز توجهات بین‌المللی قرار گرفت. در ابتدا این حکومت با واکنش‌های جدی و منفی غرب و استقبال محتاطانه شرق مواجه شد. اکنون چهار سال از این حکومت می‌گذرد، می‌توان گفت که در دو سال اخیر این حکومت توانسته است تا از خلأ رقابت‌های جهانی در افغانستان بهره‌برداری کرده و نوعی توازن در روابط خارجی خود میان شرق و غرب برقرار نماید. هرچند این تلاش‌ها در سایه چالش‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی دشوار بوده است اما حکومت امارت اسلامی بر خلاف پیش‌بینی‌ها به خوبی توانسته است تا با این روند کنار آید. افغانستان در قلب آسیا و در مجاورت کشورهای مهمی چون، چین، روسیه و ایران واقع شده است. این موقعیت ژئوپلیتیک افغانستان را به محل تقاطع منافع متضاد شرق و غرب بدل نموده است. با این حال طی دو سال اخیر حاکمیت، امارت اسلامی هرچند چالش‌های زیادی پیش روی امارت اسلامی قرار داشت اما امارت اسلامی با درک حساسیت‌های منطقه‌ای و جهانی و با بهره‌برداری از شکاف‌های موجود توانسته است توازنی هوشمندانه میان قدرت‌های شرق و غرب برقرار سازد.

چالش‌های توازن‌گرایی امارت اسلامی

نبود مشروعیت بین‌المللی:

امارت اسلامی افغانستان بیش از چهار سال است که حاکمیت افغانستان را در دست دارد، طی این چهار سال هرچند بعضی از کشورها دوست دارند و در صدد این هستند تا افغانستان را به رسمیت بشناسند اما هنوز هیچ کشوری بطور رسمی افغانستان تحت حاکمیت امارت اسلامی را به رسمیت نشناخته است. این روند به رسمیت‌شناسی سبب شده است تا امارت اسلامی از بسیاری فرصت‌های دیپلماتیک محروم شود.

مشکلات داخلی:

آمریکا بعد از روی کار آمدن امارت اسلامی تمام دارایی‌های افغانستان را منجمد و روند کمک‌رسانی به افغانستان را مسدود ساخت. به دلیل این شرایط بحران اقتصادی نیز افزایش یافت. خوشبختانه امارت اسلامی این چالش را به خوبی توانست مدیریت کند و اقتصاد ضعیف افغانستان را سر پای نگهدارد.

رقابت منافع میان قدرت‌ها:

از آنجاییکه کشورهای قدرتمند در حال نفوذ و رقابت با یکدیگر هستند، تضاد منافع میان چین، روسیه و آمریکا در افغانستان، فضایی شکننده برای توازن ایجاد کرده است.

روابط امارت اسلامی با چین:

پس از بازگشت امارت اسلامی در قدرت، جهان غرب با احتیاط و بی‌اعتمادی نسبت به حکومت امارت اسلامی واکنش نشان داد. اما قدرت‌های شرقی از جمله چین روسیه و ایران رویکردی عمل‌گرایانه نسبت به حکومت امارت اسلامی نشان دادند. چین نخستین کشوری بود که پس از قدرت‌گیری امارت اسلامی در افغانستان، تماس‌های دیپلماتیک و غیررسمی خود را حفظ کرد. اکنون چین به دلایلی مانند، سرمایه‌گذاری در معادن غنی افغانستان، حفظ روابط خود با این کشور به عنوان یک محل استراتژیک و مهم و نگرانی از نفوذ گروه‌های افراطی در مرز مشترک با افغانستان یکی از شرکای راهبردی امارت اسلامی محسوب می‌شود. سرمایه‌گذاری در معادن افغانستان به ویژه معادن مس و لیتیوم یکی دیگر از پروژه‌های چین با امارت اسلامی می‌باشد. همچنین توافق‌های اقتصادی دیگری از جمله قرارداد بهره‌برداری از میدان نفتی آمو دریا بین دو طرف صورت گرفته است.

روابط امارت اسلامی با آمریکا:

رابطه امارت اسلامی و آمریکا پس از خروج نظامیان آمریکایی در سال ۲۰۲۱ وارد یک مرحله پرتنش و در عین حال پراگماتیک شده است. آمریکا از یک طرف حکومت امارت اسلامی را به رسمیت نشناخته است اما از طرفی دیگر به دلایل امنیتی، درگیر مذاکرات غیر رسمی با سران امارت اسلامی در دوحه و قطر است. شاید رابطه آمریکا نسبت به افغانستان شکننده و پر تنش باشد اما آمریکا نیز به دلایل متفاوت نمی‌خواهد از این مکان مهم و استراتژیک خود را دور نگه‌دارد، برای همین ارتباطات غیر رسمی خود را ادامه داده است.

روابط امارت اسلامی با روسیه:

روسیه نیز یکی از بازیگران کلیدی در معادلات افغانستان است. همچنین این کشور به تازگی حکومت امارت اسلامی را از لیست گروه‌های تروریستی حذف نموده که این یک تعامل و همکاری خوب با افغانستان محسوب می‌شود و در عین حال گرایش کشورهای منطقه و غرب را نیز به نسبت نحوه حکومت‌داری امارت اسلامی تغییر داده است. روسیه از یک سو نگران نفوذ گروه‌های تندرو در آسیای مرکزی است و از سوی دیگر به دلیل تضاد منافع با غرب، در پی افزایش نفوذ خود در افغانستان می‌باشد. این کشور همواره از تعاملات اقتصادی و امنیتی امارت اسلامی استقبال کرده است. روسیه تلاش دارد تا از طریق این تعاملات نفوذ خود در افغانستان را افزایش دهد و از تضعیف موقعیت آمریکا بهره‌برداری کند. امارت اسلامی نیز می‌کوشد تا از این همکاری‌ها در جهت منافع اقتصادی و سیاسی افغانستان استفاده کند. صادرات نفت، گاز و گندم روسی به افغانستان از نشانه‌های همکاری عمل‌گرایانه دو طرف می‌باشد. و در آخر باید گفت که هر کشوری به فکر منافع خودش است. اکنون نیز چین، روسیه و آمریکا هر یک در پی منافع خود در افغانستان هستند. نگاه مثبت اینجاست که امارت اسلامی با بهره‌گیری از این رقابت‌ها، و با در نظرداشت عدم وابستگی مطلق به یک قدرت خاص، توانسته است بخشی از نیازهای اقتصادی و امنیتی افغانستان را بر طرف سازد.

اختلافات میان شرق و غرب بر سر افغانستان:

اختلافات شرق و غرب درباره افغانستان را می‌توان در رقابت‌های بین‌المللی مشاهده نمود. غرب نگران آن است که مبادا تعامل کشورهای چین، روسیه و ایران که از جهتی رقیب کشورهای غربی هستند، با افغانستان افزایش یابد. از این رو می‌خواهد این تعاملات را به نحوی زیر نام قوانین شورای امنیت یا سازمان ملل محدود سازد. کشورهای شرقی نیز چون دل‌خوشی از این رقیب غربی خود ندارند، بناءً افغانستان را بدون وابستگی به غرب ترجیح می‌دهند. حکومت افغانستان نیز با این شرایط به خوبی کنار آمده است. امارت اسلامی نه دروازه‌های ارتباط با غرب را کاملاً بسته است و نه فقط به روسیه و چین تکیه کرده است، بلکه با برقرای توازن و مستلزم نیاز یک رابطه خوب بین شرق و غرب ایجاد کرده است.







استفاده از تولیدات داخلی، همزمان با برداشت محصولات زراعتی، وظیفه‌ی ملی‌ست

عبدالله هروی

با آغاز فصل بهار، اکنون زمان برداشت محصولات زراعتی فرار رسیده و دهقانان عزیز ما حاصل دست‌رنجشان را برداشت می‌کنند. این حاصل، پس از ماه‌ها تلاش بدست آمده و دهقان ما امید بر این دارد که با فروش محصولات زراعتی، احتیاج‌ها و ضروریات خود را رفع نماید، بدون شک او وقتی به این هدفش می‌رسد که ما از محصولات داخلی استفاده کرده، او را حمایت کنیم، زیرا اساس چرخه اقتصادی در کشور ما را دهقانان بدست دارند.

اما، چرا مهم است که از محصولات زراعتی و تولیدات داخلی استفاده کنیم؟ در این جا به این سوال پاسخ داده خواهد شد.

در دنیای امروز، مسئله خودکفایی و حمایت از تولیدات و محصولات زراعتی داخلی به یکی از مباحث مهم اقتصادی و اجتماعی تبدیل شده است. کشورهای مختلف به دلیل نیاز به استقلال اقتصادی و کاهش وابستگی به واردات، به تشویق و حمایت از تولیدات داخلی پرداخته‌اند که می‌تواند دلایل مختلف داشته باشد که به برخی از این دلایل، اشاره خواهد شد.

تقویت اقتصاد ملی

استفاده از تولیدات داخلی و محصولات زراعتی داخلی، می‌تواند تأثیر مستقیم بر تقویت اقتصاد ملی داشته باشد. وقتی که مردم از محصولات داخلی استفاده می‌کنند، این امر موجب افزایش درآمد تولیدکنندگان داخلی و در نتیجه رشد اقتصادی می‌شود.

در واقع، تولیدکنندگان با فروش محصولات خود، قادر خواهند بود سرمایه‌گذاری‌های جدیدی انجام دهند و اشتغالزایی بیشتری را رقم بزنند. این چرخه مثبت نه تنها به تقویت تولید داخلی کمک می‌کند، بلکه موجب افزایش سطح رفاه اجتماعی نیز خواهد شد.

همچنان دهقانان ما وقتی حمایت شوند، تلاش خواهند کرد تا بیشتر زحمت بکشند و محصولات بیشتری به بازار بیاورند که بدون شک، نیازمندی‌های ما را رفع و ما را به خودکفایی می‌رساند.

کاهش وابستگی به واردات

یکی از مزایای اصلی حمایت از تولیدات داخلی، کاهش وابستگی به واردات است. کشورهای زیادی به

دلیل وابستگی به واردات کالاهای اساسی با مشکلات اقتصادی، نوسانات ارزی و بحران‌های مالی مواجه شده‌اند که ما نیز آن را بارها تجربه کرده‌ایم. وقتی قیمت ارز در کشورهای مختلف تغییر می‌کند، محصولات وارداتی نیز قیمتشان بلند می‌رود که مردم ما را به مشکلات مواجه ساخته است که نمونه‌ی خوب آن، قیمت برنج، آرد و روغن وارداتی است. با افزایش تولیدات داخلی، کشورها می‌توانند به خودکفایی برسند و از نوسانات بازارهای جهانی مصون بمانند. این امر به ویژه در زمان بحران‌های جهانی، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

ایجاد اشتغال

حمایت از تولیدات داخلی به ایجاد فرصت‌های شغلی جدید کمک می‌کند. وقتی مردم به خرید محصولات محلی تشویق می‌شوند، تولیدکنندگان نیاز به استخدام نیروی کار بیشتری پیدا می‌کنند. این امر به کاهش نرخ بیکاری و تأمین معیشت خانواده‌ها کمک می‌کند. به‌علاوه، اشتغال‌زایی به افزایش مهارت‌ها و توانمندی‌های نیروی کار نیز منجر خواهد شد.

حمایت از دهقانی و صنایع محلی

استفاده از تولیدات داخلی به ویژه در بخش زراعتی و صنایع کوچک و متوسط (SMEs) اهمیت دارد. کشاورزی محلی نه تنها امنیت غذایی کشورها را تأمین می‌کند، بلکه به حفظ منابع طبیعی و محیط زیست نیز کمک می‌نماید. صنایع محلی با استفاده از منابع و نیروی کار داخلی، می‌توانند به حفظ فرهنگ و هویت ملی کمک کنند و از مهاجرت روستاییان به شهرها جلوگیری کنند.

ارتقاء کیفیت محصولات

با افزایش رقابت در بازار داخلی، تولیدکنندگان به ناچار باید کیفیت محصولات خود را بهبود ببخشند. این امر منجر به افزایش رضایت مشتریان و بهبود استانداردهای تولید خواهد شد. همچنین، حمایت از تولیدات داخلی می‌تواند به انتقال فناوری و نوآوری کمک کند و تولیدکنندگان را ترغیب به بهبود فرآیندهای تولید نماید.

تقویت احساس تعلق و افتخار به داشته های داخلی

حمایت از تولیدات داخلی به تقویت فرهنگ مصرف محلی و ملی کمک می‌کند. وقتی مردم از محصولات داخلی استفاده می‌کنند، احساس تعلق بیشتری به کشور و فرهنگ خود پیدا می‌کنند. این امر می‌تواند به افزایش همبستگی اجتماعی و تقویت هویت ملی منجر شود. همچنین، فرهنگ مصرف داخلی می‌تواند به ترویج ارزش‌های اجتماعی مانند حمایت از همدیگر و حفظ محیط زیست کمک کند.

در حقیقت، حمایت از تولیدات داخلی تنها به جنبه‌های اقتصادی محدود نمی‌شود، بلکه تأثیرات اجتماعی و فرهنگی نیز دارد. هنگامی که مردم از محصولات محلی استفاده می‌کنند، به ترویج فرهنگ و هنر محلی کمک می‌کنند. این امر می‌تواند به حفظ میراث فرهنگی و هویت ملی کمک کند و موجب افزایش گردشگری داخلی شود.

توسعه پایدار

استفاده از تولیدات داخلی می‌تواند به توسعه پایدار کشور کمک کند. با حمایت از تولیدات محلی، کشورها می‌توانند به حفظ منابع طبیعی، کاهش آلودگی و حفاظت از محیط زیست کمک کنند. تولیدات محلی معمولاً به شیوه‌های پایدارتر و با استفاده از منابع محلی تولید می‌شوند که این امر به حفظ محیط زیست و توسعه پایدار منجر می‌شود. خودکفایی، خودش پایداری را تضمین می‌کند، زیرا از تحت اثر قرار داشتن، نجات یافته و کشور به سوی استقلالیت تولیدی پیش خواهد رفت.

به طور خلاصه، استفاده از تولیدات داخلی نه تنها به تقویت اقتصاد ملی، کاهش وابستگی به واردات و ایجاد اشتغال کمک می‌کند، بلکه تأثیرات اجتماعی و فرهنگی عمیقی نیز دارد. حمایت از تولیدات داخلی می‌تواند به حفظ هویت ملی، ارتقاء کیفیت زندگی و توسعه پایدار منجر شود. به همین دلیل، دولت‌ها، نهادهای اجتماعی و مردم باید به ترویج و حمایت از تولیدات داخلی اهتمام ورزند تا از منافع آن بهره‌مند شوند. در نهایت، این اقدام می‌تواند به یک کشور مستقل، پایدار و موفق منجر شود. همانطور که در برخی ولایات، کمپاین‌ها به خاطر حمایت از تولیدات داخلی و استفاده از محصولات وطنی راه‌اندازی شده، می‌طلبد که همه مردم افغانستان در گوشه و کنار، به این کمپاین‌ها بپیوندند و از راه‌های مختلف، به تبلیغ و ترویج فرهنگ استفاده از محصولات داخلی بپردازند تا باشد که خودکفایی در تولیدات داخلی محقق شده، اقتصاد ملی مردم ما تقویت یابد.



قصاص بخشی از حقوق بشر است

مفتی حبیب‌الله کریمی

قصاص یکی از احکام مهم و حیاتی در نظام حقوقی اسلام است که بر مبنای عدالت، بازدارندگی و حفظ کرامت انسانی تشریع شده است. این حکم، نه‌تنها با حقوق بشر در تضاد نیست، بلکه در چارچوب شریعت اسلامی، خود یکی از ابزارهای تضمین و تأمین حقوق اساسی انسان‌ها، به‌ویژه حق حیات، شمرده می‌شود.

قرآن کریم به‌صراحت می‌فرماید:

«وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»

(سوره بقره، آیه ۱۷۹)

این آیه نشان‌دهنده حکمت عظیم قصاص در برقراری حیات اجتماعی و جلوگیری از فساد و جنایت است. در واقع، قصاص مانعی قوی در برابر قتل و ظلم است و نوعی تضمین برای حفظ امنیت عمومی به شمار می‌آید.

از سوی دیگر، اسلام در کنار مشروعیت قصاص، به عفو و گذشت نیز ارزش فراوانی داده است. اولیای دم، در صورت تمایل، می‌توانند از قصاص گذر کرده و دیه دریافت کنند یا به‌طور کامل عفو نمایند:

«فمن عفي له من أخيه شيء فاتباع بالمعروف وأداء إليه بإحسان»

(سوره بقره، آیه ۱۷۸)

این اختیار در انتخاب میان قصاص، دیه و عفو، خود نشان‌دهنده نگاه انسانی و عدالت‌محور اسلام است که حقوق فردی و اجتماعی را به شکل متوازن رعایت کرده است.

از منظر حقوق بین‌الملل نیز، در «اعلامیه اسلامی حقوق بشر» مصوب سازمان کنفرانس اسلامی (قاهره، ۱۹۹۰)، حق قصاص به‌عنوان یکی از حقوق مشروع در نظام عدالت اسلامی شناخته شده است. در ماده ۱۹ این اعلامیه آمده است:

«هیچ‌کس را نمی‌توان به قتل رساند مگر آن‌که شریعت حکم آن را داده باشد، مانند قصاص.»

بنابراین، قصاص نه یک عمل خشونت‌بار، بلکه یک حق قانونی، انسانی و بازدارنده است که در راستای تحقق عدالت و حمایت از حقوق بشر قرار دارد.

پیشنهاد ترامپ،

خنده‌آورتر از جوشانیدن بحر اطلس!

نویسنده: ادهم شرقاوی
مترجم: مصطفی توکلی

در زبان ترکی ضرب‌المثل جالبی است که می‌فرمایند: اگر شخص دلقکی به قصر پادشاه وارد شود، او هرگز پادشاه نمی‌شود؛ بر عکس قصر تبدیل به دلقک‌خانه می‌شود.
پس شما به دلقک‌خانه‌ی کاخ سفید خوش آمدید!
عرب‌ها هم ضرب‌المثلی معروفی دارند: «من تكلَّمَ في غير فنِّه أتى بالعجائب؛ کسی که فراتر از فن و هنرش سخن بگوید، رسوا می‌شود».
شاید فراموش کرده‌اید زمانی که دونالد ترامپ در دوره‌ی اول ریاست‌جمهوری خود پیشنهاد کرد که بیماران مبتلا به کرونا باید کلر و دتول را به طور مستقیم از طریق رگ تزریق کنند، به جای اینکه داروهای معمولی مصرف کنند. پس به شگفتی‌های کاخ سفید خوش آمدید!
حماقت و کودنی ترامپ تا جایی رسیده که خود آمریکایی‌ها نیز به حماقت او اعتراف کرده و او را به عنوان یک فرد احمق می‌شناسند، یک صاحب تانک‌تیل در روزنامه‌ی آگاهی نوشت: «روزی که ترامپ اظهارنظر احمقانه‌ای نکند؛ در آن زور تیل مفت‌ومجانی است».
پس دراین بازار احمقانه تجاری که هیچ‌کس دیگر مثل آن را ندیده، خوش آمدید!
بهترین جمله‌ای که دونالد ترامپ در زندگی‌اش تا به‌حال گفته این است که: مهاجرت‌های غیرقانونی مسبب جنایت، خشونت و موادمخدر می‌شود. آری، این مردک دلقک، حالت دیوانگی خود و اجدادش را برای شما به تصویر می‌کشد.
بومیان سرخ‌پوست، باشندگان اصلی آمریکا بودند و هزاران سال در امن و امان خداوند در آمریکا زندگی می‌کردند، زمین‌های خود را کشاورزی کرده و مشغول دامداری بودند، شعر می‌سرودند، شب‌ها دور و اطراف آتش آوازخوانی می‌کردند و از همه مهمتر اینکه به هیچ‌کس کاری نداشته‌اند.

بعد از آن اروپایی‌ها تصمیم گرفتند که کشور سرخ‌پوستان بومی را تبدیل به زباله‌دان تاریخ بشری قرار بدهند، تا جایی که دست به تبعید جنایتکاران، قاتلان، دزدان، متجاوزین و همجنسگرایان زدند و آنها را به آن دیار ترد و تبعید کردند. می‌کوشم سخن مادربزرگم (رحمها الله) را با این دیدگاه تطبیق بدهم که می‌گفت: «دری که باد از آن به سوی تو می‌وزد، را ببند تا راحت شوی»؛ اما اروپایی‌ها که عقل و خردشان کمتر از مادربزرگ من بود، به یک امر کوچک و یا هم بزرگ توجه نکردند: اینکه آنها فکر نکردند که مجرمان و جنایتکاران وقتی به آنجا می‌رسند چه جنایاتی راه‌اندازی می‌کنند؟ قومی که هرگز به مردمش رحم نکرده بود، چه بلایی به بار می‌آورد؟

این جنایتکاران و جنایت‌پیشگان، فرزندان و نسل بعدی‌شان که بعدا رسماً توسط اروپایی‌ها پذیرفته شدند، کل جمعیت بومی آمریکا را نابود کردند و این جنگ و جنایت طولانی مدت خود را جنگ استقلال نامیدند.

تا هنوز کسی نمی‌داند که این جنایت‌کاران از چه کسانی استقلال خود را گرفته‌اند.

این‌ها مواردی است که در تاریخ آمریکا ثبت و ضبط شده که یک مشت انسان‌های قاتل، مردمان زیادی را قتل‌عام کردند، سرزمینشان را سرقت کردند و برای خود یک کشور مستقل تأسیس کردند. ترامپ هم از نسل آنهاست و مسیر آنها را دنبال می‌کند.

بیایید با هم جمله معروف قبلی ترامپ را با هم بخوانیم و بخندیم: تزریق کلر و دتول به بیماران، چهره فائوچی، رئیس سابق انستیتو ملی آلرژی و بیماری‌های عفونی را با شنیدن این سخنان هنوز به یاد دارم و نمی‌دانم چه‌چیزی مانع از کشیدن موهایش شد، اما به خدا خودش را نگه‌داشت تا این کار را نکند.

آمریکایی‌ها، سیاستمداران و نظامیانشان، نه به عملی بودن طرح‌های ترامپ فکر می‌کنند و نه به میزان قابلیت اجرا شدن آن‌ها، برای آنها تنها داشتن یک برنامه مهم است و بس.

آمریکایی‌ها مرا به یاد فردی می‌اندازند که برای کار حسابداری درخواست داده و یکی از ملزومات آن توانایی محاسبه سریع اعداد است نه چیزی دیگر.

در مصاحبه‌ای از ترامپ می‌پرسند: آیا شما در محاسبه دادن سریع، مهارت دارید؟

گفت: البته که دارم!

به ترامپ یک عدد بزرگ دادند تا آن را در یک عدد بزرگِ دیگر ضرب نماید،

در یک ثانیه جواب داد.

به او گفتند: پاسخت اشتباه است.

او گفت: باشه، اما نظر شما در مورد سرعت چیست؟

در جنگ جهانی دوم، ناوگان زیردریایی هیتلر، ناوگان هم‌پیمانان خود را در اقیانوس اطلس نابود کرد، در این جنگ هزاران کشتی غرق شد و هم‌پیمانان با یک معضل واقعی و بزرگی مواجه شدند. در همین موقع، مردی به پنتاگون رسید و خواستار ملاقات با فرمانده‌ی ناوگان شد. او گفت که ایده‌ای بزرگ برای نابودی کل ناوگان زیردریایی هیتلر دارد.

این شخص را به دفتر دریاسالار مورد نظر بردند که بدون هیچ مقدمه‌ای گفت: تنها کاری که باید انجام دهید، این است که: تمام اقیانوس اطلس را بجوشانید و طبق قوانین فیزیک تمام زیردریایی‌ها بلافاصله به سطح آب شناور می‌شوند. هنگامی که در معرض چنین خطری جدی قرار گیرند، به راحتی از بین می‌بروند، مانند مرغابی‌هایی که در یک میدان تیراندازی قرار می‌گیرند، قتلشان خیلی ساده و آسان است.

دریاسالار به او گفت: فکری خوبی است؛ اما چگونه می‌توانیم تمام اقیانوس اطلس را بجوشانیم؟

او گفت: این مشکل شماست، نه من. من همین الان پیشنهادی خوبی را برای شما اظهار کردم.

ایده دونالدترامپ برای جابجایی مردم غزه بسیار شبیه به این ایدهٔ خنده‌آوره، جوشاندن بحر اقیانوس اطلس است، تا زیردریایی‌ها مانند مرغابی محلی شناور شده و شکار شوند.

مهم نیست ایده چقدر واقع‌بینانه یا قابل اجرا باشد، مهم این است که چقدر منصفانه است. نکتهٔ جالب اینجاست که دلقک نارنجی هم از خودش ایده دارد. ترامپ همه‌چیز را بر اساس اصل «کسب‌وکار» قاطی می‌کند، یعنی با

مسائل سیاسی همانند سایر مسایل برخورد می‌کند. ترامپ همه‌چیز را با عینک سرمایه‌گذاری و سود می‌بیند. نمونه‌ای از مقایسه‌های نابجای ترامپ: او دیروز اعلام کرد که وزارت آموزش و پرورش آمریکا را می‌بندد. وی این تصمیم بزرگ را اینگونه توجیه کرد که بودجه آن خیلی هنگفت و سرسام‌آور است، درحالی که آمریکا رتبه چهلم را در کیفیت آموزش و سرمایه، در جهان را دارد.

اصطلاحی به نام اصلاحات وجود دارد؛ ترامپ بیچاره از این اصطلاح هیچ‌آگاهی ندارد و هرگز اسمش را نشنیده است.

اگر تعداد مرگ‌ومیرها در بیمارستان‌ها افزایش یابد؛ تلاش می‌کنیم تا علت‌ها را بررسی کنیم و آنها را درمان نماییم، هیچ عاقلی نمی‌گوید راه حل تعطیلی بیمارستان‌هاست. جلوگیری از افزایش سوانح هواپیما با چیزی غیر از بستن فرودگاه‌ها قابل جبران است.

شکست‌های زیاد در یک مرحله خاصی از تحصیل، نیاز به مربیانی دارد که آن را درک کنند، برنامه‌های درمانی تهیه کنند، اما اولین چیزی که به ذهن ترامپ می‌رسد، این است که درب مدارس را ببندد. ایده و تفکر ترامپ بر این اصل استوار است که: مادر و جنین را قربانی می‌کنیم، بعد از آن موفقیت عمل خود را جشن می‌گیریم.

حضرت عمر بن الخطاب رضی‌الله‌عنه در سیاست مسلط بود و از والیان خود می‌خواست تجارت و حکومت را با هم خلط نکنند.

او اولین کسی در تاریخ بود که متوجه خطرات اختلاط سیاست با تجارت شد. در حالی که ترامپ برای تجارت وارد سیاست شده است و همه‌چیز را قاطی کرده است.

آری، غزه موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد و آب و هوای معتدلی دارد. مشکلی دیگر نیست، اما یک مشکل کوچک وجود دارد، و آن این است که غزه دو میلیون ساکن دارد، امر ساده است که آنها را بکوچانید، اگر بکوچانید، به کجا؟ این هم ساده است، چون سرزمین خدا پهناور است.

ترامپ که اجدادش وطن را دزدیده‌اند، آنها معنا و ارزش وطن را نمی‌دانند. او نمی‌داند که وطن فقط یک تکه زمین نیست و خانه فقط دیوار نیست، تاریخ و خاطره و احساس و تعلق است.

هر سرزمینی جانشین یک وطن دیگر نیست، نه به خاطر کمبود آن سرزمین، بلکه به خاطر فراوانی وطن؛ اما درحال حاضر در کاخ سفید یک دلقک‌باز مالک سرزمین آمریکا گشته، پس خدا به این سرزمین که تبدیل به یک دلقک‌خانه شده است، رحم کند!





بخش دوم

شناسائی عوامل موثر بر بهبودی وضعیت سیستم حمل ونقل عمومی شهر کابل

پوهنمل جمشید اصلان

عوامل انسانی

امروزه از انسان به عنوان مهمترین عامل در بروز حوادث ترافیکی نام می‌برند. مطالعات انجام شده در این زمینه، حکایت از سهم ۹۰ درصدی عوامل رفتاری رانندگان در بروز حوادث حکایت می‌کند. طبق نتایج مطالعات انجام شده ، اگر مرم در شرایط زیر رانندگی نکنند میزان تصادفات جدی تا ۱۹ درصد کاهش می‌یابد:

- ☑ وقتی رانندگان احساس خواب‌آلودگی می‌کنند؛
- ☑ راننده بدون تعلیم وتربیه رانندگی؛
- ☑ در صورت استفاده از مشروبات و دخانیات؛
- ☑ وقتی در ۲٤ ساعت گذشته، کمتر از ٥ ساعت خوابیده‌اند؛
- ☑ ساعات ۲ تا ٥ صبح؛

با توجه به نقش بسیار مهم انسان در تصادفات رانندگی، بیشتر تحقیقات و برنامه‌ریزی‌های امروزه در ارتباط با انسان می‌باشد امروزه در اکثر مطالعاتی که در این زمینه صورت می‌گیرد از انسان به‌عنوان مهمترین عامل در بروز اینگونه حوادث نام می‌برند. بسیاری از مشکلات مربوط به حمل‌ونقل و ترافیک در کشور ما ناشی از رفتار استفاده‌کنندگان است که علت اصلی آن عدم آگاهی لازم، نداشتن آموزش کافی و بی‌توجهی به وجدان اجتماعی نسبت به حقوق سایر استفاده‌کنندگان است. امروزه اثبات شده که اعمال نا‌ایمن انسان، عامل اصلی تصادف می‌باشد.

یکی از دلایل اصلی در بروز خستگی رانندگان عدم رعایت سقف زمانی مجاز رانندگی است زیرا با افزایش زمان رانندگی بدون شک زمان عکس‌العمل فرد در قبال حوادث احتمالی افزایش و هوشیاری و قدرت پردازش وی کاهش می‌یابد. نکته مهم در اینجا پیامدهای ناشی از خستگی رانندگان یعنی خواب آلودگی است که این پیامد همواره مانند کابوسی بر روح و جان مسافران سایه انداخته است. برای نمونه می‌توان به تصادف بین یک بس و تریلر در جاده هرات کابل اشاره کرد که خواب‌آلود بودن ونشه‌گی راننده بس جان ۳۲ انسان (مسافر بس) را گرفت. البته گفتنی است که این موضوع فقط مختص به افغانستان نیست و در سراسر جهان این معضل وجود دارد. طبق آخرین تحقیقات انجام شده توسط مرکز تحقیقات خواب، خستگی راننده عامل اصلی ۲٥ درصد تصادفات و بطور خاص ٦۰ درصد تصادفات جاده‌ای منجر به مرگ و یا آسیب‌های جدی می‌باشد. (سلمانی و همکاران، ۱۳۸۸).

انسان به عنوان استفاده‌کننده از راه و هدایت‌گر و کنترل‌کننده وسیله نقلیه بیشترین سهم را در وقوع یک

تصادف، به خود اختصاص داده است. درواقع اصلی‌ترین رکن ایمنی ترافیک، راننده است که می‌تواند با نحوه عمل صحیح و منطقی شرایط متغیر ترافیک را شناسایی و درك نماید و به میزان قابل توجهی از بروز سوانح جلوگیري نماید. عامل انسانی مجموع عوامل انسان به تنهایی، انسان و وسیله نقلیه، و انسان و راه می‌باشد و براي بررسی و ریشه‌یابی آنها باید انواع خطاهاي انسانی و عوامل وسایل نقلیه و جاده‌اي که سبب بروز خطاي انسانی می‌شوند، شناسایی شوند.

خلاصه

در این مقاله فرایند ارزیابی به منظور انتخاب برنامه حمل‌ونقلی، روش های متعددی ارائه شدند و زمانی که در موقعیت مناسبی به کارگرفته شوند؛ می‌توانند به تصمیم‌گیرندگان در انتخاب برنامه مناسب کمک کنند. مهم‌ترین ویژگی روش‌های ارزیابی، توانایی آن‌ها در توصیف صحیح خروجی‌های گزینه‌های تعیین شده می‌باشد. فرایند ارزیابی با بیان اهداف برنامه پیشنهادی آغاز می‌شود و سپس این اهداف به سنجش‌های کارایی تبدیل می‌گردند. روش‌های ارزیابی با توجه به سنجش‌های کارایی در نظر گرفته شده، با هم فرق می‌کنند. روش‌های ارزیابی اقتصادی نیاز دارد که هر یک از سنجش‌های کارایی به واحد پولی تبدیل شود. روش‌های رتبه‌بندی عددی نیاز دارد که هر یک از سنجش‌های کارایی به امتیاز معادل برگردانده شوند (صابریان وهمکاران، ۱۳۸۸). هر دو روش، عدد واحدی را معرفی می‌نمایند که ارزش کلی برنامه را نشان می‌دهد. روش‌های بهره‌وری تنها به این نیاز دارد که هر یک از سنجش‌های کارایی در قالب ماتریس قرار داده شوند و این کار وظیفهٔ تحلیلگر است که روابط بین اثرات مختلف و هزینه‌های درگیر را به دست آورد.

پیشنهاد تحقیق

پیشنهادات در خصوص تقویت هر چه بیشتری بهبودی حمل‌ونقل (موضوع محوری تحقیق پیش رو) با توجه به تحقیق که صورت گرفته، عوامل مهم دیگری که در بهبودی حمل‌ونقل کابل تاثیر زیاد دارد، جهت افزایش آن پشنهادهای ذیل مطرح می‌شود:

۱. ایجاد دوره‌های آموزشی برای مدیران در مورد آشنایی با بهبودی حمل‌ونقل عمومی؛
۲. آموزش به مدیران و کارکنان در چگونگی برقراری ارتباط موثر متقابل؛
۳. فراهم سازی بسترهای فرهنگ جمع‌گرایی در سازمان‌ها؛
٤. حرکت از ساختار سنتی به سمت ساختار های ارگانیگ (تصمیم‌گیری بیشتر در بخش‌های حمل‌ونقلی در چارچوب اهداف حمل‌ونقلی اداره ترافیک. به جای شرایط فعلی که اکثر تصمیم‌ها در حلقه‌های غیر مسلکی گرفته می‌شود؛
۵. اهمیت خواست‌ها و پیشنهادات مردم در رابطه به اصلاح سیستم؛
٦. احترام و تکریم به نظرات افراد هر چند مخالف نظرات مدیریت سیستم باشد؛
۷. تاکید بر برنامه‌ریزی از پایین به بالا و سیستم بازخورد از پایین به بالا؛
۸. تلاش در جهت عدم بروز ابهامات و سوءتفاهمات سازمانی؛
۹. نظرخواهی از گروه‌های زیر دست در انجام برخی امور؛
۱۰. بکارگیری افراد توانمند در نظام مشارکت ترافیک وگزینش مناسب پیشنهادات؛
۱۱. تشویق کارکنان به ابراز عقاید و پیشنهادات؛
۱۲. تشویق به کارمندان به صحبت در مورد ایده‌های جدید یا تغییر رویه‌ها؛
۱۳. در گزینش و استخدام کارمندان، باید مدیران ترافیک می‌بایست از طریق آزمون‌های استخدامی هم‌چون آزمون تخصص، آزمون‌های رغبت و تمایلات شغلی و... استفاده نمایند وسعی نمایند افرادی که دارای روحیه جمع‌گرایی، برون‌گرا و دارای روابط عمومی بالا هستند را به استخدام اداره ترافیک درآورند؛
١٤. رفتار منصفانه: مدیران اداره ترافیک نباید میان کارمندان فرق قایل شود هر انسان ممکن است تحت تاثیر افراد و محیط قرار بگیرد، سعی نمایند در قبال اعضای گروه رفتار و واکنش منصفانه داشته باشد.

پایان

راه علاج اختلافات و کاهش تنش‌ها در فهم دین

د. فقیهی هروی

در یک نوشته در صفحات مجازی نوشته شده بود که: «فهم ما از متون دینی به پیش‌فرض‌هایی استوار است که به گونهٔ طبیعی از محیط فرهنگی ما تأثیر پذیرفته است؛ به‌خصوص زمانی که نظام آموزشی ما بیمار و مفلوک باشد و ما سواد تخصصی در دین نداشته باشیم». محتوای این نوشته، واقعیت زمان ماست و چنین چیزی هم در کشور ما و هم در سایر مناطق جهان، به وفرت قابل مشاهده است.

این را نیز باید اضافه کرد که گاهی سوادها و مطالعات تخصصی نیز وقتی به شبهات فلسفی و شکوک ابهام‌آور، آمیخته می‌شود، هزار بار خطرناک‌تر و مهلک‌تر از وضعی است که در مطالعات افرادِ بدون تخصص وجود دارد. گروه‌های منحرف کلامی-فسلفی از همین به اصطلاح دانش متخصصانه، ولی همراه با انحراف و خلط با فلسفهٔ یونان به وجود آمده‌اند.

از سوی دیگر، محیط‌های علمی و اکادمیک سایر کشورها بر قشر دانش‌آموختهٔ کشور ما که در آنجا به تحصیل پرداختند، سخت اثر کرده و این عزیزان از شخصیت‌ها و آثار آن مراکز علمی، اثرپذیری‌های مثبت و منفی داشته‌اند. این اثرپذیری‌های مثبت و منفی، گاهی محیط اکادمیک میان اهل مطالعهٔ کشور ما و نیز در مواردی فضاهای مجازی را شدیدا ملتهب و پر تلاطم ساخته است؛ طوری که زیان‌های کلانی را متوجه امت اسلامی ساخته است.

به هر صورت با این وضع پیش آمده، سؤال این است که آیا ممکن است، از پیش‌فرض‌های نادرست ذهنی و از اثرپذیری‌های منفیی که در جامعهٔ علمی ما پدید آمده، جلوگیری کنیم، یا کم از کم، آن را کاهش دهیم؟ و راه تقریب و وحدت را ترسیم کنیم؟

جواب این سؤال، مثبت است؛ اما بسی دشوار!

مثبت بدین معنا، که ما همه بر این اتفاق داریم که

اسلام عزیز برای هر امری پاسخگو است. حال برای ابتدایی‌ترین امر، که نحوهٔ اندیشه و تفکر پیروان خود است، چرا پاسخگو نباشد؟

دشوار بدین معناست، که قرار تجربهٔ ما، طیف‌های گوناگون امت اسلامی، با تفاوت اندیشه‌شان، بسیار کم است که انصاف را پیشه کنند و از تعصب دوری گزینند!

حقیقت این است، که ما هرگاه بخواهیم به وحدت امت اسلامی برسیم و از تنش‌ها و اختلاف نزاع برهیم، همه باید برای اثبات افکار و باورهای مان به کتاب الله و سنت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم، متمسک شویم. شاید و حتما گفته می‌شود، که چون هرکس و هر طیفی، برداشت‌های متفاوت با دیگران از نصوص این دو مرجع متفق‌علیه دارد. پس چه گونه می‌شود، وحدت امت اسلامی را رقم زد، یا تنش‌ها و اختلافات را کاهش داد؟

پاسخ این است، که برای کم ساختن اختلاف نزاع، راه درست و حسابی وجود دارد، و آن رجوع به منهج و روش اول این امت، یعنی اهل خیر القرون است که در زمانشان، اختلاف و نزاع فکری و اعتقادی چندانی وجود نداشت. یا اگر وجود داشت، بسیار اندک و غیر قابل اعتنا بود.

بهترین راه و روش، بلکه یگانه شیوه و منهج، برای رفع و دفع برداشت‌های متفاوت، برای تصحیح پیش‌فرض‌های ذهنی و اختلافات فکری‌مان، و برای تقریب عقاید و باورهایمان، این است که به کتاب الله و سنت رسول الله، مطابق فهم خیر القرون و سلف صالح (یعنی صحابه، تابعین، اتباع تابعین که امامان اربعه از آن جمله‌اند) مراجعه نماییم. چه دلایل صریح و نیرومندی از کتاب و سنت و بداهت عقلانی، وجود دارد که ثابت می‌سازد، فهم اهل خیر القرون در باورهای اعتقادی و فکری، بهتر و درست‌تر از فهم متأخران دیروزی و معاصران امروزی بوده است.

ارایه دلایل درست‌بودن فهم اهل خیر القرون نسبت به فهم ما و دیگران، در باب باورهای عقیدتی و فکری، نیاز به وقت کافی و بحث درازدامن دارد، فقط به یکی دو مورد، کوتاه اشاره می‌شود.

قرآن کریم، در مقام خطاب به رسول الله و صحابه‌شان و در مورد ایمان صحابه و نحوهٔ فکر و باور آنان، فرموده است:

«فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوْا...= اگر [مردم] به مثل ایمان شما، ایمان آورند، بدون شک هدایت شدند...» [البقرة: ۱۳۷].

این آیه دلالت دارد، که کافی است، همانند صحابه رضی‌الله‌عنهم، ایمان داشته باشیم و عقاید و باورهای ما اگر مثل ایشان باشد، واقعًا که هدایت شده‌ایم.

رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وسلم، در آخرین روزهای حیاتشان، به یارانشان که رسانندهٔ پیام ایشان به دیگران شمرده می‌شدند، در ضمن حدیث طولانی و موعظهٔ بلیغی، فرمودند:

«...وَمَنْ يَعِشْ مِنْكُمْ، فَسَيَرَى اخْتِلَافًا كَثِيرًا، فَعَلَيْكُمْ بِمَا عَرَفْتُمْ مِنْ سُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ...= هر که از شما زنده باشد، به زودی اختلاف نظر بسیاری را خواهد دید، پس بر شما لازم است آنچه از سنت من و سنت خلفای راشدین و هدایت‌یافته‌ام را شناختید، به خود لازم بگیرید». این حدیث را امام احمد، [مسند احمد: ۲۸/ ۳۶۷]، امام ابوداود [سنن ابی داود: ٤/ ۲۰۱]، اما ابن ماجه [سنن ابن ماجه: ۱/ ۱۵] و دیگران با سند صحیحی روایت کرده‌اند.

باز در روایت صحیح دیگری آمده است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: «...خَيْرُ أُمَّتِي قَرْنِي، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ...= بهترین امت من، اهل قرن من‌اند[صحابه]، بعد کسانی که به عقب‌شان آیند[تابعین] بعد کسانی که به عقب‌شان آیند [اتباع تابعین]». این حدیث متفق علیه است که آن را امام بخاری [صحیح البخاری: ٥/ ۲] و امام مسلم [صحیح مسلم: ٤/ ۱۹٦۲] و دیگر محدثان روایت کرده‌اند.

این احادیث و روایات دیگری همانند این‌ها، ثابت

می‌سازند که اهل قرون سه‌گانه، یعنی صحابه و تابعین و اتباع تابعین، بهترین امت بودند. حال هیچ کس نگفته و چنین ادعایی وجود ندارد که اینان به اعتبار پیشرفت‌های مادی بهترین باشند، یا به دلیل زراعت و صناعت بهتر باشند، یا به دلیل سبقت در تاریخ برتری داشته باشند، بلکه به دلیل آن بهتر دانسته شدند که به عهد نبوت نزدیک بودند، لذا در ایمان و یقین، و در اخلاص و تقوا، و در فهم دین و معانی نصوص کتاب و سنت، نسبت به دیگران، بهتر و برتر شمرده شدند.

بداهت عقل ما نیز دلالت دارد بر اینکه، آنچه باعث هدایت یاران گرامی پیامبر اسلام شد، و آنان را از هر گمراهی نجات داد، برای ما نیز کافی است. میراث بجامانده از صحابه و تابعین، ثابت می‌سازد که آنان در اثبات باورهای عقیدتی و فکری خود، هرگز نه به خرد فسلفی تمسک جستند، نه به منطق ارسطویی؛ نه جوهر و عرض را بنیاد استدلالشان ساختند، نه موضوع و محمول را در اثبات حقایق، دستاویز خود نمودند؛ نه به دامان فلسفهٔ مشّاء پناه آوردند و نه وابستهٔ فلسفهٔ اشراق شدند. بلکه همه‌شان، با فهم و فراست فوق العاده‌ای که به اثر فیض قرب عهد به دوران نبوت، به کتاب الله و سنت رسول الله داشتند، راه هدایت را پیمودند و بهترین منهج و طریقه را برای ما نیز به میراث گذاشتند.

با آنچه گفته آمدیم، می‌دانیم که برای ما امروزیان، کافی است، فهم ما در برداشت از دین و از نصوص دینی، پیرو فهم بزرگان دانش و اجتهاد در خیر القرون (یعنی صحابه و تابعین و اتباع‌شان) باشد که ائمهٔ اربعه را نیز شامل می‌باشد؛ این امر دو نتیجهٔ ارزشمند و نجات بخش را برای امت اسلامی به ارمغان می‌آورد: یکی اینکه میان طیف‌های امت اسلامی، تقریب و وحدت را به وجود می‌آورد و امت اسلامی را از تشتت و پراکندگی نجات می‌بخشد. دو دیگر اینکه ما را از دیدگاه‌های شاذّ و آلوده به شبهات رهایی می‌بخشد و به راهی روان می‌سازد که سعادت دنیا و آخرت را برای ما رقم خواهد زد.

بنابراین، یگانه راه رفع و دفع پراکندگی در فهم دین و برداشت از نصوص دینی، تمسک به منهج و راه روش اهل خیر القرون است؛ تمسک به منهج صحابه، تابعین و اتباع تابعین، که ائمهٔ اربعه رضی‌الله‌عنهم‌اجمعین، نیز از این دو طبقهٔ اخیر الذکر بوده‌اند. اما بعد از این سه طبقه که ائمهٔ اربعه را نیز شامل است، همچنان که خرد فلسفی، رهگشاه و فیصل نیست، دیدگاه سایر آحاد علمای امت اسلامی در درازانای زمان- هرچند که بسیار محترم است- اما الزام‌آور نیست. یعنی قول دیگر اهل دانش و تحقیق، باید به کتاب و سنت مطابق فهم سلف امت، عرضه شود. در صورت موافقت قابل عمل است و در غیر آن، الزامی برای ما ندارد.

چنین منهج و روشی در فهم معانی نصوص کتاب و سنت، طیف‌های گوناگون امت اسلامی را می‌تواند به هم نزدیک سازد و برای حل اختلافات و تنش‌ها در میانشان، فیصل باشد.



مجاهد، امید امت

عبدالمالک عزیزی

واژۀ مجاهد کلمۀ ساده‌ای است که همه به زبان می‌آورند و به سادگی از کنار آن می‌گذرند اما اگر این واژه را کالبد شکافی بکنیم در لابلای آن مردانی به پهنای جهان را می‌بینیم و مردانی از تبار دین، اخلاص، ایثار، رشادت و جان‌نثاری را در می‌یابیم که تحت نام مجاهد آرامیده‌اند.
واژۀ مجاهد را مردانی از تبار عمرها و خالدها و صلاح‌الدین و هزاران شهسوار دیگر تاریخ اسلام، به دوش می‌کشند که جان شیرین را که عزیزترین دارایی هر انسان است در طبق اخلاص نهاده و دو دستی با ذوق‌وشوق غیرقابل وصفی به درگاه ربِّ جان‌ها تقدیم می‌کنند.
مجاهد کسی است که بدون هیچ ترس و واهمه‌ای، در میدان نبرد و راندن دیوها از ممالک اسلامی، خرامان خرامان به استقبال شهادت می‌رود.
مجاهد کسی است که محبت زن و فرزند و حب جاه و مال نتوانستند جلودار او گردند و او با قوای ایمانی خویش زنجیرهای مادیت و غلامی را یکی بعد از دیگری می‌شکند و با تنی خسته و رنجور، ولی آزادانه زندگی می‌کند.
در دنیایی که همه به سلاح‌های مدرن خود می‌نازند و هر روز انواع پیشرفته‌تری را به رخ جهانیان می‌نمایانند مسلمانان موحد، به مجاهدین سپه‌سالاری می‌نازند که با سلاحی ضعیف اما ایمانی قوی قدعلم می‌کنند.
در دورانی که خیلی از مسلمانان منتظر بودند که حکام مسلمان به یاری مسلمانان بشتابند و با ارتش‌های تا به دندان مسلح خویش از حریم پدران، مادران، خواهران، برادران و کودکان مسلمان در مقابل تجاوز بیگانگان دفاع بکنند، اما این حکام مرهمی بر دل‌ها نشده که برعکس نمکی بر زخم‌ها شدند و به خاطر حفظ چوکی‌های موروثی خویش، تن به هر کاری می‌دهند و دست بسته خادمان پروپاقرص باداران اسلام‌ستیز خود هستند ولی هنگامی که در صحنه‌های خبری و جلوی لنز دوربین‌ها قرار می‌گیرند برای مسلمانان اشک تمساح می‌ریزند.
در عین حالی که مسلمانان از حکام مستبد چوکی‌پرست به بن‌بست خورده و از آنان ناامید شدند مردان ساده‌زیست، خرقه‌پوش و ژولیده‌مو به صحنۀ عمل آمده و امیدها را در دل مسلمانان زنده کردند و با اهتزاز پرچم‌های ناب محمدی درخت امید را در دل مسلمانان بیدار، آبیاری کردند و از طرفی هم رعب و ترس را به جان دشمنان انداخته و به آنان فهمانده و می‌فهمانند که خون مسلمانان بها دارد و بهایش برای هتاکان سنگین خواهد بود و به دشمنان تفهیم می‌کنند که شعائر اسلامی مقام دارند و کسی که به شعائر اسلامی بی‌حرمتی بکند سزایش را خواهد دید.
در طول تاریخ قوی‌ترین سلاحی که مسلمانان در اختیار داشته و دارند، عزم و ارادۀ فولادین مجاهد است که فوران آن، از هزاران سلاح سبک و سنگین کارآیی‌های بیشتری دارد و در عین‌حال گمنام‌ترین افراد امت هم همین ابدال‌های امت هستند و در برهه‌ای که انسان‌ها برای شهرت دست به هر کاری می‌زنند این محسنان امت از شهرت گریزانند.



پر امارتي مشرانو د جائزو ختمول، که د بريالۍ ډيپلوماسۍ د پيل سريزه

خالق يار احمدزی

د امريکا د خزانې وزارت اعلان وکړ چې د اسلامي امارت پر دريو مشرانو هر يو خليفه صاحب سراج الدين حقاني، حافظ يحيا حقاني او حافظ عبدالعزيز حقاني يې هغه جائزې او انعامات لغوه اعلان کړي، چې کلونه وړاندې يې د دوی د نيولو او ترور په هدف وضعه کړي ؤ.

د عدالت لپاره د پاداش او عوض ورکولو په موخه د دغو جوائزو اعلان په ۱۹۸۴ کې د امريکا د خارجه وزارت لخوا شوی ؤ، چې لمخې به يې په نړيواله کچه امريکا ته مهم کسان د پيسو، امتيازاتو او ټاکل شويو سترو جائزو په مټ هدف ګرځول کيږي.

له دغه ليست وتل ځکه سخت مراحل لري چې د امريکا استخباراتي او امنيتي (cia او fbi) ارګانونه د بهرنيو چارو وزارت او د عدليې وزارت به ټول دا تائيدوي، چې په نښه شوی فرد نور د امريکا لپاره هدف نه دی.

ډيپلوماتيکې اړيکې، ملي منافع، سياسي موخې او نور دلايل هغه څه وي، چې متهم کسان پرې ليست ته داخل يا خارجيږي.

دبيلګې په توګه يو له هغو کسانو چې امريکا تازه له دغه ليست څخه و ايست؛ د سوريې نوی واکمن احمد الشرع وه چې د ۲۰۲۴م په اوايلو کې پرې اينبودل شوې ۱۰ ميليوني جائزه لغوه اعلان شوه.

هو! د افغانستان لپاره، دا يواځې يو اعلان نه ؤ، بلکې تر شا يې د يو منظمې ډيپلوماسۍ مقدماتي زرغون ځراغ هم ؤ، چې په ځرګنده يې دا وانمود کوله، چې افغانستان په سياسي دريځ کې هم د نوښتګرو ګامونو ورتيا لري او اسلامي امارت کولای شي له نړيوالو سره د يوه خپلواک هېواد له آدرسه سياسي او ډيپلوماتيکې اړيکې په عادي روال پيل کړي.

<span>داچې ولې تر څوکلن ځنډ وروسته دا اعلان وشو، پايلې به يې څه وي او لوري بايد کومو نقاطو ته ځير اوسي، دلته پرې يو څه شننه کوو.

امريکا له طالبانو سره د دوحې تر تړون وروسته او له افغانستانه د وتلو په تعقيب، افغانستان يو ډول اګنور کړ او د خير او شر د ور رسولو په تړاو يې اوږده چوپتيا غوره کړه، يواځې يې پر دې بسنه کوله، چې ځنګه خپل افغان نما بريخي خپلې غيږې ته ور وبولي، چې هم يې ښه پالنه کړې وي او هم يې د اوږدمهال لپاره په خپل فکر روزلي وي.

امريکا د همدې هدف لپاره په سلګونو ميليونه ډالر ولګول، چې څه برخه به يې په داخل کې د خپلو مخترعو مؤسساتو د پرسوب او کاريابي لپاره د بشري مرستو په نوم هم مصرفوله، ترڅو له يوې خوا افغانان د بې کارۍ په ګردابونو کې په خيالي خيراتونو اعتياد وساتي او له بل لوري خپل راټول شوی فنډ بيرته د خپلو مافيايي باندونو (مؤسسو) له لارې تر خپله صندوقه ورسوي، چې په عموم کې يې افغانانو او افغانستان ته د هيڅ درد دوا نه کوله.

خو امريکا دا ډيپلوماسي په انتخاباتو کې د رژيدلي

جوبایډن په مشرۍ د ډیموکرات ګوند تر پرځیدلو پورې اجراء کړه او نوي واکمن مشرتابه ته یې نور، تعمیل د زړه نا لیدلی بوج ښکاریده.
نو یې د زورورو د معمول په توګه لومړی د تېر واکمن لخوا د انخلاء پروسه تمسخر کړه او بیا یې د پاتې شویو امکاناتو د بیرته وصول تر څنګ، د بګرام افسانوي ډګر ته د ورګرځ اخطاریزې اشارې تکرار کړې؛ چې په شخوند روږدو بریخو یې په ولولو هرکلې ته لاسونه وپړکول او تېرمپ یې د ترسیم شوې خیالګرې نړۍ معبر واکمن یاد کړ.
امریکایي واکمن د حقیقت له زاویې څکه اګاه ؤ، چې له افغانانو سره یې د زور په ترازو کې ۲۰کاله حساب ورکړی ؤ او بریا ته د رسیدو په لار کې د ټولو رموزو له آزمویلو وروسته بیا هم ناکام را ختلی ؤ.
دلته بیا اسلامي امارت چې پالیسي یې له لویه سره روښانه وه او ټولو ته یې د عمل په ډګر کې څرګنده کړې وه، چې د متوازن سیاست په رڼا کې د نړۍ له هېوادونو سره مثبتې اړیکې غواړي؛ نو امریکایي لوري هم د دیپلوماسي پیڅه ټینګه کړه.
د لومړي ځل لپاره یې د شناخته خلیلزاد تر څنګ خپل یو جګپوړی وفد کابل ته د مذاکراتو لپاره راولیږه، چې افغان واکمنو د ښه نیت په توګه یو نیول شوی امریکایي بندي هم په لاس ورکړ؛ تر څو له یوې خوا دا ثابته شي چې افغانان له ټولو لوریو سره د هېوادنیو ګټو په رڼا کې مثبتې اړیکې غواړي او له بل لوري یې د ګاونډي هېواد هغه متملقانه پالیسي تمسخر کړې وي، چې له مخې یې د سپینې مانۍ د رضا لپاره بیګناه انساناند متاع قلیل لپاره، پر امریکا وپلورل.
د افغان حکومت د دې تعامل په نتیجه کې امریکا تیره ورځ د جائزو له لیسته د اسلامي امارت درې لوړپوړي مسؤلین و ایستل او پرې لګول شوې جوائز یې لغوه اعلان کړل.
دغه مسؤلین کوم عادي خلک نه ؤ، بلکې امریکا او متحدینو ته یې د سر په کاسه کې وینې ور غوړپ کړې وې؛ هغوی یې په خپلو تر ټولو خونډي ځالو کې هدف ګرځولي ؤ او په پوره متانت سره یې په افغانستان کې د هغوی د شرارتونو د پنځیدو مخه نیولې وه.
ولې امریکا دغه اقدام وکړ؟
امریکا که څه هم په تبعید کې شته افغان نما مهرې ۲۰ کاله ازمویلې وې، خو نور یې هم انتظار ورته وکړ او له هر اړخه یې وپړسول.
نړۍ چې له پوره درې کلن انتظار وروسته، ولیدل چې د افغانستان جغرافیه ۱۰۰سلنه د اسلامي امارت تر څرخ لاندې ده او د امارت مخالفو جبهاتو د نړیوالو له ټول سیاسي او استخباراتي ملاتړ سربیره بیا هم ونه شو کولای، چې د افغانستان فضاء متشنجه یا هم تر یوه حده د فعلي حکومت په څیر بدیل وړاندې کړي.
د فعلي نظام مخالفین که په هر نړیوال ستیج را څرګند شوي، نه یوازې داچې له داخله ټکیدلي، بلکې پردیو ګټو ته د قوي ژمنتیا او د یوه ملي دریځ د نشتون له امله یې راټولیدل د لا نور درځ پایله ګرځیدلې ده؛ نو امریکا ته یې هم نور پړسول بې ګټې چاره بریښي.
داچې نړۍ او په رأس کې یې امریکا په سیمه کې د افغانستان له فعلي نظام سره د اړیکو له پراختیا او دیپلوماتیک اعتبار ورکولو پرته بله هیڅ لار نه لري، نو کرار کرار هغه ګامونه اخلي چې لمخې یې د اړیکو د ګرمیدو برخه کې د نوي فصل پرانیسته وکړي.
دا په په سیمه کې د هغو شریرو عناصرو، هیوادونو او سازمانونو پر مخ درنه څپیړه وي، چې کلوونه یې مخامخ او د پردې تر شا هڅه وکړه، څو د فعلي نظام او نړۍ ترمنځ اړیکې سرې وساتي.
دا چې سیمې او نړۍ ته د یوه اقتصادي څلور لارې په توګه د افغانستان جغرافیه مهمه ده، همداسې دا هم ټولو ته جوته شوې چې یو بې پرې او خپلواک کابل کې هیڅ لوری تاوان نه ویني.
وروستۍ خبره:
یهود او په لویه کې کفري نړۍ د هر ګام تر اخیستلو وړاندې څو اړخیزې موخې لټوي او بیا عملي کار کوي، نو دلته بیا په کار ده چې د نړیوالو له هر ډول زرغونو څراغونو داسې سالمه استفاده وشي، چې هم یې په مټ پر سیاسي مسیر مزل آسان شوی وي، هم مو خپلواکي نه ي مجروح شوې، هم له ټولو لوریو سره په اړیکو کې تعادل ساتل شوی وي او هم په دغه یون کې سالم تر هدفه رسیدلي یو



تعادل بین کار و زندگی؛

رمز موفقیت پایدار

سیدصادق گیلانی

در دنیای پرسرعت امروز، بسیاری از ما میان کار و زندگی شخصی سرگردانیم. گاهی چنان غرق در مسئولیت‌های شغلی می‌شویم که فراموش می‌کنیم زندگی همین لحظه‌هایی‌ست که از دست می‌رود. اما راهی هست: تعادل. تعادل بین کار و زندگی، هنر زندگی‌کردن با معناست.

تعادل بین کار و زندگی به معنای توانایی مدیریت مؤثر زمان، انرژی و توجه بین مسئولیت‌های حرفه‌ای و نیازهای شخصی است؛ تعادلی که اگر برقرار نشود، فرسودگی شغلی، کاهش انگیزه، اختلال در روابط خانوادگی و افت سلامت روان را به دنبال خواهد داشت

چرا تعادل بین کار و زندگی اهمیت دارد؟

کاهش استرس و اضطراب

کار بیش از حد بدون استراحت کافی، منجر به استرس مزمن و مشکلات جسمی و روانی می‌شود.

کار بی‌وقفه مثل چاقویی‌ست که تیغه‌اش را نمی‌سابیم. نه تنها کارایی ما پایین می‌آید، بلکه ذهن‌مان هم خسته می‌شود.

تو خودت سرمایه‌ای ای مرد کار
گاه هم بنشین، مده جانت به مار!

افزایش بهره‌وری

افرادی که تعادل خوبی بین کار و زندگی دارند، در زمان کار تمرکز و انرژی بیشتری دارند.

تقویت روابط خانوادگی و اجتماعی

خانواده، دوستان، لحظه‌های ساده و صمیمی... چیزهایی هستند که آرامش واقعی را به زندگی می دهند.

خانه بی‌خنده چه دارد جز سکوت؟
دل اگر گیرد، نگیرد باقوت
گرچه کار است نانِ زندگی
لیک با مهر است جانِ زندگی

سلامت جسمی و روانی بهتر

ورزش، خواب کافی و تفریح، عناصر حیاتی برای یک زندگی سالم هستند که در سایه تعادل امکان‌پذیرند.

راهکارهای مؤثر برای ایجاد تعادل بین کار و زندگی

تعیین اولویت‌ها و هدف‌گذاری هوشمند

فهرستی از کارهای مهم و فوری تهیه کرده و بر اساس آن برنامه‌ریزی کنید. همیشه بین «مهم» و «فوری» تمایز قائل شوید.

هر روز را از قبل برنامه‌ریزی کن. حتی برای استراحت و تفریح هم جا باز بگذار.

مرزگذاری بین کار و زندگی شخصی

بعد از پایان ساعت کاری، گوشی کاری را کنار بگذار. از پاسخ دادن به ایمیل‌ها و تماس‌های کاری خودداری کنید. خانه باید محل آرامش باشد نه ادامه‌ی دفتر کار. ذهن را آزاد کن. و برای استراحت و تفریح نیز زمان مشخص در نظر بگیرید.

شب چو آمد، دفترت را باز مکن
دل به آیینه بده، راز مکن
کار تا حدّی، فراتر می‌شود
گر نبندی مرز، باور می‌شود

نه گفتن را بیاموزید

گاهی لازم است به درخواست‌ها و تعهدات اضافی «نه» بگویید تا از فرسودگی جلوگیری شود.
همه چیز را نمی‌شود پذیرفت. یاد بگیر از خودت هم مراقبت کنی.

وقت‌گذرانی هدفمند با خانواده و دوستان

حتی اگر سرتان شلوغ است، برنامه‌های کوتاه اما باکیفیت برای بودن با عزیزانتان ترتیب دهید.
زمان برای خودت و خانواده‌ات داشته باش:
چای عصرانه با خانواده، یک پیاده‌روی کوتاه، یک کتاب لذت‌بخش... همین‌ها زندگی‌اند.
فعالیت‌های تفریحی و ورزشی را در برنامه بگنجانید.
فعالیت‌هایی مانند پیاده‌روی، ورزش، کتاب‌خوانی یا یادگیری یک مهارت جدید، انرژی شما را تجدید می کنند.

درخواست کمک و تفویض وظایف

اگر حجم کار زیاد است، با همکاران تقسیم وظایف کنید یا از مدیر خود کمک بخواهید.

استفاده از مرخصی‌های استحقاقی

مرخصی برای استراحت یا سفر، نه تنها روحیه شما را تازه می‌کند، بلکه باعث بازگشت به کار با انرژی و انگیزه بیشتر می‌شود.

نتیجه‌گیری

تعادل بین کار و زندگی یک مهارت است، نه یک اتفاق. هر فرد باید متناسب با شرایط خود، تعادل شخصی‌اش را پیدا کند و با برنامه‌ریزی و خودآگاهی، زندگی شاداب‌تر، سالم‌تر و موفق‌تری بسازد

نه کار زیاد، نه خوابِ دراز
میانش بجو راه سبز و نیا
نه خسته ز رنج، نه غرقِ خوشی
بساز آنچه باشد به دل‌ها خوشی



مقصر واقعی کیست؟

آنها یا ما؟

نویسنده: صبغت‌الله وصیل
مترجم: مصطفی توکلی

مردم مظلوم، ستم‌دیده و آوارهٔ فلسطین در مسیر رهایی و استقلال آن مراحل سخت و دشواری را پشت سر گذرانیده و می‌گذرانند.

این همه مصیبت‌ها، آزمایش‌ها و بلاهایی که جنگ به همراه دارد؛ مقاومت، صبر و استقامت می‌خواهد تا در برابر خطرات و مشکلاتی که ما را تهدید می‌کند، فایق آمده و آنچه روح و روان را به سوی آرامش فرا می‌خواند، گام برداریم.
و این امر از ما می‌طلبد تا از خود صبر و شکیبایی نشان بدهیم.

علی‌الخصوص کسانی که پرچم مقاومت و مبارزه را به اهتزاز در می‌آورند، آنها بیشتر در معرض فشارها و سختی‌های پی‌درپی قرار دارند...

از شهادت رهبران گرفته تا خسارت‌های روحی و نظامی، خسارت‌های مالی و جسمی، حاشیه‌سازی و خیانت دور و نزدیکان، لشکرکشی‌ها و سرزنش‌ها، دعوت به تسلیم شدن و چشم‌پوشی در برابر آنها، تا نسبت به دین و عقیده خود با دید حقارت بنگرند و یا در مقابل آنها از خود نرمش نشان بدهند.

همانطور که خداوند می‌فرماید: قَالُوا أُوذِينَا مِن قَبْلِ أَن تَأْتِيَنَا وَمِن بَعْدِ مَا جِئْتَنَا؛ قوم حضرت موسی به وی گفتند: ما قبل از اینکه نزد ما بیایی و بعد از آن که هم آمدی، ما ضرر کردیم. [الأعراف: ١٢٩].
خداوند متعال در جای دیگر می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُزًّى لَّوْ كَانُوا عِندَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا

لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَٰلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مانند کسانی نباشید که کفر ورزیدند و در مورد برادرانشان هنگامی که به سفر رفته [و در سفرمردند] یا جهادگر بودند [و شهید شدند] گفتند: اگر نزد ما [مانده] بودند، نمی‌مردند و کشته نمی‌شدند [شما مؤمنان این چنین نگویید] تا خدا آن را حسرتی در دل‌های آنها (کافران) قرار دهد، و خداست که زنده می‌کند و می‌میراند، و خداست که به آنچه می‌کنید، بیناست [آل عمران: ١٥٦].

آنچه که در فلسطین «غزه» برای انجام عملیات پیش دستانه {طوفان الأقصی} علیه رژیم صهیونیستی راه‌اندازی شده و چه اتفاق افتاد و چه در حال رخ دادن است؛ یک حرکت موازن و مبارکی‌ست، پس بربریت، اشغالگری و زیر پا گذاشتن تمام حقوق انسانی و اخلاقی و آنچه مردم ما در آن در معرض خطر قرار گرفتند و می‌گیرند، از جمله قتل، آوارگی، گرسنگی، تشنگی و ویرانی... این همه بجای خودش، ولی از برخی انسان‌نماها، صداها بلند شده و این حرکت مبارک و تصمیم تاریخی را یک حرکت اشتباه خوانده‌اند.

ما اعتراف می‌کنیم که شما -اهل غزه- با شرایط و اوضاع سخت و دشواری مواجه هستید؛ اما صبر و استقامت، مقاومت و سخت کوشی، ولو اندک که هم باشد، کارهای غیرممکن را -باذن الله- ممکن می‌سازد و سنگینی ترازو، روزی به نفع شما خواهد چرخید.

خوب به یاد دارم: در ابتدای مقاومت و جهاد علیه اشغالگران آمریکایی، مردمِ ما بر مجاهدین انتقاد و اعتراض می‌کردند و به مجاهدین می‌گفتند که شما اقدام و حرکتی گویا علیه کوهی کرده‌اید و می‌خواهید کوه را هُل بدهید و کاری می‌کنید که جز ضرر و زیان چیزی عاید شما نمی‌گردد.

والدین فرزندان خود را به خاطر رفتن به جبهه‌های جهاد سرزنش می‌کردند، خواهران و برادران یک دیگر را مقصر می‌دانستد و... این عملکرد تنها در مورد عوام‌الناس صدق نمی‌کند، بلکه این عملکرد در مورد علما و داعیان دین و وابستگانِ به علم و عرفان نیز صدق می‌یابد.

خوب به یاد دارم، چند سال بعد از اشغال افغانستان توسط آمریکایی‌ها، در سخنرانی یکی از مشایخی که معروف به علم و فضیلت بود، حضور داشتم. در پایان محفل یکی از حاضرین سؤالی طرح کرد و از شیخ در مورد حکم مبارزه و مقاتله با آمریکایی‌ها و حکومت دست‌نشانده‌ی فاسد کرزی پرسید که، جهاد چه حکمی دارد و دستور شما چیست؟
شیخ جواب داد: «شما فکر می‌کنید بااین درگیری‌ها و با این سلاح‌های ساده، با قدرتی همچون آمریکا مقابله می‌کنید؟ اصلاً این کار ممکن نیست، بروید و با آمریکایی‌ها صلح کنید و به دولت کرزی بپیوندید.»
اما مجاهدین قهرمان ما به این سروصداها اعتنایی نورزیدند و از ملامت هیچ ملامت‌کننده‌ای نهراسیدند و ناامید نشدند، بلکه به جهاد خود ادامه دادند و به مبارزه علیه اشغالگران آمریکایی و متحدانشان جنگنیدند.

در واقع، مجاهدین ما هم دلشان به گلوه‌گاهشان رسیده بود و زمانی که جنایات اشغالگران آمریکایی با رهبری جنگی (ترامپ) به اوج خود رسیده بود، هر روز اخبار و گزارش‌ها درباره حملات، بمباران و کشتار مردم می‌شنیدیم، تعداد شهدا و مجروحان روزانه از مرز ده‌ها نفر، فراتر می‌رفت.





تحلیلی بر موانع ازدواج جوانان در افغانستان

پوهنیار محمدجواد فروتن

ازدواج به عنوان یکی از مهم‌ترین مراحل زندگی فردی و اجتماعی و پاسخگوی نیازهای فطری و طبیعی و تنها راه تشکیل خانواده سالم و منسجم است. خانواده‌ای که در پرتو آن سلامت جسمی، روانی، عفاف و پاک‌دامنی تحقق می‌یابد. اما متأسفانه در شرایط کنونی اکثریت جوانان کشور از تشکیل خانواده محروم‌اند. زیرا مسئله ازدواج در افغانستان با چالش‌ها و موانع متعددی روبرو است که در این نوشته به تحلیل برخی از مهم‌ترین مشکلات و موانع سد راه ازدواج جوانان اشاره می‌نماییم.

عمده‌ترین چالش و عواملی که در شرایط کنونی مانع و مشکلات را سر راه ازدواج جوانان کشور قرار داده است؛ بالابودن مهریه، هزینه‌های سرسام‌آور نامزدی، عروسی و جهیزیه گران‌قیمت می‌باشد، این عوامل باعث روی‌گردان شدن اکثریت جوانان از ازدواج گردیده که این خود زمینه را برای بسیاری از مفاسد اجتماعی و اخلاقی فراهم می‌نماید. متأسفانه بالا بودن میزان مهریه یکی از موانع سد راه ازدواج جوانان در کشور ما می‌باشد، بسیاری از والدین ارقام سرسام‌آور و خیالی را برای مهریه دختران خود طلب می‌کنند و سبب ایجاد مشکلات زیادی برای جوان و خانواده او می‌شوند که پیامدهای سوء آن بر خانواده‌های دارای فرزندان دم‌بخت هستند که این امر هر سال به‌میزان مشکلات ازدواج جوانان افزود می‌شود. به همین خاطر اسلام مردم را فرا می‌خواند که از درخواست مهریهٔ زیاد خودداری نمایند و موضوع مهم و حساس ازدواج را به بازار تجارت تبدیل ننمایند و عملاً دختران خود را به مزایده نگذارند.

موضوع ازدواج همچنان که گفته شد، نباید به عنوان تجارتی سودآور نگاه شود، بلکه پیمانی است میان دو

انسان برای یک عمر زیستن و به همین خاطر مبنای آن باید بر اصول و ارزش‌های؛ آسان‌گیری، دلسوزی و همکاری قرار داده شود و بهتر آن است که پدر و مادر دختر به زندگی آینده او و شوهرش توجه نمایند و کاری نکنند که در همان سال‌های اول زندگی مشترک سایه سیاه و شوم قرضداری، و ناداری بر سر آنان کشیده شود. اگر داماد او به کسی مدیون نباشد، می‌تواند زندگی پر از صفا و صمیمیت را برای دخترش فراهم نماید و در غیر این صورت زندگی آنان پر از مشکلات، غم و غصه و حتی ممکن است کارشان به محکمه و زندان کشانیده شود، یا برای برخاستن از زیر بار قرضداری به ارتکاب جرم دست بزنند. این آینده‌نگری را شریعت اسلام به خانواده‌ها یادآوری می‌نماید و در همین رابطه است که پیامبر(ص) می‌فرماید: «بهترین ازدواج، ازدواجی است که کم‌ترین هزینه برای آن درنظر گرفته شود» و همچنین فرموده‌اند: «بهترین مهریه آن است که کم‌ترین میزان برایش معین شده باشد» و باز هم فرموده است: «بهترین و بابرکت‌ترین زنان آن‌هایی هستند که مهریه‌شان کمتر باشد».

هدف از این تشویق و ترغیب به کاهش میزان مهریه مشخص است، زیرا هزینه‌های ازدواج و مقدار مهریه هرچه کمتر باشد روی‌آوری جوانان به ازدواج بیشتر می‌شود و چناچه هزینه‌های ازدواج بیش از توانایی آنان باشد، به طور طبیعی از آن روی گردان می‌شوند، و همین روی‌گردانی از ازدواج است که زمینه را برای بسیاری از مفاسد اجتماعی واخلاقی فراهم‌می‌نماید.

در بسیاری از ولایات و ولسوالی‌های کشور برخی خانواده‌ها با هدف خودنمایی و فخرفروشی به دیگران، دست به اسراف‌کاری‌های فراوان در مراسم نامزادی، عروسی و تهیه جهیزیه می‌زنند. گاهی با اجاره‌کردن تالارهای مجلل و تهیه غذاهای گران‌قیمت و دعوت از صدها نفر و تهیه هدایای گران‌قیمت برای عروس و داماد و موترهای به اصطلاح گل‌پوش و دسته گل‌های بزرگ و کوچک و... صدها هزار افغانی را به مصرف می‌رساند، که غالباً مشکلات و عواقب آن سال‌ها بر دوش عروس و داماد سنگینی می‌نماید. در واقع اینگونه کارهای نامعقول، مانعی بزرگ را برای ازدواج بسیاری از جوانان فراهم می‌سازد. پدر و مادر دختر لازم است احساس مسؤولیت نمایند، وضع و شرایط خواستگاری دخترشان را مورد توجه قرار دهند و از چشم و هم‌چشمی با دیگران و لجبازی و خودبینی پرهیز نمایند و باور کنند که همه خیر و سعادت در رعایت دین و فرموده پیامبر بزرگ اسلام(ص) است که فرموده‌اند: «هرگاه کسی به خواستگاری دختر شما آمد و از دین و اخلاقش راضی بودید، دست رد بر سینه او نگذارید، اگر چنین نکنید فساد و تباهی بسیاری در میان شما به وجود خواهد آمد».

مانعی دیگر سد راه ازدواج جوانان مسئله جهیزیه می‌باشد، هرچند زن و مرد در آغاز زندگی به بعضی از وسایل و اسباب از قبیل فرش، و وسایل پخت و پز و ... احتیاج دارند، امّا تهیه آن باید در حد توان و به صورت معقول باشد. مسؤولیت تهیه جهیزیه باتوجه به عرف و عادات در بسیاری از کشورها باهم فرق می‌کند. در برخی از کشورها تهیه جهیزیه به‌دوش زن است، امّا در بسیاری از کشورهای دیگر مانند کشور عزیز ما افغانستان مسؤولیت تهیه هزینه‌های خرید جهیزیه برعهده مرد قرار دارد و معمولاً مقداری پول برای تهیه آن پرداخت می‌کند.

اساساً تهیه جهیزیه بر مرد لازم است و در این مورد هیچ‌گونه مسؤولیتی متوجه زن نیست، تهیه مسکن و وسایل منزل همچون تهیه لباس و غذای زن نیز برعهدهٔ مرد است. امّا مهریه‌ای را که مرد برای همسرش در نظر می‌گیرد اساساً برای تهیه جهاز نیست،

بلکه بخشش مالی و حقی است که آنرا برای همسرش متقبل می‌شود زیرا خداوند متعال در آیه ٤ سوره النساء می‌فرماید ترجمه: «از روی رضا و رغبت مهریه زنان را بپردازید» به همین دلیل خانوادهٔ داماد نباید انتظار داشته باشند که خانوادهٔ دختر یا خود او مهریه‌اش را صرف خرید جهاز بنماید، یا پس از توافق چیزی از آن را کم کنند، اما چنانچه براساس عرف برخی ممالک زن اقدام به خرید جهیزیه نماید، همهٔ وسایلی را که خریداری نموده متعلق به خود اوست

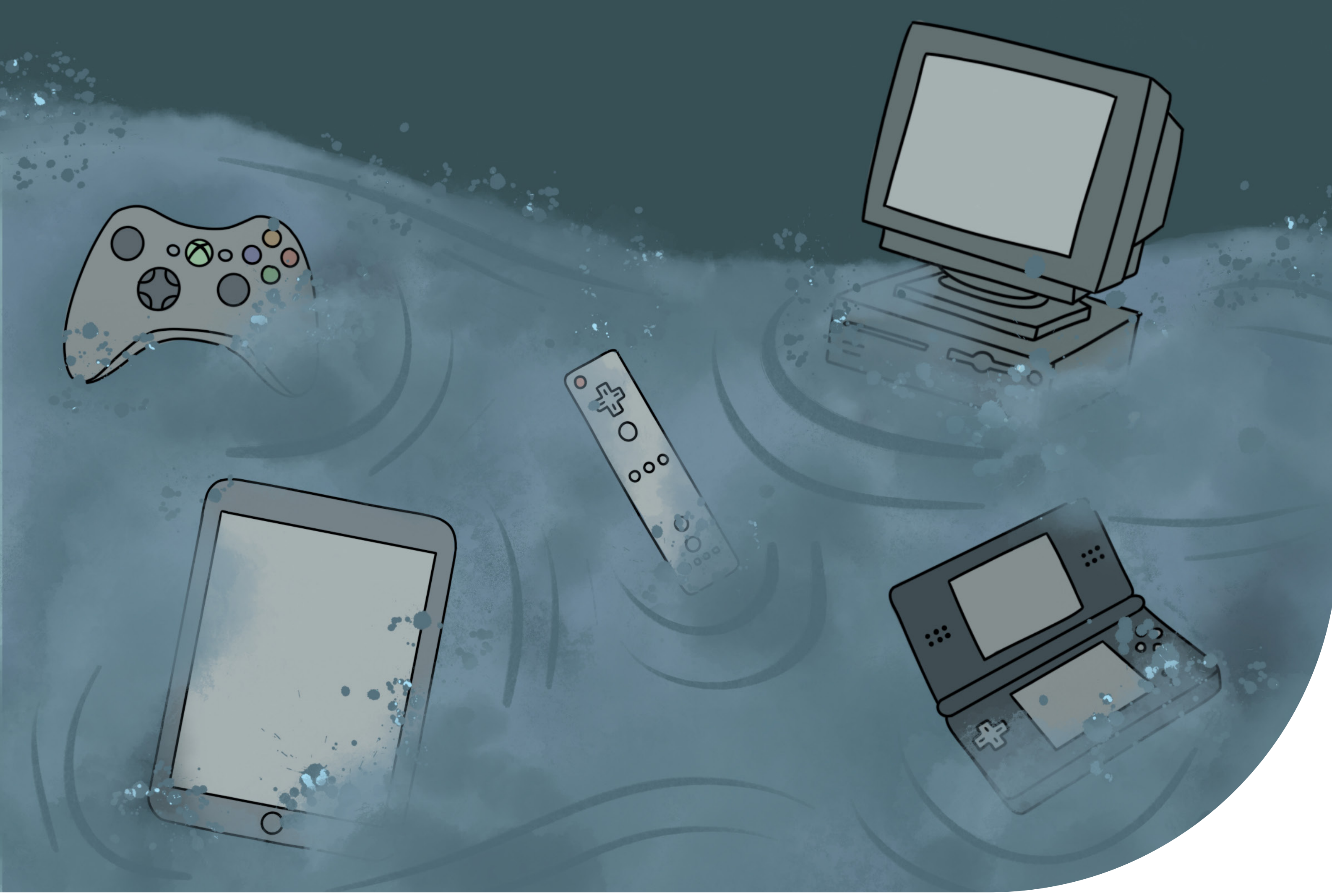
و حق دخل و تصرف کامل را در آنها دارد و در مورد مقدار آن سخن او پذیرفته می‌شود، امّا اگر مرد اقدام به تهیه جهیزیه نماید-که حق اوست-اموال جهیزیه متعلق به اوست، معمولاً زنان در مورد نوع جهاز و بهای آنها و اینکه ساخت خارج یا داخل است حساسیّت دارند و به آن اهمیّت می‌دهند، ولی چنانچه توانایی مالی آنها اجازه بدهد و سبب ایجاد فشار به شوهر و خانواده‌اش نگردد و مانعی را بر سر راه ازدواج دیگران فراهم ننماید، مانعی ندارد.

امّا اگر شوهر و خانوادهٔ او تحت فشار خانواده عروس یا خود او، مجبور به خریداری اجناس گران‌قیمت بشوند و پول زیادی را هزینه نمایند و باعث فشار و مشکلات آنان بشود، چنین کاری زشت بوده و عاقبت بدی خواهد داشت، زیرا از روی اجبار و اکراه انجام گرفته است، هرچیزی که از طریق نارضایتی و ناخشنودی طرف مقابل انجام بگیرد، ضرر و زیانی روشن را متوجه زندگی آینده خانواده می‌نماید. ازدواج اساس و بنیان وجود هر شخص و ادامه‌ی بقای نسل انسان است، قراردادی رسمی و فرهنگی مشترك، میان همه جوامع می‌باشد و با نیازهای عمیق و ریشه‌دار انسان در طول تاریخ بشریت سروکار دارد که بدون آن جامعه انسانی با دگرگونی‌ها وچالش‌هایی مواجه خواهد شد. در ازدواج‌های امروزی، رسم و رسوم ساده و بی پیرایه‌ی روزگاران پیشین و انجام مراسم به‌دور از هرگونه ظاهرسازی و تجملات و فخر فروشی، به مراسمی پر خرج و صحنه‌ی نمایش قدرت و توان مادی خانواده‌ها تبدیل شده و باعث گردیده است که پدیدهٔ ازدواج، برای جوانان به صورت امری که دست یافتن به آن چندان آسان نیست، درآید.

مهریه‌های بالا و تجمل گرایی مهم‌ترین مانع ازدواج جوانان در کشور می‌باشد، روی‌آوردن افراد جامعه به تجملات، موجب شده که جوانان از ازدواج به‌موقع خودداری کنند. که این‌امر سبب بروز بسیاری از بیماری‌های روحی- روانی و اختلافات خانوادگی گردیده است. مهریه بسیار بالا نه تنها ضامن خوشبختی و پایداری زندگی افراد نیست، بلکه زندگی که با مهریه‌های بالا وخرج های گزاف شکل می‌گیرند، سریعاً از هم پاشیده و دختران، برای رهایی از قید زندگی سخت مجبور می‌شوند که به راحتی از مهریه‌شان بگذرند. مهریه‌ی معقول مطابق شریعت و درحد عرف و شخصیت دختر واجب و ضروری است، مهریه حق زن می‌باشد که باید در طول زندگی، به زن پرداخت شود و این امر باید در جامعه فرهنگ‌سازی شود.

تنش‌های روحی و روانی یکی از پیامدهای سخت‌گیری در امر ازدواج بوده و تأخیر در امر ازدواج موجب می‌شود تا جوانان احساس تنهایی و نوعی خلاء در زندگی داشته باشند، ازدواج به‌موقع امری واجب و ضروری بوده و از آنجاییکه ازدواج تأثیر تکاملی بر افراد دارد و همچنین ویژگی‌های مثبت و نوعی تعادل را در روحیات و افکار آنها به وجود می‌آورد، افرادی که در سنین بالا ازدواج می‌کنند، برخی ظرفیت‌هایی که باید صرف استحکام کانون خانواده و تربیت فرزندان کنند، را از دست می‌دهند. بهترین ازدواج، ساده‌ترین ازدواج از لحاظ مادی و معنوی می‌باشد. در نهایت رفع موانع ازدواج جوانان در افغانستان نیازمند همکاری دولت، خانواده‌ها و خود جوانان است تا با ایجاد شرایط مناسب، این مرحله مهم از زندگی به درستی و با آرامش طی شود.





اضراری بازی‌های کامپیوتری برای نسل جوان

احمدالله جلالی

مقدمه

بازی‌های کامپیوتری در چند دهه‌ی گذشته تحولی عظیم داشته‌اند. پیشرفت تکنولوژی، اینترنت با سرعت بالا و واقعیت‌های مجازی امکاناتی فراهم کرده‌اند تا بازی‌های کامپیوتری به یک پدیده‌ی جهانی تبدیل شوند. در میان اطفال و جوانان، این بازی‌ها به دلیل جذابیت‌های بصری، گیم‌پلی‌های تعاملی و محتوای چالش‌برانگیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. اما از آنجا که اطفال و نوجوانان در مرحله حساس رشد شناختی، جسمانی و اجتماعی قرار دارند، استفاده بیش از حد و بدون نظارت از این بازی‌ها می‌تواند مشکلاتی جدی ایجاد کند. در ادامه، به بررسی ابعاد مختلف این موضوع می‌پردازیم.

اثرات جسمی

مشکلات بینایی؛ استفاده طولانی‌مدت از صفحه‌های نمایشگر می‌تواند منجر به مشکلات بینایی نظیر خشکی چشم، خستگی چشم و در موارد شدیدتر حتی کاهش دید شود. مطالعه‌های متعددی نشان داده‌اند که نور آبی منتشر شده از صفحه نمایش دستگاه‌ها می‌تواند به سلول‌های شبکیه آسیب برساند و موجب زودرس شدن علائم پیری چشم گردد. این موضوع به ویژه برای کودکان و نوجوانانی که در حال رشد و تکامل هستند، بسیار نگران‌کننده است.

مشکلات جسمانی و پوسچر؛ نشستن طولانی مدت در موقعیت‌های ثابت و بدون حرکت می‌تواند منجر به

مشکلات مربوط به ستون فقرات، مشکلات عضلانی و حتی کاهش توانایی حرکتی شود. همچنین، استفاده بی‌رویه از بازی‌های کامپیوتری می‌تواند به افزایش خطر ابتلا به چاقی و بیماری‌های مرتبط با سبک زندگی نشسته منجر شود. نشستن مداوم بدون وقفه، به ویژه در ساعات طولانی، فشار زیادی بر روی عضلات و استخوان‌ها وارد می‌کند که در نتیجه موجب کاهش انعطاف‌پذیری و استقامت بدنی در بلندمدت می‌شود.

اختلال در خواب؛ یک عامل دیگر استفاده بیش از حد از بازی‌های کامپیوتری، اختلال در الگوی خواب است. نور آبی صفحه نمایش و تحریک ذهنی ناشی از بازی می‌تواند ساعت زیست‌شناختی بدن را مختل کرده و باعث مشکلات خواب مانند بی‌خوابی، تاخیر در خوابیدن و کاهش کیفیت خواب شود. نداشتن خواب کافی و با کیفیت، تأثیر منفی بر عملکرد شناختی، ریخت و خورد بدن و رشد طبیعی نوجوانان دارد.

اثرات روانی

اعتیاد به بازی؛ یکی از بزرگترین مخاطرات استفاده بیش از حد از بازی‌های کامپیوتری، ایجاد وابستگی و اعتیاد است. بسیاری از بازی‌های مدرن به گونه‌ای طراحی شده‌اند که با ارائه پاداش‌های تصادفی، رقابت‌های آنلاین و سیستم‌های امتیازی، مخاطب را در چرخه‌ای از بازی دائمی فرو می‌برند. این نوع طراحی باعث ایجاد وابستگی در مغز می‌شود که می‌تواند مانع رشد و توسعه فعالیت‌های مفید دیگر در زندگی نوجوانان گردد. اعتیاد به بازی‌های کامپیوتری می‌تواند باعث از دست رفتن تعادل در زندگی، کاهش تعاملات اجتماعی و حتی اختلال در عملکرد روزمره شود.

استرس و اضطراب؛ بازی‌های رقابتی و حتی برخی بازی‌های غیررقابتی ممکن است به عنوان محرکی برای بروز اضطراب و استرس در کودکان و نوجوانان عمل کنند. فشار برای رسیدن به امتیاز بالا، رقابت با دیگران در محیط‌های آنلاین و حتی تجربه‌ی شکست مکرر در بازی‌ها می‌تواند به بروز اضطراب عملکرد و استرس روحی و جسمی منجر شود. در مواردی، این استرس و اضطراب می‌توانند به مشکلات جدی‌تر روانی مانند افسردگی، اختلالات اضطرابی و اختلالات رفتاری منجر شوند.

کاهش توجه و اختلالات یادگیری؛ بازی‌های کامپیوتری که به طور مداوم و طولانی مصرف می‌شوند، می‌توانند منجر به کاهش تمرکز و کاهش توانایی یادگیری در کودکان و نوجوانان شوند. استفاده بیش از حد از بازی‌های دیجیتال می‌تواند باعث شود که افراد در مواجهه با مطالعه و فعالیت‌های آموزشی دچار حواس‌پرتی شوند. این موضوع به ویژه در دوران مدرسه، زمان‌بندی دقیق مطالعه و فعالیت‌های آموزشی می‌تواند تأثیر منفی بگذارد و نتیجه آن کاهش کیفیت یادگیری، نمرات تحصیلی پایین‌تر و حتی از دست دادن علاقه به تحصیل باشد.

تغییرات خلقی و اجتماعی؛ استفاده مفرط از بازی‌های کامپیوتری ممکن است به ایجاد تغییرات رفتاری و خلقی در کودکان و جوانان زودرس منجر شود. فرد ممکن است از نظر احساسی دچار بی‌ثباتی شود و از توانایی ایجاد ارتباطات عاطفی واقعی با اطرافیان کاسته شود. این تغییرات می‌توانند باعث شوند که نوجوانان در مواجهه با مشکلات عاطفی و اجتماعی، نتوانند به درستی واکنش نشان دهند یا دچار افسردگی شوند. کاهش تعاملات واقعی به معنای کاهش فرصت‌های یادگیری مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی نیز می‌باشد.

اثرات اجتماعی

کاهش تعاملات اجتماعی؛ به دلیل تمرکز بیش از حد بر بازی‌های دیجیتال، بسیاری از کودکان و نوجوانان از برقراری ارتباطات واقعی با خانواده، دوستان و جامعه دچار کاستی می‌شوند. تعاملات چهره به چهره برای رشد مهارت‌های اجتماعی، درک احساسات و ایجاد رابطه‌های پایدار ضروری هستند. زمانی که افراد بیشتر وقت خود را در محیط مجازی سپری می‌کنند، فرصت یادگیری و تجربه ارتباطات واقعی کاهش یافته و ممکن است به انزوا و تنهایی دچار شوند.

تاثیر بر ارتباطات خانوادگی؛ استفاده بیش از حد از

بازی‌های کامپیوتری می‌تواند به کاهش ارتباطات خانوادگی منجر شود. در بسیاری از خانواده‌ها مشاهده می‌شود که والدین و فرزندان به دلیل استفاده‌ی متقابل از تکنولوژی و بازی‌ها، زمان‌های کمی را برای تعامل صمیمانه و گفتگوهای معنادار اختصاص می‌دهند. این وضع ممکن است به کاهش همبستگی خانوادگی، عدم درک متقابل و در نهایت ایجاد حفره‌های عاطفی در خانواده منجر شود.

ناهنجاری‌های رفتاری و اجتماعی؛ برخی تحقیقات نشان می‌دهد که استفاده بیش از حد از بازی‌های کامپیوتری می‌تواند به بروز ناهنجاری‌های رفتاری نظیر خشونت افکار، تحریک‌پذیری، عدم ثبات احساسات و حتی رفتارهای ضد اجتماعی منجر شود. تأثیر بازی‌های دارای محتوای خشونت‌آمیز می‌تواند در ایجاد تفکرات مخرب و الگوهای رفتاری ناپسند تاثیرگذار باشد. تأثیر این بازی‌ها بر روی درک درست از مفاهیم اخلاقی و اجتماعی، عامل نگرانی والدین و متخصصین در جامعه‌شناسی و روانشناسی است.

تأثیر بر عملکرد تحصیلی

کاهش بهره‌وری تحصیلی؛ یکی از مهم‌ترین نواحی تأثیرات منفی استفاده بیش از حد از بازی‌های کامپیوتری، عملکرد تحصیلی کودکان و نوجوانان است. زمان زیادی که صرف بازی می‌شود، می‌تواند به معنی کمبود زمان مطالعه، تمرین و شرکت در فعالیت‌های آموزشی باشد. عدم توانایی در مدیریت زمان باعث می‌شود که مسئولیت‌های تحصیلی و فعالیت‌های مدرسه‌ای از قلم بیافتد و نتیجه آن کاهش عملکرد تحصیلی شود.

اختلال در فرآیند یادگیری؛ بازی‌های کامپیوتری اغلب به گونه‌ای طراحی می‌شوند که پاداش بعد از تلاش زیاد را به سرعت ارائه دهند. این ویژگی می‌تواند الگویی مشترک بین بازی و فرآیند یادگیری ایجاد کند. در حالی که در محیط‌های آموزشی، رسیدن به نتیجه‌ی مطلوب معمولاً نیازمند صبر، تمرین مداوم و تحمل ناکامی‌هایی جزئی است، استفاده سریع و فوری از پاداش در بازی‌ها ممکن است منجر به ایجاد انتظارات غیرواقعی در فرآیند یادگیری شود. این موضوع می‌تواند باعث کاهش انگیزه برای یادگیری مباحث دشوار و کاهش مهارت‌های حل مسئله در بلندمدت شود.

ایجاد اختلال در توجه و حافظه

مطالعات نشان داده‌اند که استفاده مکرر از بازی‌های کامپیوتری و تمرکز مداوم بر تصاویر دیجیتال ممکن است ساختارهای عصبی مرتبط با توجه و حافظه را تغییر دهد. در این شرایط، نوجوانان ممکن است در مواجهه با مطالب طولانی و پیچیده در کلاس‌های درس، دچار مشکل در حفظ مطالب شوند. تأثیر درازمدت استفاده ناصحیح از بازی‌های دیجیتالی می‌تواند منجر به کاهش توانایی تمرکز در فعالیت‌های تحصیلی شود.

در پایان، هرچند بازی‌های کامپیوتری ظرفیت‌های مثبت بسیاری را در بر دارند، اما استفاده بیش از حد و نابجا از آن‌ها می‌تواند اثرات زیانباری بر سلامت جسمی و روانی نوجوانان داشته باشد. شناخت دقیق این اثرات و اتخاذ راهکارهای صحیح همراه با نظارت مستمر، می‌تواند باعث شود که تکنولوژی خادم پیشرفت و نه مانع رشد انسان شود. تلاش برای ایجاد تعادل و فرهنگ زمان‌بندی، گامی مؤثر در جهت حفظ سلامت نسل‌های آینده و دستیابی به آینده‌ای متعادل و پویا به شمار می‌آید.

به طور خلاصه، درک عمیق از اثرات منفی بازی‌های کامپیوتری و اتخاذ راهکارهای مدیریتی مناسب، همچون آموزش مهارت‌های مقابله‌ای، استفاده از نرم‌افزارهای کنترل والدین، تقویت فضاهای آموزشی حمایتی و تنظیم برنامه‌های پویا، می‌تواند زمینه‌ی رشد سالم و متعادل را برای اطفال و جوانان فراهم کند. تمامی این اقداماتی است که اگر به موقع و به شکل صحیح انجام شود، می‌تواند از گسترش بیم‌ها و مشکلات جدی ناشی از اعتیاد دیجیتال جلوگیری کند.



تاثیر تصمیم‌گیری بر عملکرد کارمندان

پوهنمل جمشید «اصلان»

چکیده:

در دنیای پیچیده امروزی، تصمیم‌گیری از ارکان اصلی مدیریت موفق در هر سازمان به شمار می‌رود. تاثیر مستقیم و غیرمستقیم تصمیم‌گیری‌های مدیریتی بر عملکرد کارمندان موضوعی است که توجه بسیاری از پژوهشگران و مدیران را به خود جلب کرده است. این مقاله به بررسی ابعاد مختلف تصمیم‌گیری در سطوح مختلف سازمان و تاثیر آن بر بهره‌وری، انگیزش، رضایت شغلی و تعهد سازمانی کارمندان می‌پردازد. تصمیم‌گیری یکی از عوامل کلیدی موثر بر عملکرد کارمندان در سازمان بوده‌اند. تصمیمات مدیریتی نقش اساسی در تعین سطح انگیزه، رضایت شغلی و بهره‌وری سازمانی ایفا می‌کند. این نوشته به بررسی فرایند تصمیم‌گیری بر عملکرد کارمندان می‌پردازد و بر عوامل روان‌شناختی و سازمانی تاثیرگذار بر این رابطه تمرکز دارد . با استفاده از روش تحلیل ادبیات پیشین، این مقاله نتیجه می‌گیرد که شفافیت، مشارکت در تصمیم‌گیری و عدالت سازمانی عملکرد کارکنان را بهبود می‌بخشند، در حالی که تصمیمات ناعادلانه یا مبهم می‌توانند منجر به کاهش بهره‌وری و افزایش نرخ ترک خدمت کارمندان شوند.

واژگان کلیدی: تصمیم‌گیری، عملکرد کارمندان، رضایت شغلی، اثربخشی مدیریتی.

مقدمه:

تصمیم‌گیری فرایندی آگاهانه و هدفمندی است که مدیران برای انتخاب بهترین گزینه از میان گزینه‌های متعدد، در مسیر رسیدن به اهداف سازمانی از آن بهره می‌برند. کارمندان به عنوان مهم‌ترین منابع انسانی سازمان، تاثیر مستقیم از کیفیت، نوع سبک تصمیم‌گیری مدیران می‌پذیرند. تصمیم‌های که در رابطه با سیاست‌ها، منابع، ساختار و روش‌های اجرایی گرفته می‌شوند، می‌توانند روحیه، اعتماد، و در نهایت، عملکرد آن ها را تحت تاثیر قرار دهند.

تصمیم‌گیری یکی از مهمترین فرایندها در مدیریت سازمان‌ها به شمار می‌رود. این فرایند نه تنها بر روی نتایج کلی سازمان تاثیر می‌گذارد، بلکه بر روی عملکرد فردی کارمندان نیز اثرگذار است. در دنیای پیچیده و متغیر امروز، توانایی اتخاذ تصمیمات صحیح و به موقع می‌تواند به عنوان یک مزیت رقابتی برای سازمان‌ها عمل کند. در این مقاله، به بررسی تاثیر تصمیم‌گیری بر عملکرد کارمندان پرداخته خواهد شد و عواملی که می‌توانند این تاثیر را تشدید یا تضعیف کنند، مورد تحلیل قرار خواهند گرفت.

مفهوم تصمیم‌گیری

تصمیم‌گیری به فرایند انتخاب بین گزینه‌های مختلف برای رسیدن به یک هدف مشخص اطلاق می‌شود. این فرایند شامل شناسایی مسایل، جمع‌آوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل گزینه‌ها و انتخاب بهتری راه حل می‌باشد. تصمیم‌گیری می‌تواند به صورت فردی یا گروهی انجام شود و نوع آن به شرایط و نیازهای سازمان بستگی دارد.

انواع تصمیم‌گیری

- تصمیم‌گیری فردی: در این نوع تصمیم‌گیری یک فرد مسول اتخاذ تصمیم است.
- تصمیم‌گیری استراتیژیک: این نوع تصمیمات معمولا در سطوح بالای مدیریتی گرفته می‌شوند و بر

روی جهت کلی سازمان تاثیر می‌گذارند.

• تصمیم‌گیری عملیاتی: این نوع تصمیات مربوط به فعالیت‌های روزمره و اجرایی سازمان است.

مبانی نظری

تصیمی گیری در سازمان‌ها به طور عمده به دو شیوه صورت می‌گیرد:

۱. تصمیم‌گیری متمرکز: که در آن نظرات و پیشنهادات کارمندان در فرآیند تصمیم‌سازی لحاظ می‌شود.

۲. تصمیم‌گیری مشارکتی: که در آن نظرات و پیشنهادات کارمندان در فرآیند تصمیم‌سازی لحاظ می‌شود.

مطالعات متعدد نشان داده‌اند که مشارکت کارکنان در تصمیم‌گیری، نه تنها حس مسوولیت‌پذیری آن‌ها را تقویت می‌کند، بلکه منجر به افزایش بهره‌وری و کاهش مقاومت در برابر تغییر نیز می‌شود.

تاثیرات تصمیم‌گیری بر عملکرد کارمندان

۱. افزایش انگیزش:

وقتی کارمندان احساس کنند که نظر و دیدگاه آن ها در تصمیم‌گیری‌ها دخیل است، انگیزه بیشتری برای انجام مسوولیت‌هایشان دارند. آن‌ها به سازمان احساس تعلق بیشتری می‌کنند و برای موفقیت آن تلاش می‌نمایند.

۲. رضایت شغلی:

تصمیم‌های شفاف و عادلانه می‌توانند رضایت شغلی را در میان کارکنان افزایش دهند. بالعکس، تصمیم‌های سلیقه‌ای یا ناعادلانه موجب کاهش اعتماد به مدیریت و نارضایتی شغلی می‌شوند.

۳. افزایش بهره وری:

کارمندان احساس کنند تصمیم‌های سازمان در راستای بهبود شرایط کاری و رفع چالش‌های موجود است، تمایل بیشتری به تلاش و همکاری دارند. این احساس به طور مستقیم بر بهره‌وری آنان تاثیر مثبت می‌گذارد.

٤. کاهش تعارض و افزایش همکاری:

در سازمان‌هایی که تصمیم‌گیری با مشورت و شفافیت همراه است، سطح تعارض‌های درون سازمانی کاهش یافته و همکاری میان واحدها و افراد افزایش می‌یابد.

٥. تعهد سازمانی:

کارمندان زمانی خود را بخشی از سازمان می‌دانند که در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داشته باشند. این مشارکت تعهد آن‌ها به سازمان را تقویت می‌کند و باعث می‌شود در برابر چالش‌ها، وفاداری بیشتری نشان دهند.

چالش ها و موانع تصمیم‌گیری موثر

• عدم شفافیت اطلاعات: تصمیم‌گیری بدون اطلاعات دقیق می‌تواند منجر به انتخاب‌های اشتباه شود.

• تمرکز بیش از حد بر سلسله مراتب: سازمان‌هایی که تصمیم‌گیری صرفا در رده‌های بالا صورت می‌گیرد، اغلب از نظرات ارزشمند رده‌های پایین‌تر محروم می‌مانند.

• ترس از مسوولیت‌پذیری: برخی مدیران یا کارمندان از مشارکت در تصمیم‌گیری به دلیل ترس از عواقب احتمالی، اجتناب می‌کنند.

مطالعات موردی و یافته‌های تحقیقی

مطالعات انجام شده در شرکت‌های موفقی مانند گوگل، تویوتا و سامسونگ نشان داده است که سبک تصمیم گیری مشارکتی و باز، تاثیر قابل توجهی بر بهبود عملکرد و کاهش نرخ ترک کارکنان دارد. بر عکس، سازمان‌هایی با تصمیم‌گیری متمرکز و بسته، معمولا با مشکلاتی چون نارضایتی، مقاومت در برابر تغییر و کاهش بهره‌وری مواجه‌اند.

پیشنهادات

۱. تقویت مشارکت: درگیر کردن کارمندان در تصمیماتی که بر کار آنها تاثیر می‌گذارد.

۲. شفافیت: روشن‌سازی معیارهای تصمیم‌گیری.

۳. آموزش مدیریتی: بهبود مهارت‌های رهبری در مدیران.

٤. ایجاد کانال‌های ارتباطی موثر: برای تسهیل مشارکت در تصمیم‌گیری.

٥. تشویق کارکنان: کارمندان را مورد تشویق و ستایش و شفقت خویش قرار دهند.

نتیجه‌گیری

تصمیم‌گیری به عنوان یکی از ارکان اصلی مدیریت، تاثیر گسترده‌ای بر عملکرد، انگیزش، رضایت، و وفاداری کارکنان دارد. سازمان‌های که به مشارکت کارکنان در فرآیند تصمیم‌گیری اهمیت می‌دهند، از مزایای متعددی مانند افزایش بهره‌وری، کاهش تعارضات درونی و افزایش خلاقیت بهره‌مند می‌شوند. ایجاد فرهنگ مشارکتی در سازمان و توانمندسازی مدیران برای اتخاذ تصمیمات آگاهانه و موثر، از کلیدهای موفقیت بلند مدت سازمان‌ها به شمار می‌رود.

رابطه ایمان و عمل صالح

عبدالمجید صمیم

اساس و بنیاد فرامین و احکام دین مبین اسلام را ایمان‌داری و انجام عمل صالح تشکیل می‌دهد.
اگر در آیات قرآنی و احادیث نبوی صلی‌الله‌علیه‌وسلم تعمق کنیم، ملاحظه خواهیم کرد که در آیات و احادیث بسیاری هم ایمان و هم عمل صالح حایز اهمیت فراوانند. در این آیه‌ها و احادیث هم خدای متعال جل‌جلاله و هم رسول معظم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وسلم از ما خواسته‌اند تا همواره با ایمان باشیم و عمل صالح و نیکو انجام دهیم.

نظر به وسعت و گستردگی ایمان و عمل صالح در آیات و احادیث نبوی، علمای کرام و مجتهدان امت در خصوص رابطه ایمان و عمل صالح بحث‌های عمیقی را صورت داده‌اند طوری که بعضی عمل صالح را جزئی از ایمان قلمداد نموده و گفته‌اند که ایمان اقرار به زبان، تصدیق به قلب و عمل به جوارح است و گروه دیگر از علما که عمل صالح را جزئی از ایمان ندانسته‌اند بر تلازم ایمان و عمل صالح تأکید کرده‌اند به این دلیل می‌توان گفت که وجود تلازم میان ایمان و عمل صالح امری است اتفاقی که تمام علمای اسلام در خصوص آن اتفاق نظر دارند.
باور صحیح و عمل نیک دو عنصر مهمی هستند که سبب اعتلای انسان می‌گردند و او را یاری می‌رسانند تا در طی طریق خویش به سوی جوهر انسانی خود بهتر و شایسته‌تر گام بردارد و حرکت کند.

همه می‌دانیم که انسان مرکب از جسم و روح است. زندگی سعادتمند برای انسان زمانی تأمین می‌گردد که او در زندگی دنیوی خویش میان جسم و روح توازن ایجاد کند. توازنی که با آن هم نیازهای روح خود را تأمین کند و هم نیازهای جسمی‌اش را.

بی تردید که نقش ایمان و عمل در تأمین نیازهای روحی و جسمی انسان برجسته و حایز اهمیت فراوان است. برآورده‌شدن مجموع این دو می‌تواند انسان را در سیر و حرکتش به سوی جهان دگر یاری رساند.
ادیان الهی آمده‌اند تا به انسان این دو عنصر را نشان دهند. هم ایمان را و این که چگونه باید باشد، و هم عمل صالح را و این که چگونه باید به انجام برسد و شامل چه چیزهایی است.
اگر دین نباشد انسان در هر دوی این عرصه‌ها دچار خطا و اشتباه می‌شود. در عرصه ایمان به خرافات اوهام و افسانه روی می‌آورد و به جای خدا، بت را به عنوان خدا برمی‌گیرد و می‌پرستد و به حدی دنی و دون می‌گردد که در مقابل هر موجود دون و دنیی کرنش می‌کند و آن را خدا می‌انگارد. چنان که هر عملی را که مطابق هوا و هوسش است و خواستگاه صرفاً نفسانی دارد را به عنوان عمل خوب برمی‌گزیند و انجام می‌دهد.

پسرلی، اختر او د ملت نوې سا: د سولې تر سیورې لاندې د تفریح فرهنګ

رحمت الله فیضان

سږ کال پسرلي او کوچني اختر یو ځای، زموږ پر ولس داسې وزرې وغوړولې، لکه د آزادۍ مرغان چې له کلونو بند وروسته د آرامې فضا لورې ته والوزي. دا دواړه ښایسته فصلونه، له څو لسیزو اشغالونو، کورنیو جګړو او دربدریو وروسته، د سولې او امنیت په فضا کې راغلل؛ هغه فضا چې ولس پکې د ارامۍ ساه واخېسته او د وېرې له تیارو راووتل .

د سولې دا فضا د دې لامل شوه چې د هیواد ښاریانو د اختر او پسرلي خوشحالۍ یوازې د کورونو دننه او سیمنټي دیوالونو تر شاه ونه نمانځلې، بلکې له خپلو کورنیو سره یو ځای شنو رغونو، غرونو او دښتو ته لاړ شي، له طبیعت سره یارانه وکړي او د فطرت له ښکلاوو خوند واخلي، پرته له دې چې د امنیت له اندېښنو سره مخ شي.

تفریح او سیاحت، یوازې له روغتیایي او اقتصادي اړخه نه، بلکې له دیني پلوه هم یوه غوره او مشروع پدیده ده؛ سیر او سیاحت ، د طبیعت مطالعه یو مسؤولیت او ارزښت دی. په طبیعت کې ګرځېدل انسانان تفکر ته هڅوي، او د خلقت په دقیقې مطالعې سره انسان کولای شي خپل شکونه او تردیدونه له منځه یوسي لکه څرنګه چې الله تعالی فرمایي:

ژباړه :

ووایه (ای محمده!): «په ځمکه کې وګرځئ او وګورئ چې الله څنګه مخلوقات پیدا کړل، بیا الله همدا ډول دوهم ژوند (یا بل پیداښت) پیلوي. بېشکه چې الله پر هر څه قادر دی.»» .

کله چې ښاریان اطرافي سیمو ته سفر کوي، هلته په طبیعي ډول اقتصادي تبادل رامنځته کېږي، چې د کلیوالو د اقتصاد لپاره یو غوره فرصت بلل کېږي. اطرافي خلک خپل محلي تولیدات او خدمات وړاندې کوي، او له ښاریانو څخه مستقیمه اقتصادي ګټه ترلاسه کوي. دا تبادله د اقتصادي عدالت یو مصداق دی، او همااغه ټولنیز پیوستون رامنځته کوي چې ټولنه یو موټی ساتي.

له بل پلوه، د ښار اوسېدونکي له ګڼو روغتیایي ستونزو، لکه ککړه هوا، غیر عضوي خوړو، صوتي آلودګۍ، د حرکت نشتوالي او رواني فشارونو سره مخ دي. تفریحي سفرونه د دغو ستونزو لپاره یو طبیعي درمل بلل کېږي، په ځانګړې توګه د ښځو او ماشومانو لپاره.

ښځې چې ډېر کله د کور په محدوده فضا کې راګېرې وي، د طبیعت په غېږ کې نوې انرژي ترلاسه کوي، له روحي اړخه تازه کېږي او دا حالت د ټولې کورنۍ پر فضا مثبت اغېز پرېباسي.

تر دې لا مهم دا چې د ښار او اطرافو تر منځ دا ډول تعاملات، د زړونو نږدې کېدو، خواخوږۍ، د فرهنګونو د تبادلې او د متقابل درناوي فضا رامنځته کوي. دا حالت د ولسونو تر منځ واټن راکموي، او ټولنیز یووالی پیاوړی کوي.

پورتنیو ارزښتونو ته په کتو سره دولت مسولیت لري چې ښاري خلک و هڅوي تر څو افراطي سیمو ته سیر وسیاحت وکړي او د اطراف خلک تشویق کړي چې له ښار څخه ورغلي میلمانه تقدیر او ښه میلمه پالنه یې وکړي .

زموږ ملت د نړۍ له ممتازو مسلمانانو څخه ګڼل کېږي، دا هماغه ولس دی چې د خپل دین، عزت او ناموس لپاره یې څو لسیزې بې ساري قربانۍ ورکړې دي، اوس که څوک له خپلې کورنۍ سره تفریح ته وځي، نو ښه به وي چې له غیر معقولو محدودیتونو سره مخ نشي ، بېځایه محدودیتونه د ولس او نظام تر منځ فاصله او کرکه زیاتوي دا وخت د باور، خواخوږۍ او ګډ حرکت دی، د ولس اعتماد، زموږ د راتلونکې پانګه ده موږ نه باید دا فرصت له لاسه ورکړو.

په اخرکې د هرات د مدبر والي شیخ الحدیث مولانا نور احمد اسلام ، امنیه قومندان حاجی یاسر او نورو مسولینو تر رهبري او مدیریت لاندې امنیتي ځواکونوڅخه مننه کوو ، چې د اختر اوپسرلي د تفریح په ورځو کې یې د خلکو امنیت ته ځانګړې پاملرنه کړې، لارې یې خوندي کړې، او ولس ته یې د آزاد ګټ راتګ شرایط برابر کړي دي. دا لاسته راوړنه د نظام او ولس تر منځ د باور د بېرته راژوندي کېدو نښه ده.



گنبد تومان آغا

محمدصدیق میر

ولسوالی کهسان یکی از ولسوالی‌های تاریخی ولایت هرات است که در غرب شهر هرات قرار دارد؛ و اسلام قلعه یکی از گذرگاه‌های بسیار معروف بین افغانستان و ایران است که مربوط به آن می‌باشد.

فاصله بین شهر هرات و مرکز کوسویه ۱۱۶ کیلومتر بوده و هریرود از وسط این ولسوالی می‌گذرد. از کهسان بنام‌های کوسو، کوسویه، کوسان، کهسان و کوسون یاد شده است. این ولسوالی مرد خیز ابنیه تاریخی زیادی دارد که بدین ترتیب به آن اشاره می‌شود:

گنبد کوسویه یا گنبد تومان آغا که شبیه است به گنبد ملکه گوهرشاد بیگم در شهر هرات قرار دارد و آن شامل مدرسه، مسجد و آرامگاه که توسط همین بانو ساخته شده است و رباطی نیز وجود دارد که از ساخته‌های وی می‌باشد. در این ولسوالی ابنیه تاریخی وجود دارد که به اختصار از چند تای آنها نام می‌بریم:

خانقاه نوه شیخ احمد جام ژنده پیل که به سبک معماری دوره اخلاف تیمور بنا یافته است.

تیر پل یکی دیگر از آثار تاریخی کهسان است که تاریخ بنای آن به پیش از اسلام می‌رسد و بدست استاد نادره کار بهزاد پوشنگی بالای هریرود بنا یافته است.

قلعه تاریخی و معروف کوسویه که از اثر خشم سپاهیان تولی خان پسر چهارم چنگیز مغول با خاک یکسان شد.

کافر قلعه یا اسلام قلعه که بنا بر روایتی اهالی آنجا که آیین زردشتی داشته و نسبت به مقاومتی که در مقابل اعراب می‌نمایند و از جانبی حصانت و استحکامتی قوی که قلعه داشته و تقریباً تسخیر ناپذیر می‌نموده است، او را کافر قلعه نام نهاده‌اند.

یکی دیگر از آثار تاریخی کهسان تپه رادار است که بین سال‌های ۱۳۵۷ الی ۱۳۷۱ دستگاه رادار در آن به جهت ترصد طیارات در آنجا نصب می‌شود و به تپه رادار معروف می‌شود. در واقع این تپه رادار بقایای یک قلعه تاریخی است که توسط چنگیزیان از بین برده می‌شود.

خانقاه تومان آغا که از وی به صفت مسجد استفاده بعمل می‌آید.
خانقاه‌های دیگری نظیر خانقاه خواجه محمد احرار، خانقاه خواجه محمد لحافتی، خانقاه آقا عبدالرحمن احرار، و همچنان تعدادی از آسیاب‌های بادی که شمارشان به باب می‌رسد. البته این جدا از آسیاب‌های آبی است که در آنجا وجود داشته است.
آب انبارها که به‌گفته حمیدالله کامگار که اهل همان سامان است شمارشان به هفت خزینه می‌رسد؛ حوض خشتی خرقه مبارکه، حوض خشتی هشت در یا اژدر که مشابه است به حوض هشت در یا اژدر گازرگاه شریف، حوض خشتی بی‌بی گل، حوض خشتی غفور خان، حوض خشتی مصطفی بیک، حوض خشتی تحت کوسویه و حوض خشتی محل شیخ‌ها که همه در زمره برکه‌های سرپوش‌دار بوده‌اند.
کوسویه در امتداد تاریخ، کامگار حمیدالله، نشر کامگار، سال ۱۳۹۹ شـ، صـ ۱۰۲ .

اما گنبد تومان آغا؛ در شرق اسلام قلعه در مرکز ولسوالی کهسان آبده نفیس و تاریخی وجود دارد که به آن گنبد «تومان آغا» می‌گویند. تومان آغا دختر امیر موسی و نوه (نواسه) امیر جلایر است.
این گنبد که شبیه کلاه درویشی و بسان گنبد ملکه گوهر شاد بیگم بنا یافته، بعضاً از اهالی منطقه به آن گنبد گوهرشاد بیگم می‌گویند. این همان گنبد تومان آغا، هم‌سر ششم تیمور است. تومان آغا زمانی که در قید حیات بوده به پیروی از اقدامات ملکه گوهرشاد بیگم، درست زمانیکه شاهرخ میرزا در اوج قدرت و اقتدار قرار داشته، اقدام به ساخت گنبدی بر سر آرامگاه جاماست حکیم می‌نماید، که شبیه گنبد کلاه درویشی گوهرشاد بیگم باشد و به این قصد خویش نیز موفق می‌شود. گنبد هشت ضلعی و به همان روش معماری که در همان زمان (اخلاف تیمور) مرسوم بوده، با تزئینات کاشی در قسمت بیرونی گنبد، و رسم بندی و گچ بری از داخل بنا می‌یابد.
تفاوتی که در بین گنبد گوهرشاد بیگم که در مصلی نفیس و ویران شده شهر هرات قرار دارد و گنبد تومان آغا در کهسان وجود دارد این است که؛ گنبد گوهرشاد بیگم دارای سه لایحه پوشش داشته و از نمای بیرونی با شیارهای کاشی شده بنا گردیده است. در حالیکه گنبد تومان آغا در کهسان دو پوشه بوده و از نمای بیرونی به‌شکل صاف و کاشی مزین شده است.
اجزای متشکله بنا شامل خشت پخته، آهک، گچ، کاشی و ملات بوده و دارای تزئینات خشتی و کاشی‌های نفیس در قسمت بیرونی بوده، اما در بخش داخلی دارای تزئینات گچی و رسم‌بندی مرغوب می‌باشد.
کاشی‌های کار شده در گنبد به مرور زمان و در گذر سده‌ها پاشیده و تنها در قسمت بیرونی دیوار سمت غربی اتاق مرکزی خال خال کاشی به رنگ‌های لاجوردی، فیروزه‌ای و هم نارنجی به مشاهده می‌رسد. آرام‌گاه جاماست حکیم، باری در زمان صفوی‌ها زمانیکه حسن خان شاملو حاکم هرات بود، مرمت می‌شود. بار دیگر در سال ۱۳۷٤ شـ توسط موسسهٔ داکار که یک موسسهٔ ماین پاکی است، مرمت می‌گردد که به روش اصلی و معماری زمانش ترمیم نشده است.
در داخل گنبد آرامگاه جاماسب حکیم که داماد زردشت و وزیر دانای گشتاسب بوده و هم دو آرامگاه دیگر که یکی مربوط به تومان آغا و دیگری یک بانوی غوریانی است، قرار دارد. مکان به عنوان یک آبده تاریخی فرهنگی که آرامگاه حکیم جاماست و تومان آغا در آن قرار دارد، مد نظر مورخین می‌باشد.
گنبد تومان آغا که دارای شماره ثبت ملی ۱- ۱۳- ۳۲ وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان بوده و دارای طول ۱۸/۵۵ متر و عرض ۷۵/ ۲۷ متر می‌باشد. این گنبد دارای سه اتاق و دو پوشش بوده که در سمت شمالی آن دارای کاشی است که از اصل زمان اعمار (شاهرخ میرزا) بجا مانده است. اطراف آن محوطه شده و تنها یک راه ورودی در سمت جنوب که از سرک عمومی می‌باشد وجود دارد، که بازدید کننده داخل می‌شود.
گنبد تومان آغا مثل همهٔ بناهای تاریخی که در گذر سده‌ها نیازمند به مرمت شده‌اند، می‌باشد.

***



تهیه کننده:
عبدالله هروی

سبزیجات چطور به کاهش کلسترول کمک می‌کنند؟

در شرایطی که بشر با انواع و اقسام ویروس و میکروب‌ها روبرو است، بیشتر مراقب سلامتی باشیم و تلاش کنیم تا سیستم ایمنی بدن خود را تقویت نماییم.

چطور به آسانی می‌توان به چنین دستاوردی رسید؟ یکی از راه‌های که به سلامتی انسان کمک می‌کند، تغذیه و کنترل کلسترول است که آسان‌ترین راه برای کنترل کلسترول مصرف سبزیجات می‌باشد.

سبزیجات نقش بسیار مهمی در کاهش کلسترول و بهبود سلامت قلب دارند. این مواد غذایی به دلیل محتوای غنی از فیبر، آنتی‌اکسیدان و مواد مغذی دیگر، می‌توانند به‌طور مستقیم بر سطح کلسترول خون تأثیر مثبت بگذارند و خطر بیماری‌های قلبی و عروقی را کاهش دهند.

یکی از اصلی‌ترین مزایای سبزیجات، محتوای فیبر آن‌ها است. فیبر محلول که در سبزیجات یافت می‌شود، می‌تواند به کاهش کلسترول LDL (کلسترول بد) کمک کند. این نوع فیبر با اتصال به اسیدهای صفراوی در دستگاه گوارش، باعث می‌شود که بدن کلسترول بیشتری را برای تولید صفرا مصرف کند و در نتیجه سطح کلسترول خون کاهش یابد. علاوه بر این، فیبر نامحلول موجود در سبزیجات نیز به بهبود عملکرد روده و هضم کمک کرده و احساس سیری بیشتری ایجاد می‌کند، که می‌تواند به کاهش وزن و در نتیجه کاهش کلسترول کمک کند.

آنتی‌اکسیدان‌های موجود در سبزیجات نیز نقش مهمی در کاهش کلسترول و محافظت از قلب دارند. ترکیباتی مانند ویتامین C، ویتامین E و کاروتنوئیدها که در سبزیجاتی مانند اسفناج، کلم و هویج یافت می‌شوند، می‌توانند به کاهش التهاب و اکسیداسیون کلسترول LDL کمک کنند. این امر از تشکیل پلاک‌های چربی در دیواره‌های شریانی جلوگیری کرده و خطر بیماری‌های قلبی را کاهش می‌دهد.

سبزیجات همچنین منبع خوبی از ترکیبات گیاهی مانند استرول‌ها و استانول‌ها هستند که به کاهش کلسترول کمک می‌کنند. این ترکیبات می‌توانند جذب کلسترول را در روده کاهش دهند و به‌طور مستقیم به کاهش سطح کلسترول خون کمک کنند.

استفاده از سبزیجات مزایای زیادی دارد که به طور خلاصه به برخی اشاره می‌شود.

غنی از مواد مغذی: سبزیجات حاوی ویتامین‌ها، مواد معدنی و فیبر هستند که برای سلامت بدن ضروری‌اند.

کاهش خطر بیماری‌ها: مصرف منظم سبزیجات می‌تواند خطر بروز بیماری‌های مزمن مانند دیابت، بیماری‌های قلبی و سرطان را کاهش دهد.

کنترل وزن: سبزیجات کم‌کالری و پر از فیبر هستند که به احساس سیری کمک می‌کنند و می‌توانند در مدیریت وزن موثر باشند.

بهبود سیستم گوارش: فیبر موجود در سبزیجات به بهبود عملکرد روده و جلوگیری از یبوست کمک می‌کند.
تقویت سیستم ایمنی: ویتامین‌ها و آنتی‌اکسیدان‌های موجود در سبزیجات به تقویت سیستم ایمنی بدن کمک می‌کنند.
بهبود سلامت پوست: ویتامین‌ها و مواد مغذی موجود در سبزیجات می‌توانند به بهبود وضعیت پوست کمک کنند.
با گنجاندن سبزیجات در رژیم غذایی، می‌توان از این مزایا بهره‌مند شد. در نهایت، مصرف منظم سبزیجات می‌تواند به‌طور کلی به بهبود رژیم غذایی و سلامت عمومی بدن کمک کند. افزودن سبزیجات به وعده‌های غذایی روزانه نه‌تنها به کاهش کلسترول کمک می‌کند، بلکه به تأمین ویتامین‌ها و مواد معدنی ضروری برای حفظ سلامت بدن نیز کمک می‌کند. به این ترتیب، سبزیجات نقشی مهم در کاهش کلسترول و بهبود سلامت قلب ایفا می‌کنند و باید به عنوان جزء اصلی هر رژیم غذایی سالم در نظر گرفته شوند.
اکنون برخی از مکمل‌های مفید غذایی در این جا معرفی می‌شوند.

لوبیا

لوبیا منبع خوبی از یک ماده مغذی برای کنترل کلسترول است: فیبر محلول. اگرچه فیبر هرگز وارد جریان خون نمی‌شود، فیبر محلول به صفرا در دستگاه گوارش متصل می‌شود و آن را از بدن خارج می‌کند. سپس کبد از کلسترول برای ایجاد صفرا جدید استفاده می‌کند و در نتیجه سطح کلسترول خون را کاهش می‌دهد.

نخود سبز

نخود سبز حاوی ۷ گرم فیبر کاهش‌دهنده کلسترول است. علاوه بر این، آن‌ها یک منبع پروتئین گیاهی دیگر هستند. بنا به‌گفته متخصصان تغذیه، مصرف بیشتر پروتئین‌های گیاهی در کاهش کلسترول مفید است زیرا اغلب چربی‌های اشباع کمتری دارند. به‌عبارت دیگر، جایگزینی برخی پروتئین‌های حیوانی (مانند گوشت) اند.

اسفناج

اسفناج با فیبر، ویتامین‌ها، مواد معدنی و آنتی‌اکسیدان‌ها پر شده است تا به بهبود سلامت قلب کمک کند. اسفناج دارای فیبر نامحلول است و می‌تواند به کاهش سطح کلسترول LDL کمک کند. علاوه بر این، اسفناج، منبع گیاهی آهن و پروتئین، همچنین منبع عالی کلسیم، ویتامین C و آنتی‌اکسیدان‌های مختلف است و به سلامتی‌تان کمک می‌کند.
این سبزی برگ‌دار همچنین دارای آنتی‌اکسیدان فراوان است. اسفناج غنی از ترکیبی به نام لوتئین است. این آنتی‌اکسیدان به کاهش التهاب کمک می‌کند.

کلم

کلم یکی دیگر از سبزی‌هایی است که متخصصان تغذیه، آن را به‌دلیل ویژگی‌ها و خواصی مانند فیبر و عدم چربی اشباع‌شده برای سلامتی و به‌ویژه سلامت قلب توصیه می‌کنند.

سمارق (قارچ)

این سبزیجات زمینی را می‌توان به‌راحتی به غذاهایی مانند پاستا، پیتزا و سوپ اضافه کرد. بنا به گفته متخصصان تغذیه، قارچ حاوی بتاگلوکان است. این ماده، نوعی فیبر محلول است که با متصل شدن به اسیدهای صفراوی غنی از کلسترول و حذف آن‌ها از بدن کمک می‌کند.

استراتژی‌های دیگر برای بهبود کلسترول

علاوه بر مصرف این سبزیجات در رژیم غذایی، چند راه دیگر برای بهبود کلسترول وجود دارد:
فعالیت بدنی منظم را در برنامه روزانه خود بگنجانید. سعی کنید در طول روز بیشتر حرکت کنید، به‌خصوص اگر بیشتر روز را نشسته هستید. به‌طور مطلوب، حداقل ۱۵۰ دقیقه فعالیت بدنی و ورزش در هفته داشته باشید.
کاهش استرس نقش حیاتی در کاهش کلسترول و بهبود سلامت قلب ایفا می‌کند. استرس مزمن می‌تواند تأثیرات منفی زیادی بر سیستم قلبی عروقی داشته باشد، از جمله افزایش سطح کلسترول LDL یا همان کلسترول بد و کاهش سطح کلسترول HDL یا همان کلسترول خوب. این تغییرات می‌توانند منجر به تجمع پلاک‌های چربی در دیواره‌های شریانی و افزایش خطر بیماری‌های قلبی و سکته مغزی شوند. علاوه بر این، استرس می‌تواند به رفتارهای ناپسند مانند پرخوری، مصرف زیاد غذاهای چرب و شیرین، و کاهش فعالیت بدنی منجر شود که همگی این عوامل می‌توانند به افزایش سطح کلسترول و چربی‌های خون کمک کنند.



بخش نهم

سلسله خاطرات میدان جهاد

عزم مجاهدان و خردشدن غرور اشغالگران

حافظ محمد داود مهاجر

دبدبۀ اشغالگران در اوج خودش بود. در هر منطقه‌ای با غرور و نُخُوّت فراوانی وارد شده و بر مجاهدان یورش می‌بردند.

چند روز پیش از اتفاق‌افتادنِ این واقعه، کاروانی از اشغالگران بر تعدادی از مجاهدان حمله نموده بعضی را شهید و بعضی را دستگیر کرده با خود برده بودند؛ غیر از چند نفر که توانسته بودند خود را از مهلکه نجات بدهند.

در آن زمان، مجاهدان بسیار ضعیف بودند و غیر از حملات مین‌کاری، عملیات استشهادی و تهاجمات پراکنده، قدرت رویارویی را نداشتند؛ عملیات‌شان بیشتر در حد پایین بود و یارای روبرو شدن با کاروان اشغالگران را نبود؛ زیرا آنها از زمین و هوا حمله می‌کردند. نیروهای زمینی‌شان در اکثر مواقع مورد حمایت کامل پشتیبانی هوایی بود؛ لذا مجاهدان کمتر جرأت حمله‌های رودررو را می‌کردند.

بعد از این واقعۀ دردناک، مجموعه‌ای از مجاهدان، با احساس و انگیزۀ خاصی، به منطقۀ مذکور (خاشرود نیمروز) اعزام شدند. امیر مجموعه اراده کرد و همۀ مجاهدان با هم عهد بستند تا این‌بار در برابر تانگ‌های اشغالگران -برخلاف روال‌های گذشته که بیشتر عملیات‌ها چریکی بود- این‌دفعه آتش جنگی رودررو را شعله‌ور سازند، تا سینۀ داغ‌دیدۀ دوستان خود را -که چندی قبل داغ‌دار شده بود- تسکین و آرامش بخشند و چنانچه الله تعالی فرموده است: وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ، صادق آید.

مجاهدان از ته قلب تصمیم گرفتند تا با تانگ‌های دشمن رودررو مقابله کنند. این تصمیم‌شان قطعی و

از روی انتقام‌گیری از اشغالگرانِ قُلدُر و گردن‌کُلفت بود.
غالبا از شهید ملا داداالله رحمه‌الله پرسیده بودند که رمز پیروزی و شجاعت‌شان در چیست. ایشان گفته بودند: هر کسی که سرش را روی کفَش گذاشت فاتح میدان است.
این مجموعه نیز با ارادهٔ کافی، به‌میدان کارزار سر سپردند و هرچه داشتند روی کفِ دست نهادند و بنابر این اقدام جسورانه و غیرتمندانه، نتیجتا فاتح برآمدند؛ آن‌هم چه فتحی! و الّله متعال نصرت‌شان نمود.

تفصیل ماجرا از این قرار است:

دوستان ما (که تعدادشان از ده‌نفر نمی‌گذشت) وارد منطقهٔ خاشرود شدند و تحرکات دشمن را زیر نظر گرفته و رصد کردند. بعد از پی‌جویی و تفحّصی دقیق متوجه شدند که دشمن در اطراف منطقه، در قسمت‌هایی از دشت، موجودیت دارد. مجاهدان بعد از شناسایی محل وجود کاروان اشغالگران، عزم خود را جزم کردند و در وسط منطقه، علنا ظاهر شدند؛ تا به‌مانند طعمه‌ای که صیاد می‌اندازد، اشغالگران را به‌سوی خود جلب کنند؛ زیرا آنها بسیار در غرور و تکبر بودند و بدون کدام واهمه‌ای بر موقعیت مجاهدان حمله می‌کردند؛ در منطقه نیز جاسوسانی خاص داشتند که تحرکات لحظه‌به‌لحظهٔ مجاهدان را، گزارش می‌دادند.
آری، عزم مجاهدان جزم شد و نصرت‌های الهی نیز فرود آمد. از همان منطقه، مجاهدانی چند از انصار (شهید عمر و همراهانش) که یک‌عدد موتر نوع تویوتا با خود داشتند با مجموعهٔ ما یک‌جا شدند. اتفاقا و به‌عون و مدد الهی، تعدادی دیگر از مجاهدان، که از قسمت‌های دورترِ منطقه، بنابر علتی به‌اینجا آمده بودند و دارای دو عراده موتر کرولا یا سراچه بودند، آن‌ها نیز پیش مجاهدان آمدند و پرسیدند: چه اراده است؟ و جواب مقابله با اشغالگران را شنیدند! آنها هم آمادهٔ جنگ شدند.

خلاصه اینکه عزم همه بر همین شد که با آنها به نبرد رودررو می‌پردازند!
کاروان دشمن، از قسمت‌های پشت رودخانه، وارد منطقه شد. مجاهدان نیز گذرگاه رودخانه را که امکان عبور دشمن را داشت، بستند و کمین گرفتند. دشمن تا اینکه به برابری گذرگاه رسید، به‌طرف رودخانه دَور نزد و همان‌جوری به رفتارش ادامه داد و به‌طرف کمین مجاهدان -چون غالبا از طرف جاسوسان خبر داده شده بودند- نزدیک نشدند؛ بلکه به طرف پایین منطقه و رودخانه حرکت کردند.
مجاهدان به گمان اینکه شاید کاروان دشمن می‌خواهد از قسمت گذرگاه پایینی، از رودخانه عبور کند؛ لذا به آن‌طرف رفتند؛ اما تعداد کمی از مجاهدان را همین‌جا گذاشتند تا نگهبان این گذرگاه باشند. بقیه مجاهدان رفتند به گذرگاه بعدی.
زمانی‌که به گذرگاه بعدی رسیدند خبر رسید که دشمن دوباره عقب‌گرد کرده و از گذرگاه اولی در حال عبور است (ضمنا اینکه؛ این تعداد از مجاهدان که نگهبان گذرگاه بودند، از لحاظ کم‌بودن اسباب و تعداد، خود را عقب کشیده بودند به طرف قلعه‌ای که در اطراف بود).
دوستان مجاهد ما از گذرگاه پایینی دوباره برگشتند به‌طرف گذرگاه اولی، تا به نصرت دوستان موجود در آنجا بشتابند؛ اما خبر نبودند که کاروان اشغالگران از گذرگاه اولی عبور کرده است)؛ ازاین جهت تعدادی از مجاهدان با موتر تویوتا، راه کنار رودخانه را گرفتند و موتر دومی نیز چون به منطقه نزدیک شد، به‌ذریعه تلفن از عبور اشغالگران خبر شد، لذا خود را به کناری زد و در محوطه‌ای نزدیک به منطقه، پیاده شدند.
بقیهٔ دوستان مجاهد ما (و منجمله امیر مجموعه) که در کرولایی بودند -بی‌خبر از تغییر حالات و تدبیر الهی- مستقیم به طرف گذرگاه اولی در حال نزدیک‌شدن بودند که ناگاه، از میان خانه‌های نزدیک به گذرگاه، پرچم اشغالگران بر روی تانگ‌ها را دیدند! تعجب

کردنـد، امیـر پرسـید: ایـن مگـر تانگ‌هـای اشـغالگران نیسـتند کـه به‌طـرف مـا در حرکت‌انـد؟ دوسـتان گفتنـد: بلـه، اشـغالگران‌اند!

فاصلـه در میـان مجاهـدان و اشـغالگران بسـیار کـم بود. شـاید کـمتر از صـد متر! در یـک راه و مسـیر، رودرروی هـم قرار داشـتند. مجاهـدان به طـرف آنها و آنهـا به‌طرف مجاهـدان در حرکـت بودنـد. امـا تفـاوت ایـن بـود کـه ایـن تعـداد از مجاهـدان، در قسـمت دشـت‌مانندی قـرار داشـتند که هیچ جای جنگ و سـنگر گرفتن را نداشـت و آنهـا در میـان قریه بودنـد؛ مجاهدان فـورا دَور زدند و امیر مجموعـه گفـت: بـه اولین محلی کـه امکان سـنگرگرفتن باشـد پیاده می‌شـویم!

در ظـرف یـک دو دقیقـه به منطقه‌ای رسـیدیم کـه دیوار و جدول‌هایـی برای آب داشـت؛ فـورا پیاده شـدیم و در پناه دیـواری کوچک از باغچه‌ای، سـنگر گرفتـه و آتش جنگ را شـعله‌ور ساختیم.

اشـغالگران نیـز به‌دنبـال مـا راه افتـاده بودنـد؛ بـه گمان اینکـه مـا داریـم فـرار می‌کنیـم و آن‌هـا دنبـال ماینـد تـا ما را بگیرنـد! امـا زمانیکـه دوسـتان مـا پیـاده شـدند و آتـش جنگـی خطرنـاک را شـعله‌ور سـاختند، آنهـا فـورا توقف کردنـد و از ایـن حرکـت مجاهـدان شـگفت‌زده شـدند. می‌خواسـتند بـه عقـب برگردنـد؛ امـا دوسـتان قبلـیِ مـا کـه بـه قلعـه پناه بـرده بودنـد، بـا رسـیدن مجاهـدانِ موتر تویوتـا، از قسـمت پشـت‌سر، شـعله‌های آتـش را بـر اشـغالگران افروختنـد! دشـمنانِ زبون‌شـده کـه حـالا در وسـط دشـتی صـاف گیـر کـرده بودنـد، چـون خواسـتند به‌طـرف غـرب منطقـه بروند، ناگهـان با آتـش آن تعداد از دوسـتان مجاهـد روبرو گشـتند کـه در وسـط راه، نزدیک بـه منطقـه، خـود را بـه طـرف راسـت کشـیده بودنـد!

خلاصـه اینکـه: از قضای الهـی، اشـغالگرانِ نگون‌بخت، در وسـط دشـتی قـرار گرفتنـد کـه نه جـای پناهی داشـت و نـه تـوان حرکـت به کـدام جهتی را داشـتند؛

امـا مجاهـدانِ جان‌برکـف، جهنمـی را بـر سـیاه‌رویانِ اشـغالگر افروختـه بودنـد کـه مملـو از خشـم و غضـب بـود. اشـغالگران که نمی‌دانسـتند با کدام طـرف بجنگند، فقـط بـه تیرانـدازی هوایـی دسـت زده بودنـد و قـادر بـه نشـانه‌گیری و هـدف قـراردادن مجاهـدان نبودنـد.

واقعـا بـا اتفاق‌افتـادن چنیـن صحنه‌هـا، آیه‌هایـی چـون: وَمَكَـرُوا مَكْـرًا وَمَكَرْنَـا مَكْـرًا وَهُـمْ لَا يَشْـعُرُونَ، در اذهـان مـا تداعی شـد.

آری، زمانیکـه مجاهـدان، از خـود همـت و جرأت نشـان دادنـد، خداونـد متعـال نیـز امدادهـای غیبی خـود را نازل کـرد؛ از قبیل:

آمدن مجاهدان بومی (انصار) با تویوتا برای کمک؛

حـاضر شـدن تعـدادی از مجاهـدان غیر بومـی به‌صورت ناخودآگاه؛

واقع شـدن دشـمنان در محـاصره‌ای که مجاهـدان با عقل خـود ترتیبـش نـداده بودنـد و بلکـه اتفاقـا چنیـن ترتیبی از قضـای الهـی درسـت شـد و مُثَلّثـی شـکل گرفـت کـه دشـمنان در میـان دشـتی صـاف واقـع گردیدنـد و نمی‌توانسـتند هیـچ دفاعـی از خـود داشـته باشـند!

بعـد از حدود نیم‌سـاعت جنگِ مسلسـل، هیلی‌کوپترهای دشـمن رسـیدند، یکـی فـورا نشسـت کـرد تـا کشـته‌ها و زخمی‌هـا را حمـل کنـد و دومـی نیز بـرای حفاظت‌شـان شروع بـه گشـت‌زنی بـر فـراز منطقـه نمـود و مجاهـدان نیـز کمـی زودتر، دسـت از جنـگ گرفته و در میـان باغی نزدیـک، خـود را مخفـی کـرده بودند.

آری، دشـمنِ زبون‌شـده، بـا تلفـات جانـی و مالـیِ بی‌سـابقه‌ای در ایـن منطقـه، مواجـه شـد و سـپس ذلیلانه از راه چهـارم کـه خالـی بـود، خـود را از منطقـه بـرای همیشـه بیـرون کشـید و دوبـاره هیـچ‌گاه، بعد از سـال‌ها، وارد منطقـهٔ خـاشرود نگردیـد.

اللـه متعـال غیـرت و همـت را دوسـت دارد و آنانـی را کـه غیرت‌منـد انـد هیـچ‌گاه تنهـا نمی‌گـذارد. همـت و اراده از مجاهـدان آغـاز شـد و خداونـد متعـال نیـز آنان را مشـمول نصرت‌هـای غیبی خـود گردانید و دبدبـهٔ کافران و مسـتبدان را بـا زوال روبـرو کـرد. يَـا أَيُّهَا الَّذِيـنَ آمَنُوا إِن تَـنصُرُوا اللـهَ يَنصُرْكُـمْ وَيُثَبِّـتْ أَقْدَامَكُمْ.

باغچه علم، معرفت و آگاهی

ارشادات ناب

تهیه کننده: عبدالله هروی



هدایات قرآنی

خداوند متعال می‌فرماید: ای مؤمنان به شعایر خدا بی‌حرمتی مکنید و نه هم به ماه حرام، نه به هدی و نه هم به (حیوانات) دارای قلاده، و نه هم به آنهایی که قصد بیت‌الحرام کرده‌اند تا فضل و خوشنودی پروردگار خود را بجویند. و هنگامیکه از (حرم و) لباس احرام بیرون شدید، شکار کرده می‌توانید. دشمنی گروهی که شما را از مسجدالحرام بازداشته‌اند، شما را بر آن ندارد که تجاوز کنید. بر نیکوکاری و پرهیزگاری (یکدیگر را) کمک کنید و در گناه و ظلم کمک ننمایید. از خدا بترسید. به تحقیق که خداوند سخت عذاب کننده است. (سوره مبارکه المائده، آیه ۲).

خداوند متعال می‌فرماید: از تو دربارهٔ جنگ کردن در ماه حرام می‌پرسند، بگو «جنگ کردن در ماه حرام (گناهی) بزرگ است، (ولی) جلوگیری از راه خدا، انکار از خدا و بازداشت از مسجد حرام و بیرون راندن اهل مسجد از آن در نزد خداوند از آنهم (گناهی) بزرگتر است، و فتنه انگیزی (یعنی شرک) حتی از قتل (هم گناه) بزرگتر است. » ایشان با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند شما را از دین شما برگردانند، و کسی از شما که از دین خود برگردد و در حال کفر بمیرد، پس اعمال چنین مردمی در دنیا و آخرت ضایع است، ایشان اهل دوزخ‌اند و در آن همیشه بسر می‌برند. به تحقیق آنهایی‌که ایمان آوردند و آنهایی‌که در راه خدا هجرت و جهاد کردند، همین‌ها امید رحمت خداوند را دارند، و خداوند بخشاینده و مهربان است. (سوره مبارکه البقره/ آیه ۱۱۷ و ۱۱۸).

خداوند متعال می‌فرماید: نزول (این) کتاب از جانب خداوند صاحب قدرت منیع (و) باحکمت (صورت گرفته) است. آسمان‌ها و زمین و آنچه را در میان آنهاست، جز به حق و (برای) مدت معینی نیافریدیم. (ولی) کافران از آنچه بیم داده می‌شوند (التفاتی نمی‌کنند و از آن) روی گردانند. بگو: «آیا معبودانی را که جز خدا نیایش می‌کنید دیده‌اید؟ چه چیز را در زمین آفریده‌اند؟ (اگر چیزی را آفریده باشند) به من نشان دهید! یا برای آنها در آسمان‌ها مشارکتی وجود دارد؟ (برای اثبات این ادعا) به من کتابی را پیش ازین (قرآن) نشان دهید یا نشانه‌ای را از علم ارائه کنید، اگر راست می‌گویید.» (سوره مبارکه الاحقاف/ آیه‌های ۲ تا ۴).

خداوند متعال می‌فرماید: (روز) واقع شدنی (یعنی قیامت). چیست آن (روز) واقع شدنی؟ و چه چیز ترا آگاه گردانید که آن (روز) واقع شدنی چیست؟ (قوم) ثمود و عاد (روزِ) کوبنده (یعنی قیامت) را تکذیب کردند. اما ثمود، به وسیلهٔ صاعقه هلاک شدند. و اما عاد، بوسیلهٔ تندبادی سرد (و) سرکش هلاک شدند. (سوره مبارکه الحاقه/ آیه‌های ۱ تا ۵).

خداوند متعال می‌فرماید: بگو: «واقعاً من (نیز) بشری هستم مثل شما، به من وحی می‌شود که خداوند شما خدای یگانه است، پس توجه خود را بگونهٔ مستقیم به او معطوف دارید، از او آمرزش بخواهید.» و وای بر مشرکان. آنانیکه زکات نمی‌دهند، و هم ایشانند که از آخرت منکرند. بی‌گمان کسانیکه ایمان آوردند و اعمال نیکو انجام دادند، برای ایشان پاداشی است بی پایان. (سوره مبارکه فصلت/ آیه‌های ٦ تا ٨)

خداوند متعال می‌فرماید: بی‌گمان خداوند گفتهٔ زنی را، که در مورد شوهر خود با تو بحث می‌کرد و به خداوند شکوه می‌نمود، شنید، و خداوند گفتگوی هر دوی شما را می‌شنید، بی‌گمان خداوند شنوا (و) بیناست. آنانی از شما که با زنان خویش ظهار می‌کنند (یعنی زن خود را مادر خویش می‌خوانند) (در واقع) ایشان مادرانشان نیستند، مادران ایشان نیستند مگر زنانی‌که ایشان‌را زاییده‌اند. و بی‌گمان ایشان سخنی ناشایسته و دروغ می‌گویند، و حقا که خداوند بخشایشگر (و) آمرزگار است. کسانیکه زنانشان‌را ظهار می‌کنند، و سپس از آنچه گفته‌اند بر می‌گردند، مکلف‌اند پیش از آنکه باهم همبستر شوند برده‌ای را آزاد سازند، (با) این حکم (کفاره) به شما اندرز داده می‌شود، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (سوره مبارکه مجادله/ آیه‌های ۱ تا ۳)

خداوند متعال می‌فرماید: او ذاتی است که شما را در رحم (مادران) هر طوریکه بخواهد تصویر می‌کند، جز او هیچ معبودی نیست، صاحب قدرت منیع و با حکمت است. او ذاتی است که بر تو کتاب را نازل گردانیده است که (قسمتی) ازین آیات «محکم» (یعنی واضح و روشن) است، اینها اساس کتاب‌اند. و (قسمت) دیگر «متشابه» است (یعنی ظاهراً واضح و روشن نیست). پس کسانیکه در دلهایشان انحرافی است برای فتنه انگیزی و بقصد تأویل قسمتی از آن را که متشابه است (بدون در نظرداشت آیات محکمی که در زمینه آمده است) پیروی می‌کنند. در حالیکه جز خدا کسی دیگر تأویل آن‌را نمی‌داند. آنانیکه در علم ثابت قدم هستند می‌گویند: «ما به این (کتاب) ایمان آوردیم، همهٔ آن از جانب پروردگار ماست. و جز دانشمندان هیچ کسی پند نمی‌گیرد (یعنی مفهوم این پیام را درک کرده نمی‌تواند). (سوره مبارکه آل‌عمران/ آیه‌های ٦ و ٧).

خداوند متعال می‌فرماید: اگر دو گروه از مسلمانان (با یکدیگر) به مقابله برخیزند، در میانشان صلح کنید. اما اگر یکی از ایشان بر دیگری تجاوز کرد، با دسته‌ای که تجاوز می‌کند مقابله نمایید، تا به حکم خدا بازگردد. چون بازگشت، پس میانشان عادلانه صلح برقرار نمایید (یعنی عدالت ورزید). بی‌گمان خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد. حقا که مؤمنان برادر یکدیگراند، پس بین برادران اصلاح نمایید، و از خدا بترسید، تا باشد که مورد رحمت قرار داده شوید. (سوره مبارکه الحجرات/ آیه‌های ۹ و ۱۰).

خداوند متعال می‌فرماید: و هرگز مگوی: «من فردا این کار را انجام می‌دهم.» مگر این که (به آن علاوه کنی) «اگر خدا بخواهد.» و چون فراموش کردی، (همین‌که به یادت آمد آن فراموشی را جبیره کن)، پروردگارت را یاد کن و بگو: «امید است مرا پروردگارم به راهی مقرون به صواب نزدیک‌تر ازین رهنمایی کند.» (سوره مبارکه کهف، آیه‌های ۲۳ و ۲۴).

خداوند متعال می‌فرماید: از تو دربارهٔ مال‌های غنیمت می‌پرسند، بگو: «مال‌های غنیمت از آنِ خدا و رسول او است. بنابرآن از خدا بترسید، روابط ذاتِ البینی خویش را اصلاح کنید، و خدا و رسول او را اطاعت نمایید، اگر ایمان دارید!» بی‌گمان مؤمنان کسانی‌اند که چون خداوند یاد شود و آیات او بر ایشان خوانده شود، دلهایشان سرشار از ترس (خدا) می‌شود، (این آیت‌ها) ایمانشان را نیرومندتر می‌سازد و بر پروردگار خود توکل می‌نمایند. (سوره مبارکه الانفال/ آیه‌های ۱ و ۲).



در گفته‌های نبوی ﷺ

پیامبر ﷺ فرمود: قطعا ارزش اعمال و کارهای انسان تنها به نیت و اهداف او بستگی دارد. (صحیح البخاری).

پیامبر ﷺ فرمود: رسالت من پیامبر را تبلیغ کنید، اگر چه یک آیه هم باشد. (صحیح البخاری).

پیامبر ﷺ فرمود: سخن نیکو، صدقه محسوب می‌شود. (صحیح البخاری).

پیامبر ﷺ فرمود: کسی که رابطه خویشاوندی را قطع کند، به بهشت وارد نمی‌شود. (صحیح البخاری).

پیامبر ﷺ فرمود: کسی که با ما تقلب و فریبکاری کند، از ما نیست. (صحیح المسلم).

پیامبر ﷺ فرمود: رهنمایی کننده به سوی خیر، همانند انجام دهنده آن عمل خیر است. (سنن ابوداود).

پیامبر ﷺ فرمود: اهل قرآن، آن‌ها اهل خدا و خواص بارگاه الهی هستند. (مسند امام احمد).

پیامبر ﷺ فرمود: قطعا خداوند به وسیله این کتاب (قرآن)، عده‌ای را بالا می‌برد و عده‌ای دیگر را پایین می‌آورد. (صحیح المسلم).

پیامبر ﷺ فرمود: هر کس سنت مرا زنده کند، به طور قطع مرا دوست داشته و کسی که با من محبت و دوستی داشته باشد، به همراه من در بهشت است. (سنن ترمذی).

پیامبر ﷺ فرمود: مومن (واقعی) از یک سوراخ دوبار گزیده نمی‌شود. (صحیح البخاری).

معلومات دینی

دین، برنامهٔ خدا و رسول برای زندگی بشر است و دین اسلام پیشرفته‌ترین دین، و فرهنگ و تمدن اسلامی پیشرفته‌ترین فرهنگ و تمدن است.

احکام و دستورات شریعت اسلام در هر زمان بهترین پاسخ‌گو برای نیازهاست.

دین اسلام برای حفظ عفت و پاک‌دامنی و برای جلوگیری از فساد، بهترین احکام را وضع کرده است.

در تعالیم اسلام رعایت تمام حقوق، از قبیل حق همسایه، حق زن و فرزند، حق خویشاوندان و... مورد تاکید قرار گرفته‌اند.

در شریعت اسلام همه انسان‌ها دارای هر اعتقاد و نظر و فکری باشند حقوق و کرامت دارند.

دین اسلام، محمد رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم، قرآن عظیم‌الشأن و توحید و معاد و نبوت واقعیت‌هایی هستند که بشر برای نجات و سعادت خویش باید آنها را درک کرده و ایمان بیاورد.

خداوند انبیاء و کتاب‌های آسمانی را فرستاده است تا ما را از وقوع قیامت مطلع سازد.

تلاوت قرآن کریم بهترین و بزرگترین ذکر است. قرآن هم هدایت است و هم نور و رحمت.

دین اسلام بالاترین و بهترین برنامه برای اصلاح و تزکیه انسان است.

نماز بالاترین عبادت جانی، و زکات و صدقات بالاترین عبادت مالی است.

محور اول تقوا، خداترسی و پرهیزگاری است. الله تعالی نجات بشریت را در تقوا و پرهیزگاری قرار داده است.

صدقه، ذخیره آخرت است و سبب برکت در روزی و پاکی گناهان می‌شود.

اسلام دین سلامتی و دین رعایت حقوق‌الله و حقوق‌الناس است.

مومن کامل کسی است که به تمام اصول اسلام پایبند باشد و به عبادت‌های مالی و جانی و اتباع پیامبر روی بیاورد و تمام شئونات را مطابق اسلام پیش ببرد.

ارزش انسان به علم و دین و تقواست.

دین اسلام دین عدالت، رأفت و رحمت است.

عمل به دستورات اسلام انسان را بزرگ کرده و او را الگوی دیگران می‌گرداند و به الله تعالی می‌رساند.

یاد الله مایه‌ی حیات و زندگی، و غفلت از یاد خدا به‌منزله مرگ است.

در بین تمام عبادات، انسان از طریق نماز بیشتر می‌تواند با خداوند ارتباط برقرار کند.

تمام احکام الهی از قبیل: نماز، روزه، زکات، تلاوت قرآن و... برای ما مایه حیات هستند.



بخش سی و یکم

پرسش‌ها و پاسخ‌های شرعی

نیابت برای حج

چه می‌فرمایند علمای دین در مسئله ذیل:
فردی‌که بر او حج فرض گشته، قبل از رفتن وفات می‌کند، ایشان وصیت هم نکرده تا کسی به نیابت از او حج کند یا فرد دیگری را به حج از طرف او بفرستند در این صورت اگر ورثه او فردی را تبرعاً با مخارج خود بدون تهیه مخارج از مال میت برای حج نیابتاً از میت بفرستند آیا حج او برای میت درست است یا خیر؟
الجواب باسم ملهم الصواب
اگر وارث میت بجای متوفای خویش حج کند، یا فرد دیگری را به حج از طرف میت بفرستد انشاء الله پذیرفته خواهد شد، چون رسول خداﷺ ادای حج را بطور مطلق به ادای دین تشبیه داده‌اند و در ادای دین اگر کسی بدون دستور مدیون وامش را پرداخت کند و طلبکار آن را اگر قبول کند وام مدیون اداء می‌گردد در مسئله حج نیز اگر بدون وصیت از طرف میت حج کند امید است‌که مورد قبول واقع گردد.
وفی البحر:
«وإن لم یوصُ فتبرع الوارث إما بالحج بنفسه أو بالإحجاج عنه رجلاً فقد قال أبوحنیفة: یجزئه إن شاء الله تعالی لحدیث الخثعمیة فإنه شبهه بدین العباد وفیه لو قضی الوارث من غیر وصیة یجزئه فکذا ...هذا وذکر الولوالجی أن قوله إن شاء الله تعالی علی القبول لا علی الجواز لأنه شبهه بقضاء الدین، ومن تبرع بقضاء دین رجل کان صاحب الدین بالخیار إن شاء قبل وإن شاء لم یقبل فکذا فی باب الحج». [البحر الرائق: ٦٩/٣].

چیزی را نقداً می‌خرد و به قیمت بالاتری نسیه می‌دهد

چه می‌فرمایند علماء کرام در این مسئله:
بنده مغازه‌ای دارم و اجناسی مانند قند، چای، ماکارونی و.....را به نقد با ١٢٠ تومان می‌خرم و اهل روستا از بنده بطور نسیه سال، به ١٥٠ تومان می‌خرند آیا این معامله از نظر شرع جایز می‌باشد یا خیر؟
الجواب باسم ملهم الصواب
معامله مذکور از نظر شرع مقدس درست است و هیچ اشکالی ندارد.
والدلیل علیه ما نقله الاستاذ القاضی محمد تقی العثمانی حفظه الله فی رسالته «البیع بالتفسیط نقلاً عن الـمبسوط للسرخسی فی الفقه الحنفی:

«أما الائمة الاربعة و جمهور الفقهاء و المحدثين فقد اجازوا البيع المؤجل بأكثرمن سعر النقد بشرط أن يبتٌ العاقدان بأنه بيع مؤجل بأجل معلوم و بثمن متفق عليه عند العقد فأما اذا قال البائع: أبيعك نقداً بكذا و نسيئة بكذا و افترقا على ذلك دون أن يتفقا على تحديد واحد من السعرين فان مثل هذا البيع لايجوز و لكن اذا عين العاقدان احد الشقين فی مجلس العقد فالبيع جائز». [بحوث فی قضايا فقهية معاصرة: ص: ٨].

نماز خواندن در مکانی که عکس وجود دارد

چه می‌فرمایند علمای دین در مسئله ذیل:

خواندن نماز در مکانی‌که در آنجا عکس وجود دارد چه طور است؟

الجواب باسم ملهم الصواب

خواندن نماز در چنین مکانی بدلیل شبهه تعظیم عکس مکروه است و کراهت نسبت به قرار گرفتن عکس در قسمت جلوی نمازگذار و پشت سر او و بالای سر با هم فرق دارد. و کراهت شدید زمانی است که عکس روبرو باشد و در درجه دوم وقتی است که عکس در طرف راست و یا چپ باشد و سپس در درجه بعدی وقتی است عکس پشت سر او باشد و اگر زیر پا باشد کراهت ندارد.

وفی الدر الـمختار:

«ولبس ثوب فيه تماثيل ذی روح، وأن يكون فوق رأْسِهِ أو بَيْنَ يديه أو بحذائه يمْنَة أَوْ يسْرَة أو محل سجوده تمثال ولو فی وسادة منصوبة لا مَفْروشة. واخْتلف فيما إذا كان التِّمثال خَلْفه، والأَظْهر الكراهة ولا يكْرِه لو كانت تحت قَدَمْيه أو محل جلوسه لأَنَّها مهانةٌ».

وفی الرد:

«قوله: «والأظهر الكراهة» لكنها فيه أيسر، لأنه لا تعظيم فيه ولا تشبه. معراج. وفی «البَحْر» قالوا: وأشدها كراهة ما يكون على القبلة أمام الـمصلی، ثم ما يكون فوق رأسه، ثم ما يكون عن يمينه ويساره على الحائط، ثم ما يكون خلفه على الحائط أو الستر اهـ.

قُلْتُ: وكأَنَّ عَدَمَ التعظيم فی التی خَلْفه وإن كانت على حائط أو ستر أن فی استدبارها استهانة لها، فيعارض ما فی تعليقها من التعظيم، بخلاف ما على بساط مفروش ولم يسجد عليها فإنَّها مستهانة من كل وجه وقد ظهر من هذا أن علة الكراهة فی الـمسائل كلها إما التعظيم أو التشبه على خلاف ما يأتی». [رد الـمحتار: ٤٧٩/١].

سرمایه‌اش فقط طلا است، زکات آن را چگونه ادا کند

چه می‌فرمایند علمای دین در مسئله ذیل:

زنی ١٥ مثقال طلا دارد که قیمت آن به دویست درهم می‌رسد لیکن بدون طلاها چیزی دیگر از قبیل پول نقد وغیره ندارد آیا بر این طلاها زکات لازم است یا خیر؟

الجواب باسم ملهم الصواب

در این طلاها زکات لازم نیست گرچه قیمت این طلاها به اندازه دویست درهم برسد زیـرا زمانکه طلاها تنها باشد قیمت آن اعتبار ندارد بلکه معتبر وزن آن است چون وزن این طلاها از بیست مثقال کم‌تراند لذا زکـات در آن واجب نمی‌باشد.

وفی الهندية:

«وكذا فی حق الوجوب يعتبر ان يبلغ وزنـهما نصاباً ولا يعتبر فيه القيمة بالاجماع، حتى لو كان له ابريق فضة وزنها مأة وخمسون وقيمتها مائتان لا تجـب فيها الزكاة كذا فی العينی شرح الكنز». [الهندية: ١٧٩/١].

ناگفته نماند که اگر این شخص غیر از ١٥ مثقال طلا چیز دیگری از قبیل پول نقد و یا نقره می‌داشت، در این صورت قیمت معتبر می‌بود پس اگر قیمت مجموع طلا و پول‌های نقد به دویست درهم می‌رسید بر آن زکات لازم بود.

وفـی النفقة الاسلامی وادلته:

«ويضم عند الجمهور (غير الشافعية) احد النقدين إلی الآخر فی تكميل النصاب فيضم الذهب إلی الفضة وبالعكس بالقيمة فمن له مائة درهم وخمسة مثاقيل قيمتها مائة عليه زكاتها لأن مقاصدهما وزكاتهما متفقة فـهما كنوعی الجنس الواحد». [الفقه الاسلامی وادلته: ٧٦٠/٢].

والله أعلم بالصواب

خدا نظر -عفا الله عنه-

دار الافتاء حوزه علميه دار العلوم زاهدان

بخش سی و سوم

تهیه و ترجمه:
صلاح الدین نیمروزی

عید فطر و سفره‌ی رنگین

در یک روز زیبا و آفتابی، در یک روستای کوچک، بچه‌ها به انتظار عید فطر نشسته بودند. همه‌ی بچه‌ها خوشحال بودند و از شب قبل، خوابشان نمی‌برد. آن‌ها می‌دانستند که عید فطر روزی است که بعد از یک ماه روزه‌داری، جشن بزرگی برپا می‌شود.

صبح روز عید، آسمان آبی و صاف بود. بچه‌ها با لباس‌های نو و رنگارنگ به مسجد رفتند تا نماز عید را بخوانند. بعد از نماز، مردم به یکدیگر تبریک می‌گفتند و بوسه و آغوش گرم به هم هدیه می‌کردند.

پس از نماز، بچه‌ها به خانه‌ها برگشتند تا سفره‌ی عید را ببینند. سفره‌ای بزرگ و رنگین در وسط حیاط پهن شده بود. روی سفره، انواع شیرینی‌ها، آجیل، میوه‌های تازه و غذاهای خوشمزه چیده شده بود. هر کس می‌توانست به دلخواه خود از این خوراکی‌ها بردارد و لذت ببرد.

اما در میان همه‌ی شادی‌ها، یکی از بچه‌ها به نام «علی» کمی ناراحت بود. او همیشه دوست داشت که در این روز خاص، هدیه‌ای برای خانواده‌اش بیاورد اما امسال پولی نداشت. او تصمیم گرفت به جای خرید هدیه، با دستان خود یک کاردستی درست کند.

علی با کاغذهای رنگی و مقداری چسب شروع به کار کرد. او قلب‌های زیبا و رنگی درست کرد و روی هر کدام یک جمله‌ی محبت‌آمیز نوشت. وقتی کارش تمام شد، قلب‌ها را در یک جعبه گذاشت و به خانه آورد.

وقتی مادرش سفره را دید، با خوشحالی گفت: «علی جان! چه سفره‌ی زیبایی!» علی هم با لبخند گفت: «مادر جان، من هم یک هدیه برای شما دارم.» و جعبه را باز کرد. مادرش با دیدن قلب‌های رنگی بسیار خوشحال شد و آن‌ها را یکی یکی خواند.

در آن لحظه، علی فهمید که بهترین هدیه‌ها همیشه چیزهای مادی نیستند. عشق و محبت می‌تواند بزرگ‌ترین هدیه باشد. آن روز، علی یاد گرفت که شادی واقعی در بخشیدن و محبت کردن به دیگران است.

پس از آن روز، عید فطر برای علی نه تنها یک جشن بلکه یادآور محبت و دوستی شد. او هر سال این روز را با دستان پر از عشق جشن می‌گرفت و همیشه سعی می‌کرد به دیگران محبت کند.

و اینگونه بود که بچه‌ها در آن روستا با هم جشن گرفتند و یاد گرفتند که عید فطر نه تنها روز جشن بلکه روز محبت و دوستی است.

شش روز شگفت‌انگیز شوال

روزی روزگاری در یک دهکده کوچک، پسری به نام محمدبسام زندگی می‌کرد. محمدبسام همیشه عاشق ماه رمضان بود و هر سال با شوق و ذوق روزه می‌گرفت. وقتی ماه رمضان به پایان رسید، او از مادرش شنید که بعد از آن، شش روز از ماه شوال نیز روزه گرفتن پاداش بزرگی دارد.

یک روز صبح، محمدبسام تصمیم گرفت که شش روز از ماه شوال را روزه بگیرد. او با خود گفت: «این کار نه تنها به من کمک می‌کند تا بیشتر از خداوند نزدیک شوم، بلکه باعث می‌شود تا احساس خوبی داشته باشم.»

محمدبسام روز اول را با نشاط آغاز کرد. او صبح زود بیدار شد و بعد از نماز صبح، به باغچه کوچک خانه‌شان رفت تا گل‌ها را آب بدهد. در حین آب دادن به گل‌ها، صدای پرندگان را شنید که درختان را پر کرده بودند و این صدای زیبا دل محمدبسام را شاد کرد.

روز دوم، محمدبسام تصمیم گرفت به دوستانش بگوید که او نیز روزه می‌گیرد. او با دوستانش بازی کرد و داستان‌های زیبایی از روزه‌داری برایشان تعریف کرد. دوستانش هم تحت تأثیر قرار گرفتند و تصمیم گرفتند که در روزهای بعدی محمدبسام را همراهی کنند.

در روز سوم، محمدبسام به فکر کمک به دیگران افتاد. او با دوستانش به خانه‌ی همسایه‌ها رفتند و به آنها کمک کردند. آنها با هم سبزی‌ها را برداشتند و غذاهایی درست کردند تا به کسانی که نیاز داشتند بدهند. این کار باعث شد تا محمدبسام احساس رضایت بیشتری کند.

روز چهارم، محمدبسام تصمیم گرفت یک دفترچه روزانه برای نوشتن احساساتش در مورد روزه‌داری تهیه کند. او هر روز صبح احساساتش را می‌نوشت و بعدازظهرها آن را با خانواده‌اش به اشتراک می‌گذاشت. این کار باعث شد تا همه خانواده با هم بیشتر صحبت کنند و از یکدیگر حمایت کنند.

در روز پنجم، محمدبسام با خانواده‌اش به مسجد رفتند و در آنجا نماز خواندند. او متوجه شد که روزه‌داری نه تنها او را به خدا نزدیک‌تر می‌کند، بلکه او را با دیگران نیز پیوند می‌دهد. در مسجد، محمدبسام با بچه‌های دیگر آشنا شد و دوستی‌های جدیدی برقرار کرد.

و در نهایت، روز ششم فرارسید. محمدبسام با احساس شادی و رضایت از اینکه شش روز را روزه گرفته بود، به خانه برگشت. او تصمیم گرفت که هر سال این شش روز را روزه بگیرد و تجربیاتش را با دیگران به اشتراک بگذارد.

محمدبسام فهمید که روزه‌داری فقط درباره گرسنگی کشیدن نیست، بلکه درباره محبت، دوستی، و کمک به دیگران است. او با دل خوش به خواب رفت و در دلش آرزو کرد که همیشه بتواند از این تجربیات استفاده کند و دیگران را نیز به انجام کارهای نیک تشویق کند.

زندگی‌نامهٔ

شهید ملا رحمت‌الله "اسد"

گل‌آقا آرمانی

تولد:

شهید ملا رحمت‌الله «اسد» ولد عبدالرحمن، ولدیت کریم‌داد، در سال ۱۳۷۳ هـ.ش، در ولایت غور، ولسوالی الله‌یار، قریهٔ گاشک علیا در یک خانوادهٔ مجاهدپرور و دین‌دوست دیده به جهان گشود.

آغاز تحصیل:

وی تعلیمات ابتدایی را در زادگاهش، نزد پدر بزرگوارش فرا گرفت، و پس از آن در سال ۱۳۸۳ هـ.ش، در نتیجهٔ تشویق پدر و مادرش، به مدرسهٔ «جری‌سرخ» نزد ملاامام آن قریه رفت، و مدت یک‌سال در آن‌جا مشغول درس بود. پس از آن در سال ۱۳۸۴ هـ.ش، به لیسهٔ «چشمه سکینه» پیوسته و در صنف اول شروع به تحصیل کرد. ایشان مدت سه‌سال در مکتب مذکور، مشغول کسب علم بود و پس از آن در سال ۱۳۸۷ هـ.ش، بنابر شوق و علاقه‌ای که به فراگیری علوم دینی داشت، در مدرسهٔ «سنگ سفید» نزد عالم فرزانه و نخبه، الحاج مولوی محمدنصیر «مهاجر» رفته، و یک‌سال در آن‌جا مصروف آموزش بود.

شهید اسد، در سال ۱۳۸۸ هـ.ش، راهی مدرسهٔ «دره آسیاب» شده و به مدت یک‌سال، نزد استاد علم و ادب؛ مولوی عبدالظاهر «انصار» به درس خویش ادامه داد. وی پس از آن، در سال ۱۳۸۹ هـ.ش، به مدرسهٔ قریهٔ «جوزری علیا» در منطقهٔ «زی‌رضا» نزد استاد فقیه و دانشمند؛ الحاج مولوی حفیظ‌الله «راجی» زانوی تلمذ زده و برخی از کتاب‌های مقدماتی علم صرف، نحو، فقه و اصول فقه را در آن‌جا فرا گرفت. سپس در سال ۱۳۹۰ هـ.ش، برای ادامهٔ درس‌های خویش، به شهر علم و دانش؛ یعنی هرات سفر کرده و در مدرسهٔ مخزن‌العلوم این ولایت، ثبت‌نام نموده و به درس و تعلیم خویش ادامه داد.

مبارزه و پیکار

دوران تعلیم شهید اسد نیز مانند سایر نوجوانان و طلاب علوم دینی، مصادف بود با حضور ائتلاف بزرگ ناتو و جهان غرب در افغانستان. در این هنگام در کشور عزیزمان، از یک‌سو آه‌ونالهٔ هم‌وطنان رنج‌دیده‌مان به گوش می‌رسید که از ظلم و ستم اشغال‌گران و مزدوران‌شان به ستوه درآمده بودند، و از سوی دیگر نعره‌های تکبیر مجاهدین در سنگرهای داغ جهاد علیه اشغال‌گران و مزدوران‌شان، چنان در کوه و صحرای این سرزمین طنین‌انداز بود که شور و شوق جهاد را در دل هر افغان زنده کرده و

احساسات دینی و جهادی‌شان را برمی‌انگیخت.
عشق و علاقهٔ خیلی زیاد ملا رحمت‌الله به جهاد و سنگر، وی را از اتاق گرم و بالین نرم مدرسه، به میدان جنگ و نبردهای خونین جهاد کشاندی؛ جایی که بهترین غذا نان خشک و نرم‌ترین بالین، خاک سنگر بود، و شهید اسد در اواخر سال ۱۳۹۰ هـ.ش، فعالیت‌های جهادی خویش را به همراه شهید حاجی غنی‌شاه «صابر» آغاز کرد.
وی در سال ۱۳۹۱ هـ.ش، همراه با ملا بسم‌الله «سالم»، شیخ ملا محمداعظم «اسامه»، شهید ملا محمدنادر «زرقاوی» و شهید ملا محمود «صابر»، حملات چریکی خویش را بر پوسته‌های مرواه و زمان‌آباد ولسوالی پشتون زرغون و دیگر ولسوالی‌های ولایت هرات، تحت فرماندهی شهید حاجی غنی‌شاه «صابر» انجام می‌داد. پس از شهادت شهید «صابر» فرماندهی جهاد به دوش محمدآصف‌خان مشهور »راشد« افتاد.
وی در سال ۱۳۹۲ هـ.ش، پس از شهادت شهید «راشد» عملیات جهادی خویش را همراه با شهید حاجی نبی‌جان «مخلص»، مولوی زبیر حنیفی، حاجی احمد «ثابت» و حاجی عبدالآخر «معتصم‌بالله» آغاز کرده و مشغول به فعالیت شد.
ملا رحمت‌الله در سال ۱۳۹۳ هـ.ش، جهت تعلیمات مسلکی، راهی مرکز تعلیمات نظامی شده، و بخش اسلحهٔ سنگین را توسط استاد ممتاز، مشهور به «خطاب افغان» -که فعلا معاون کشف عمومی وزارت دفاع ملی می‌باشد- تعلیم یافت.
وی بخش حرکات نظامی و استخبارات را از شهید مولوی «خادم»، بخش اسلحهٔ سبک را توسط مولوی «فاروقی» و بخش عقیده، ترجمهٔ قرآن کریم و لایحهٔ وظایف را از عالم بزرگ، ابوالحکمت، مفتی عبدالغفار غوری، تعلیم یافت.
وی بعد از فراغت دورهٔ تعلیمی، با درجهٔ ممتاز از معسکر فارغ گشته و خود استاد معسکر قرار گرفت و چندین معسکر انجام داد، حتی یک دورهٔ معسکر خود را در ولسوالی شیندند ولایت هرات به نام «معسکر خالدبن‌ولید» نام‌گذاری کرد. وی در سایه‌سار معسکرها، رساله‌هایی را دست‌نویس که در دوره‌های تعلیمات مجاهدین در معسکرهای جهادی، تدریس می‌شدند.

شهید اسد در سال ۱۳۹۳ هـ.ش، در مدرسهٔ آب‌پودهٔ منطقهٔ «زی‌رضا» نزد مولوی محمود «احمدی» آمده و مصمم بود که در کنار فراگیری علم، مسئولیت‌های جهادی خود را نیز انجام دهد. در این اثنا شهید ملا رحمت‌الله با یک دوست دیگر به نام ملا شیرمحمد «متقی» از قریهٔ «بی‌بی‌یان» ولسوالی «دولینه» ولایت غور، همراه شده و فعالیت‌های جهادی خویش را مشترکا انجام می‌دادند، تا این‌که برای جابه‌جاکردن سریع و بهتر ماین‌ها، با موترسایکل راه افتادند، ولی از قضای الهی، همین ماین، سبب شهادت شیرمحمد «متقی» شد.
اسد پس از شهادت دوست عزیزش «متقی» خیلی اندوهگین شد و در همین حال، تحت تعقیب نیروهای ادارهٔ اجیر منطقهٔ «زی‌رضا» قرار گرفت. وی با این‌که رفیق نازدانهٔ خود را از دست داده و قلبا محزون بود، منطقهٔ «زی‌رضا» را ترک کرده و با یک دنیا امید، وارد سرزمین خود «الله‌یار» شد.
وی باری در مسجد جامع شهرنو ولسوالی «الله‌یار» فضایل جهاد و شهادت را برای مردم بیان می‌کرد که بازهم توسط برخی‌ها مورد تهدید شده و تحت پی‌گرد نیروهای پوستهٔ ادارهٔ اجیر شهرنو ولسوالی «الله‌یار» قرار گرفت. شهید اسد با وجود این‌که پسر نازدانه و دوست‌داشتنی والدین خود بود، به‌خاطر خطرات امنیتی نتوانست از آغوش گرم والدین و برادران خود به درستی لذت ببرد.
شهید ملا رحمت‌الله در سال ۱۳۹۴ هـ.ش، به قریهٔ رضوان ولسوالی تولک ولایت غور رفته و نزد الحاج مولوی فضل‌احمد «خاموش» به دروس خود ادامه داد، و در آن‌جا به همراه دیگر مجاهدین، حملات چریکی و جهادی خویش را علیه پوسته‌های مهم ولسوالی پشتون زرغون ولایت هرات، آغاز کرد.
شهید اسد در سال ۱۳۹۵ هـ.ش، از طرف امیران و مسئولین ولایت هرات، در مرکز تعلیمی مجاهدین، به عنوان استاد معسکر معرفی گشته و به‌حیث استاد سپورت و اسلحهٔ سنگین، مشغول به فعالیت شد. وی در این دوره، ۱۲۱ نفر از مجاهدین را از ولایات مختلف تعلیم می‌داد، که شاگردانش بعد از دورهٔ تعلیمی، دوباره همراه بزرگان خویش، در ولسوالی‌های تولک و ساغر ولایت غور، پشتون زرغون، اوبه و شیندند ولایت هرات، مشغول به

فعالیت جهادی علیه اشغال‌گران شدند.
شهید اسد در این وقت همراه بهترین هم‌سنگران خود؛ شهید ملا جمال‌الدین «جابر»، شهید ملا محمد «حکیم‌الله»، شهید غلام‌فاروق «لبیب» و شهید ملا کامل «سهیل» پلان‌های جهادی را طبق مهارت‌های خود طرح‌ریزی می‌کردند.
امراء و مسئولین به ایشان حسن نیت کامل داشتند، بنابراین امراء هر موقع تصمیم می‌گرفتند بر یکی از قرارگاه‌های دشمن عملیاتی انجام دهند، این‌ها در زودترین فرصت در صحنهٔ جنگ حاضر می‌شدند. استاد حمزه در مورد شهید اسد می‌گوید: «بنده در اوایل با امراء شناخت چندانی نداشتم؛ ولی شهید ملا رحمت‌الله نظر به این‌که سابقهٔ جهادی وی از من بیشتر بود، بسیاری از آن‌ها را می‌شناخت و بنده نیز توسط شهید اسد با امراء معرفی شدم. از جملهٔ مجاهدین مشهوری که شهید ملا رحمت‌الله با در کمربندهای جهادی با ایشان سپری کرد، شهید حاجی غنی‌شاه «صابر»، شهید محمدآصف‌خان «راشد»، شهید کاکا نبی‌جان «مخلص»، حاجی احمد «ثابت» و حاجی زبیر «حنیفی» بودند، که فعالیت‌های چشم‌گیری را انجام می‌دادند.
در سال ۱۳۹٦ هـ.ش، شهید ملا رحمت‌الله همراه با دیگر مجاهدین، تحت فرماندهی عبدالرحمن «خالد»، مشغول فعالیت‌های جهادی بر پوسته‌های «سید ولی» ولسوالی چشت ولایت هرات بود، و در عملیات ولسوالِی شهرک، تولک، تیوره، و ولسوالی «اللهیار» ولایت غَور، نیز فعالیت داشت. شهید اسد در این وقت مسئول خریداری اسلحه و مهمات بود. وی بنابر نفوذی که داشت، از هرجایی می‌توانست اسلحه و مهمات فراهم کند. وی با وجود این‌که تازه به سن جوانی رسیده بود، از شهامت و شجاعت بی‌نظیری برخوردار بود و در میدان جهاد، دوشادوش مجاهدین می‌رزمید.

شجاعت و مردانگی

شهید ملا رحمت‌الله در کمین‌های هدف‌مند دشمن، یک فرد چست، چالاک و چریک جسور و بی‌باک بود، به گونه‌ای که هیچ خطری مانع رسیدنش به هدف نمی‌شد. وی علاوه بر شجاعت و غیرتی که خداوند متعال به وی ارزانی داشته بود، از ذهن و استعداد فوق‌العاده‌ای برخوردار بود.

اخلاق حسنه

ملا رحمت‌الله جوانی پرهیزگار، صبور، با اخلاق، نترد و حسین بود. وی همیشه مردم را به سوی جهاد و مبارزه در برابر اشغال‌گران و مزدوران دست‌نشانده‌ٔشان، دعوت می‌داد.

حملهٔ تنهایی بر پوستهٔ دشمن

شهید اسد در یکی از روزها از ولسوالی چشت ولایت هرات، از امرای خویش رخصت گرفته و عازم ولسوالی «اللهیار» شده. وقتی که به منطقهٔ شهرنو ولسوالی «اللهیار» رسیده، تمام اطراف پوستهٔ ادارهٔ اجیر را که در آن‌جا قرار داشته، مورد دقت و ارزیابی قرار داده، و تصمیم گرفته است تا بر پوسته عملیات چریکی انجام دهد.
از آن‌جایی که شهید اسد در این وقت، با خود سلاحی نداشته، با یکی از دوستان صمیمی خود به نام عبدالقدیر «لیاقت» تماس گرفته و کلاشینکوف وی را می‌گیرد و می‌گوید: «بنده امشب بالای پوسته می‌روم». رفیقش نیز می‌گوید: «بسیار نظر خوبی‌ست. من نیز می‌روم». ولی ملا رحمت‌الله به رفیق خود اجازه نداده و به وی می‌گوید: «اگر تا ساعت ۷:۰۰ شب برایت زنگ نزدم، بدان که شهیده شده‌ام. به این اربکی‌های خبیث اجازه ندهید که جنازهٔ من را با خود به فیروزکوه (مرکز غور) ببرند.
بالآخره شب فرا می‌رسد و ملا رحمت‌الله با موترسایکل خود به صورت پنهانی خودش را به دروازهٔ پوسته می‌رساند و ساعت ۹:۰۰ شب، فعالیت خود را علیه پهره‌دار پوسته، آغاز می‌کند. وی از پیش پهره‌دار، یک میل کلاشینکوف و یک قبضه راکت، غنیمت گرفته و وارد جنگ می‌شود. افراد پوسته، بر شهید «اسد» تیراندازی را شروع می‌کنند و حامیان محلی پوسته نیز از هر طرف جمع شده و شروع می‌کنند به جنگ.
در این لحظه پای ملا رحمت‌الله زخمی شده و عقب‌نشینی می‌کند و بعد از چند ساعت با دوست خود «لیاقت» تماس گرفته و می‌گوید: «الحمدلله من خوب هستم». شهید اسد، شب را در کوه سپری کرده و فردای آن روز، همان دوستش وی را با موترسایکل انتقال می‌دهد. بنابراین شهید اسد، بعد از یک شبانه‌روز دوباره همراه با کلاشینکوف و راکت غنیمت‌شده، به ولسوالی چشت ولایت هرات می‌رود.

شهادت و وداع

در سال ۱۳۹۷ هـ.ش، شهید اسد و دیگر مجاهدین، به رهبری عبدالرحمن «خالد» بر یکی از قرارگاه‌های اربکی‌ها «سید ولی» عملیات را آغاز می‌کنند. در این عملیات دوتن از مجاهدین به نام‌های وحدت و قدرت شهید شده و ملا رحمت‌الله هردوی‌شان را با یک موترسایکل به بازار دره تخت انتقال می‌دهد. قدرت و اسد همیشه، بر یک موترسایکل سوار بودند، و وقتی که قدرت شهید می‌شود، اسد می‌گوید: «همراه پشت‌سری من شهید شده، من نیز به زودی شهید می‌شوم. ان‌شاءالله».

استاد حمزه می‌گوید: هنوز یک هفته از شهادت قدرت نگذشته بود که در قریهٔ ششوی ولسوالی چشت، بر یکی از قرارگاه‌های مهم اربکی‌های سید ولی، عملیات آغاز شد. در این عملیات نیز رهبری جنگ به عهدهٔ عبدالرحمن «خالد» بود. وی چند نفر از مجاهدین را بر یکی از سنگرهای مهم دفاعی اربکی‌ها گماشت، که ملا رحمت‌الله، استاد حمزه، مولوی عبدالستار «نصرت»، ملا خلیل «حنظله»، ملا زرغون «توکلی»، مولوی عبدالاحد «طلحه»، ملا محمدنوید و حق‌دوست از جمله آنان بودند.

ساعت ۱:۰۰ بعد از ظهر، جنگ کم‌کم شدت گرفت و مجاهدین به سنگر نزدیک شدند، و فاصلهٔ میان مجاهدین و دشمن به ۳۰ الی ۴۰ متر رسید. در این اثنا باران شروع به باریدن کرد و لباس و اسلحهٔ مجاهدین خیس شدند.

ساعت ۵:۰۰ شده بود و امیرمان از طریق مخابره، دستور داد که هیچ مجاهدی حق پیش‌روی بیشتر را ندارد؛ چون هم روز روشن بود و هم موقعیت دشمن بهتر از ما بود.

تا این لحظه همهٔ مجاهدین یک‌جا بودیم و جای‌مان نیز امن بود. چند دقیقه‌ای جنگ خاموش شد، تا این‌که صدای کفرشکن و نعرهٔ تکبیر ملا رحمت‌الله بلند شد و گفت: «زیبندهٔ‌مان نیست وقتی این‌قدر به دشمن نزدیک شده‌ایم، حمله نکنیم!». بنابراین جنگ دوباره شروع شد، و در این لحظه یکی از مجاهدین به نام «حق‌دوست» شهید شد.

ملا رحمت‌الله تا حدی خود را به دشمن رساند که فاصلهٔ میان‌شان، بیشتر از ۳ الی ۴ متر نبود و میان‌شان فقط یک سنگ قرار داشت. سرانجام مرمی دشمن به وی اصابت کرد، و سرانجام ملا رحمت‌الله «اسد» که بی‌نهایت شوق شهادت داشت، در روز پنج‌شنبه، در تاریخ ۲۱/۱/۱۳۹۷ هـ.ش، جان شیرینش را به جان‌آفرین تقدیم کرد.

در همان لحظه چندتن از اربکی‌ها نیز کشته شدند و دشمن پا به فرار گذاشت و سنگر دشمن با اولین قطرهٔ خون شهداء فتح شد. با فتح این سنگر، سربازان چندین سنگر دیگر نیز فرار کردند. بعد از پایان جنگ، مجاهدین جنازهٔ شهید ملا رحمت‌الله را، با یک شتر تا بند سلما انتقال دادند. شب را در همان‌جا سپری کردند و خبر شهادت شیرمرد قهرمان به خانواده و دوستان وی رسید.

مجاهدین ولسوالی اللهیار؛ ملا بسم‌الله «سالم»، شیخ ملا محمداعظم «اسامه»، ملا خالد «جنتی»، عبدالکبیر «ولید»، مولوی محمد رحیم «خبیب» و عبدالقدیر «لیاقت» جهت انتقال جنازهٔ شهید ملا رحمت‌الله رفتند. از آن‌جایی که راه موتر و موترسایکل نبود، جنازه نازنین شهید «اسد» را تعدادی از مجاهدین از بند سلما تا جایی که امکان آمدن موتر بود، انتقال دادند، و جنازهٔ شهید ملا رحمت‌الله بعد از دوشبانه‌روز در قریهٔ گاشک علیا، در زادگاهش به خاک سپرده شد.

شهید ملا رحمت‌الله «اسد» همیشه به علماء و مجاهدین می‌گفت: «علما و مجاهدین عزیز!، اگر ما و شما و طلاب مدارس، کینه، بغض و عداوت‌های ذات‌البینی را از قلب‌های مردم دور نکنیم و یا این‌که در راه الله شهید نشویم، مردم عوام در مقابل این غلامان حلقه‌به‌گوش، دست به جنگ و جهاد نخواهند زد».

بنابراین پس از خاک‌سپاری جنازهٔ شهید ملا رحمت‌الله «اسد» تمام مردم قریه‌های ولسوالی «اللهیار» اعم از علما، مجاهدین، ریش‌سفیدان، افراد خورد و بزرگ، کینه، بغض و عداوت‌های ذات‌البینی را از میان برداشته، تصمیم گرفتند تا پوسته‌های امنیتی و سربازان دولت‌اجیر را از ولسوالی «اللهیار» و دیگر ولسوالی‌های هم‌جوار آن، و از تمام خاک پاک کشور عزیزمان افغانستان بیرون نمایند. الحمدلله در زودترین فرصت پوسته‌های امنیتی ولسوالی «اللهیار» فتح گردید.

بعد از شهادت شیرمرد قهرمان، شهید ملا رحمت‌الله «اسد» برادر وی؛ ملا محمدیوسف «سعادت» پا در مسیرش گذاشته و سلاح‌به‌دست راهی مبارزه و پیکار شد.

بزم شعر و ادب

یار نامرد

من از جور و جفای آشنا بسیار می‌ترسم ‌‌‌‌ ‌ز لبخندِ دروغِ آدم مکار می‌ترسم
نمی‌ترسم من از دشمن، ولو بر دار آویزد ‌ ولی، از یار نامردِ خیانت‌کار می‌ترسم
همه ترسند از مارانِ زهراگین و اما، من ‌ ز نیشِ استخوان‌سوزِ فریب یار می‌ترسم
هراس دیگران از گرگ‌های کوه و صحرا شد ‌ من از گرگِ دوپای دونِ دل‌مردار می‌ترسم
ازان روزی‌که یوسف‌گونه افتادم به قعر چاه ‌ از این گرگانِ غدارِ برادرخوار می‌ترسم

عبدالله حامد تاتار

درباره فضیلت علم

علم باطن هم چو مسکه ‌ کی بود بی شیر مسکه
علم ظاهر هم چو شیر ‌ کی بود بی‌پیر، پیر
علم را آموز اول، آخر اینجا بیـ ‌ جاهلان را پیش حضرت حق تعالی نیست جـ
گر علم خوانند مردمی بکنند عاریت اندکی ‌ باشد زخاصان نزد حق و ز عابدان نزدیکتر
علم باید علم کامل تا بیابد راه را ‌ پیر باید پیر واصل تا نماید شاه را
علم حق نوری‌ست روشن پیش او انوار نیست ‌ بی چراغ علم هرگز پیش باری بار نیست
علم مطلق در دو عالم نکته است ‌ عارفان را کار جز این کار نیست

سیدیوسف حسینی

حکایت حاتم طائی و صفت جوانمردی او

شنیدم در ایام حاتم که بود   به خیل اندرش بادپایی چو دود
صبا سرعتي، رعد بانگ ادهمی   که بر برق پیشی گرفتی همی
به تگ ژاله مي ریخت بر کوه و دشت   تو گفتی مگر ابر نیسان گذشت
یکی سیل رفتار هامون نورد   که باد از پیش باز ماندی چو گرد
ز اوصاف حاتم به هر بر و بوم   بگفتند برخی به سلطان روم
که همتای او در کرم مرد نیست   چو اسبش به جولان و ناورد نیست
بیابان نوردی چو کشتی برآب   که بالای سیرش نپرد عقاب
به دستور دانا چنین گفت شاه   که دعوی خجالت بود بی گواه
من از حاتم آن اسب تازی نهاد   بخواهم، گر او مکرمت کرد و داد
بدانم که در وی شکوه مهی است   وگر رد کند بانگ طبل تهی است
رسولی هنرمند عالم به طی   روان کرد و ده مرد همراه وی
زمین مرده و ابر گریان بر او   صبا کرده بار دگر جان در او
به منزلگه حاتم آمد فرود   بر آسود چون تشنه بر زنده رود
سماطی بیفگند و اسبی بکشت   به دامن شکر دادشان زر بمشت
شب آن جا ببودند و روز دگر   بگفت آنچه دانست صاحب خبر
همی گفت و حاتم پریشان چو مست   به دندان ز حسرت همی کند دست
که ای بهره ور موبد نیک نام   چرا پیش از اینم نگفتی پیام؟
من آن باد رفتار دلدل شتاب   ز بهر شما دوش کردم کباب
که دانستم از هول باران و سیل   نشاید شدن در چراگاه خیل
به نوعی دگر روی و راهم نبود   جز او بر در بارگاهم نبود
مروت ندیدم در آیین خویش   که مهمان بخسبد دل از فاقه ریش
مرا نام باید در اقلیم فاش   دگر مرکب نامور گو مباش
کسان را درم داد و تشریف و اسب   طبیعی است اخلاق نیکو نه کسب
خبر شد به روم از جوانمرد طی   هزار آفرین گفت بر طبع وی
ز حاتم بدین نکته راضی مشو   از این خوب تر ماجرایی شنو

سعدی

The Dome of Tuman Agha

By: Mohammad Sadiq Mir

Khosan District is one of the historic districts of Herat Province, located to the west of Herat city. Islam Qala, one of the most well-known border crossings between Afghanistan and Iran, is part of this district. The distance from Herat city to the center of Khoswa is 116 kilometers, and the Hari Rud River flows through the center of this district. Khosan has been known by several names, including Koso, Koswa, Kusan, Khosan, and Koson. This district is home to many significant historical landmarks, some of which are highlighted as follows:

The Dome of Koswa, also known as the Dome of Tuman Agha, bears resemblance to the Dome of Maleka Goharshad Begum in Herat city. It consists of a school, mosque, and tomb, all constructed by the aforementioned lady. Additionally, a caravanserai (rabat) built by her also exists in the area.

How Vegetables Contribute to Lowering Cholesterol

Prepared by: Abdullah Heravi

In an era where humanity faces a wide array of viruses and microorganisms, it is increasingly important to prioritize our health and work towards strengthening our immune system.

How can this be easily achieved? One of the key methods to enhance health is through proper nutrition and cholesterol management, with consuming vegetables being one of the most straightforward ways to control cholesterol levels.

Vegetables play a critical role in reducing cholesterol and improving heart health. These foods, rich in fiber, antioxidants, and other essential nutrients, can have a direct positive impact on blood cholesterol levels and help reduce the risk of cardiovascular diseases.

The Series of Memories from the Battlefield / Part 9

Mohammad Dawood Muhajer

The Resolve of the Mujahideen and the Shattering of the Occupiers' Arrogance

At the height of their arrogance, the occupiers entered every region with immense pride and overwhelming force, launching aggressive assaults on the Mujahideen.

A few days prior to this incident, a convoy of occupiers attacked a group of Mujahideen, martyred some, and took others captive, while only a few managed to escape the peril.

At that time, the Mujahideen were significantly weakened and, apart from mine attacks, martyrdom operations, and sporadic engagements, they lacked the strength for direct confrontation. Their operations were primarily at a lower scale, and they lacked the capacity to face the occupying convoys directly, as the occupiers launched attacks from both land and air. The occupiers› ground forces were often fully supported by air cover, making direct confrontations by the Mujahideen extremely rare.

Following this tragic event, a group of Mujahideen, fueled by a renewed sense of purpose and determination, were dispatched to the region in question (Khashrod, Nimroz).

An Analytical Overview of the Barriers to Youth Marriage in Afghanistan

By: Professor Mohammad Javad Forotan

Marriage is one of the most significant milestones in both personal and social life, fulfilling natural and inherent needs, and serving as the sole means of forming a healthy and cohesive family. Within such families, physical and psychological well-being, as well as chastity and purity, are realized. Unfortunately, under the current circumstances, the majority of the youth in Afghanistan are deprived of the opportunity to form families. The issue of marriage in Afghanistan is fraught with numerous challenges and obstacles, and in this article, we will analyze some of the most prominent issues and barriers hindering youth marriage. The primary challenges and factors that currently impede marriage among the youth in Afghanistan include the high demands for dowries, the exorbitant costs associated with engagements, weddings, and expensive dowries. These factors have led many young people to turn away from marriage, thus creating fertile ground for various social and moral issues.

The Adverse Effects of Video Games on the Younger Generation

By: Ahmadullah Jalali

In recent decades, video games have undergone a profound transformation. Technological advancements, high-speed internet, and virtual reality have created an environment where video games have become a global phenomenon. Among children and adolescents, these games have gained popularity due to their visual appeal, interactive gameplay, and challenging content. However, since children and teenagers are at a critical stage of cognitive, physical, and social development, excessive and unsupervised engagement with these games can lead to significant issues. In the following, we will explore the various dimensions of this concern.

Physical Effects

Vision Problems: Extended screen time can result in vision-related issues such as dry eyes, eye fatigue, and, in more severe cases, even reduced eyesight. Numerous studies have shown that the blue light emitted by screens can damage retinal cells and contribute to premature aging of the eyes. This issue is particularly concerning for children and adolescents who are in the process of growth and development.

The Impact of Decision-Making on Employee Performance

By: Professor Jamshed Aslan

Summary: In today's complex world, decision-making is a fundamental pillar of successful management in any organization. The direct and indirect effects of managerial decisions on employee performance have garnered significant attention from researchers and managers alike. This paper explores the various aspects of decision-making across different organizational levels and its impact on employee productivity, motivation, job satisfaction, and organizational commitment. Decision-making is a key determinant of employee performance within an organization. Managerial decisions play a critical role in shaping the level of motivation, job satisfaction, and organizational productivity. This paper delves into the decision-making process and its influence on employee performance, with a focus on the psychological and organizational factors that affect this relationship. Drawing on an analysis of existing literature, the paper concludes that transparency, participation in decision-making, and organizational justice enhance employee performance, whereas unjust or ambiguous decisions can lead to reduced productivity and higher employee turnover rates.

Keywords: Decision-making, employee performance, job satisfaction, managerial effectiveness.

The Path to Resolving Disputes and Reducing Tensions in Religious Understanding

By: Dr. Faqihi Heravi

A post on social media recently stated: "Our understanding of religious texts is based on presuppositions that are naturally influenced by our cultural environment, especially when our educational system is weak and we lack specialized religious knowledge." The content of this statement reflects the reality of our times, and such circumstances are readily observable both in our country and in many other parts of the world. It must also be added that sometimes, even specialized knowledge and studies, when mixed with philosophical doubts and speculative ambiguities, can be far more dangerous and harmful than the lack of expertise. Deviant theological and philosophical groups have often emerged from this so-called specialized knowledge, but with deviations and distortions arising from a blend of Islamic teachings and Greek philosophy.

On the other hand, the academic environments of other countries have had a significant impact on the educated class from our country, many of whom studied abroad. These individuals have been influenced—both positively and negatively—by the figures and works of these academic institutions. These positive and negative influences have, at times, created intense and turbulent conditions in the academic circles of our own country, as well as in virtual spaces, resulting in significant harm to the broader Muslim community.

Work-Life Balance: The Key to Sustainable Success

By: Sayed Sadeq Gilani

In today's fast-paced world, many individuals find themselves navigating the delicate balance between their professional obligations and personal lives. Often, we become so absorbed in our work responsibilities that we lose sight of the present moment—those very moments of life that quietly pass us by. However, there is a solution: balance. Achieving work-life balance is the art of leading a life imbued with purpose and meaning.

Work-life balance refers to the ability to effectively manage one's time, energy, and attention between professional duties and personal needs. When this balance is not maintained, the consequences can include professional burnout, diminished motivation, strained familial relationships, and a decline in mental well-being.

Why is Work-Life Balance Critical?

Who is the True Culprit? Them or Us?

By: Sebhgatullah Waseel/ Translator: Mustafa Tavakkoli

The oppressed, downtrodden, and displaced people of Palestine have endured—and continue to endure—the arduous and challenging journey toward their liberation and independence.

The numerous sufferings, trials, and hardships brought about by war demand resilience, patience, and fortitude to overcome the threats and challenges that loom over us. In the face of these obstacles, we must strive to take actions that lead the soul toward tranquility and peace.

This requires us to exhibit patience and perseverance. Especially for those who bear the banner of resistance and struggle, they are continually exposed to immense pressure and the relentless hardships that accompany their cause.

In the modern era, the concepts of self-sufficiency and the support of local agricultural production have become central to national economic and social discourse. Around the world, countries are seeking economic independence and reduced reliance on imports. In doing so, they actively promote and invest in local industries and agriculture. The rationale for this approach is multifaceted, and several key reasons will be outlined here.

Qisas: A Pillar of Human Rights in Islamic Law

By: Mufti Habibullah Karimi

Qisas (retributive justice) is a fundamental and indispensable principle in the Islamic legal framework. Rooted in justice, deterrence, and the preservation of human dignity, it plays a vital role in maintaining social order. Contrary to common misconceptions, qisas is not in conflict with human rights; rather, within the framework of Islamic Sharia, it is a mechanism that safeguards and upholds fundamental human rights—especially the right to life.

Trump's Proposal: More Absurd Than Boiling the Atlantic Ocean

Author: Adham Sharqavi/ Translator: Mustafa Tavakkoli

There is an insightful Turkish proverb that states: "If a clown enters a king's palace, he does not become a king—the palace becomes a circus." With that in mind, welcome to what the White House has become.
The Arabs also have a famous saying: "He who speaks outside his area of expertise produces absurdities." In other words, venturing beyond one's knowledge often leads to public embarrassment.
Let us not forget that during his first term in office, Donald Trump proposed a remedy for COVID-19 that involved injecting bleach and disinfectants such as Dettol directly into the bloodstream—rather than using conventional medicine. Once again, welcome to the spectacle that is the White House.
Trump's level of ignorance has reached such heights that even many Americans have acknowledged it. He is widely regarded as lacking in judgment, and a columnist for Awareness Daily once quipped: "A day when Trump doesn't say something foolish is a day when fuel is free."
So, welcome to this surreal marketplace of irrationality—one that is without precedent.

Identifying the Key Factors Influencing the Improvement of Kabul's Public Transportation System

By: Prof. Jamshed Aslan---Part II

Human Factors

In contemporary transport and traffic safety research, human behavior is widely acknowledged as the most critical contributor to traffic accidents. Studies indicate that approximately 90% of traffic incidents are directly linked to driver behavior.
According to the findings, serious accidents could be reduced by up to 19% if individuals refrain from driving under the following conditions:

- When experiencing fatigue or drowsiness;
- Without formal driver education and training;
- Under the influence of alcohol or tobacco;
- After sleeping less than five hours in the previous 24 hours;
- Between the hours of 2:00 a.m. and 5:00 a.m.

Given the substantial role of human behavior in traffic-related incidents, most contemporary studies and strategic planning efforts now prioritize the human element. Research consistently identifies people—not vehicles or infrastructure—as the primary factor in accident causation.

Opening Statement
IEA's Relations with the International Community Are Based on Mutual Respect and Continue to Expand

Foreign policy and international relations represent some of the most critical components of a nation's overall governance. Shaped by national interests, international priorities, and rooted in the core values of each country, these policies play a pivotal role in shaping a state's global engagement.
In today's interconnected world, the importance of diplomatic relations among nations cannot be overstated. Governments, through institutions such as Ministries of Foreign Affairs, endeavor to foster and maintain these relationships in accordance with both domestic laws and international norms.
Recognizing the significance of these dynamics, the Islamic Emirate of Afghanistan has adopted a foreign policy strategy grounded in mutual respect and the preservation of national values. This approach aims to establish and strengthen constructive engagement with countries around the world.
This policy direction has yielded tangible results. The Afghan people are witnessing a steady expansion in their country's international relations. A notable example occurred on April 17, 2025, when the Russian Federation, in a landmark decision by its Supreme Court, officially removed the Islamic Emirate of Afghanistan from its list of prohibited organizations. This decision, formally announced on the same date, clearly reflects the effectiveness of the Islamic Emirate's foreign policy and diplomatic efforts—policies that have facilitated such recognition from the Russian government.

The success of the Islamic Emirate in balancing the powers of East and West

By: Shafeeqa Amiri

Afghanistan has always been a focal point for global powers due to its strategic location and rich natural resources. After the return of the Islamic Emirate to power in August 2021, Afghanistan once again became the center of international attention. Initially, this government faced serious and negative reactions from the West and cautious welcome from the East. Now, four years have passed since this government took charge, and it can be said that in the last two years, this government has been able to take advantage of the vacuum created by global competition in Afghanistan and establish a sort of balance in its foreign relations between East and West. Although these efforts have been difficult amid political, economic, and security challenges, the Islamic Emirate has, contrary to expectations, managed to adapt well to this process. Afghanistan is located in the heart of Asia, adjacent to important countries such as China, Russia, and Iran. This geopolitical position has turned Afghanistan into a crossroads of conflicting interests of the East and West. Nevertheless, during the last two years of governance, despite the numerous challenges faced by the Islamic Emirate, it has been able to establish a smart balance between the powers of East and West by understanding regional and global sensitivities and exploiting existing gaps.

Supporting Domestic Production During Harvest Season Is a National Responsibility

By: Abdullah Heravi

With the onset of spring, the agricultural harvest season has begun, and our dedicated farmers are now gathering the fruits of their labor. These crops are the result of months of tireless effort, and farmers rightfully hope to meet their essential needs by selling their produce. Achieving this, however, depends on our collective commitment to supporting them through the use of domestic products. Farmers form the backbone of our national economy, and their success sustains broader economic stability.
Why, then, is it essential to prioritize agricultural and domestic products? This question warrants thoughtful consideration.

روابط افغانستان و قزاقستان؛ فرصت‌های تازه و چشم‌انداز روشن

روابط میان افغانستان و قزاقستان اخیراً وارد مرحله‌ای نوین شده است؛ مرحله‌ای که بر مبنای واقع گرایی، منافع مشترک، و گسترش روابط اقتصادی و سیاسی استوار است و نشان‌دهندهٔ جدیت دو طرف در ایجاد و تقویت این روابط می‌باشد.

در سه سال اخیر، سطح تجارت میان افغانستان و قزاقستان به حدود یک میلیارد دالر افزایش یافته و پیش‌بینی می‌شود که این رقم در آینده به سه میلیارد دالر برسد. با تحقق این هدف، در بخش‌های مختلف اقتصادی از جمله تجارت، زراعت، استخراج معادن، ترانسپورت، ترانزیت، خط آهن و صنعت، تحولات مثبت چشم‌گیری به وجود خواهد آمد و میزان سرمایه‌گذاری‌ها نیز افزایش خواهد یافت.

این رشد سریع، نشان‌دهندهٔ افزایش اعتماد میان دو کشور و شکل‌گیری زیربنای مستحکم برای همکاری‌های پایدار است.

امنیت موجود در افغانستان و فراهم‌شدن زمینه‌های تجارت بین‌المللی، فرصت‌های مهمی را برای توسعهٔ همکاری‌های دوجانبه فراهم کرده است. این شرایط باعث شده تا پروژه‌های اقتصادی، ترانزیتی و سرمایه‌گذاری میان دو کشور با جدیت بیشتری دنبال شوند.

سفر هیئت بلندپایهٔ قزاقستان به سرپرستی معاون صدراعظم آن کشور به افغانستان و برگزاری نشست‌های همه‌جانبه با مقام‌های بلندپایهٔ امارت اسلامی، گامی مهم در راستای تحکیم روابط اقتصادی و توسعهٔ همکاری‌های تجاری محسوب می‌شود. این سفر زمینه‌ساز همکاری‌های گستردهٔ اقتصادی بوده و منافع زیادی را برای ملت‌های دو کشور در پی خواهد داشت.

در این نشست، دو طرف دربارهٔ گسترش روابط در بخش‌های مختلف به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی گفت‌وگو کردند و از طریق این تبادل‌نظر، نویدی برای آینده‌ای روشن، روابطی قوی و تجارتی گسترده میان دو کشور دادند. همچنان توافق شد که همکاری‌ها در عرصه‌های مختلف، به‌ویژه در زمینهٔ سرمایه‌گذاری، ترانزیت و پروژه‌های زیربنایی، گسترش یابد.

افغانستان متعهد به همکاری با کشورهای منطقه در زمینه‌های صنعتی، تجاری و ترانسپورتی است. در این راستا، امارت اسلامی پیش‌نویس توافق‌نامه‌ای را برای ایجاد یک مرکز واحد میان چهار کشور (افغانستان، ایران، قزاقستان و ترکمنستان) تهیه کرده و آن را با جانب قزاقستان شریک ساخته است.

امارت اسلامی با اتخاذ سیاست اقتصادمحور به‌عنوان یک عامل کلیدی، زمینه را برای گسترش تعاملات اقتصادی و منطقه‌ای فراهم کرده است. در چارچوب این سیاست، افغانستان در حال تبدیل‌شدن به چهارراه ترانزیتی و تجاری منطقه می‌باشد.

سخن روز وبسایت الاماره

۱ ثور ۱۴۰۴

HAQIQAT

Islamic, Political & Jihadi Bimonthly Magazine

Volume: 12, Issue: 4, May & June 2025



حاصلات زعفران افغانستان افزایش چشم‌گیری یافته است

بر اساس آمارهای اعلام‌شده از سوی اتحادیه زعفران افغانستان در سال ۱۴۰۳ بیش از چهل تن زعفران از سراسر کشور جمع‌آوری شده که نسبت به سال گذشته افزایش چشم‌گیری را نشان می‌دهد.

ایمیل haqiqat.mag@gmail.com

ایمیل مجله تنها آدرس دریافت مقالات نویسندگان می‌باشد.

توئیتر Twitter.com/HaqiqatMagazine

تلگرام T.me/haqiqatmagazine

ارتباط با ما

واتساپ ۰۰۹۳-۷۹۴۳۶۹۲۹۹